

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از دواج اکابر

تہیہ کنندہ: احمد رضائی

زخیر
انتشارات

پڑھشگاہ علوم اسلامی امام صادق علیہ السلام

ازدواج آگاهانه

۵۵۵

تهیه کننده: احمد رضائی

ویراستاران: سیدمصطفی طبیبیان و شریفه یزدانی

سر ویراستار: حسین قاسم حمزه

ناظر علمی: محمد شبیدینی پاشاکی

ناظر نهایی و سازمانی: علی حمیدی

تهیه شده در: مرکز تدوین متون آموزشی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام

و معاونت تربیت و آموزش عقیدتی - سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

صفحه آرا: اسماء وصال طلب راوری

ناشر: زمزم هدایت

۵۵۵

چاپ: مرکز چاپ سپاه

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

۵۵۵

آدرس ناشر: قم، خیابان دورشهر، نبش کوچه ۳، پلاک ۸۱

تلفن: ۰۷۳۵ ۳۷۷۳ - ۰۲۵ ؛ همراه: ۸۷ ۲۸ ۲۵۳ ۰۹۱۲



فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

مقدمه ۱۳

درس اول: کلیات

۱-۱. تعریف خانواده ۱۵

۱-۱-۱. مفهوم لغوی ۱۵

۱-۱-۲. مفهوم اصطلاحی ۱۷

۲-۱. جایگاه تشکیل خانواده در اسلام ۱۷

۳-۱. اهمیت تشکیل خانواده ۲۱

۴-۱. ضرورت تشکیل خانواده ۲۴

۴-۱-۱. محروم شدن از پاداش الهی ۲۴

۴-۱-۲. سرزنش پیامبر ﷺ ۲۵

۴-۱-۳. کاهش نسل ۲۷

۴-۱-۴. علاقه غریزی به جنس مخالف ۲۹

۴-۱-۵. پیشگیری از انحراف ۳۰

درس دوم: آثار تشکیل خانواده

۱-۲. تکمیل دین ۳۵

۲-۲. آرامش روحی و روانی ۳۷

۳-۲. لذت ۳۸

۴-۲. فرزندآوری ۴۰



- ۴۲..... ۵-۲. وسعت رزق و روزی.....
 ۴۳..... ۶-۲. محبت و مهربانی.....
 ۴۴..... ۷-۲. تکمیل و تکامل.....
 ۴۵..... ۸-۲. پاکدامنی.....

درس سوم: انتخاب همسر

- ۴۸..... ۱-۳. ازدواج، قسمت یا انتخاب.....
 ۵۱..... ۲-۳. اهمیت گزینش همسر برای پسران.....
 ۵۴..... ۳-۳. اهمیت انتخاب همسر برای دختران.....
 ۵۵..... ۴-۳. راه‌های انتخاب همسر.....
 ۵۵..... ۱-۴-۳. تحقیق و مشورت.....
 ۵۷..... ۲-۴-۳. استخاره.....
 ۵۸..... ۳-۴-۳. دوستی پیش از ازدواج.....

درس چهارم: ملاک‌های گزینش همسر

- ۶۴..... ۱-۴. ملاک‌های عمومی گزینش همسر.....
 ۶۴..... ۱-۱-۴. کفویت یا همسانی شرعی، اخلاقی و اعتقادی.....
 ۶۹..... ۲-۱-۴. کفویت یا همسانی عقلی و سلامت فکری.....
 ۷۲..... ۳-۱-۴. خوش خلقی.....
 ۷۴..... ۴-۱-۴. اصالت خانوادگی.....
 ۷۶..... ۲-۴. ملاک‌های اختصاصی انتخاب همسر.....
 ۷۶..... ۱-۲-۴. شرایط اختصاصی انتخاب همسر برای آقایان.....
 ۸۳..... ۲-۲-۴. شرایط اختصاصی انتخاب همسر برای بانوان.....
 ۸۷..... ۳-۴. اعتدال در معیارها.....

درس پنجم: خواستگاری

- ۹۲..... ۱-۵. خواستگاری از دیدگاه اسلام.....



۱-۱-۵. خواستگاری حضرت آدم <small>علیه السلام</small> از حوا <small>علیها السلام</small>	۹۲
۲-۱-۳. خواستگاری امام علی <small>علیه السلام</small> از حضرت زهرا <small>علیها السلام</small>	۹۳
۳-۱-۳. خواستگاری امام عسکری <small>علیه السلام</small> از نرجس خاتون <small>علیها السلام</small>	۹۵
۲-۵. شرایط خواستگاری	۹۶
۱-۲-۵. شرایط زمانی	۹۶
۲-۲-۵. شرایط مکانی	۹۷
۳-۲-۵. محرمانه بودن	۹۸
۴-۲-۵. پیشنهاد خواستگاری از جانب مرد	۹۸
۳-۵. مراحل خواستگاری	۱۰۰
۱-۳-۵. استعانت از خداوند	۱۰۰
۲-۳-۵. توسل به انبیا و اولیای الهی	۱۰۱
۳-۳-۵. دقت در سخنان فرد مقابل	۱۰۶
۴-۳-۵. پرسیدن عمیق و راه‌گشا	۱۰۷
۵-۳-۵. بررسی وضعیت ظاهری	۱۰۷
درس ششم: ازدواج (دوران نامزدی)	
۱-۶. فواید دوران نامزدی	۱۱۲
۱-۱-۶. آشنایی و انس با خانواده‌ها	۱۱۲
۲-۱-۶. انس با زندگی جدید	۱۱۳
۳-۱-۶. آمادگی برای زندگی مستقل	۱۱۳
۴-۱-۶. آشنایی بیشتر	۱۱۴
۵-۱-۶. آمادگی والدین	۱۱۴
۲-۶. نقش والدین در دوران نامزدی	۱۱۴
۱-۲-۶. ایجاد بستر مناسب فرهنگی	۱۱۴
۲-۲-۶. بسترسازی برای يك ازدواج ساده با امکاناتی در حدّ توان	۱۱۶



درس هفتم: بایسته‌های نامزدی و ازدواج

- ۱-۷. آسان‌گیری..... ۱۱۹
- ۲-۷. پرهیز از اسراف..... ۱۲۳
- ۳-۷. سرعت در ازدواج فرزندان..... ۱۲۵
- ۴-۷. مهریه معقول..... ۱۲۶
- ۵-۷. پرهیز از گناه و آلودگی..... ۱۲۹
- ۱-۵-۷. رقص و برهنگی..... ۱۳۰
- ۲-۵-۷. شایاش..... ۱۳۴
- ۳-۵-۷. موسیقی‌های مبتذل..... ۱۳۶
- ۴-۵-۷. اختلاط زن و مرد..... ۱۳۸
- ۵-۵-۷. کف‌زدن..... ۱۴۰
- ۶-۵-۷. عکس‌گرفتن و فیلم‌برداری..... ۱۴۱
- ۶-۷. رعایت آداب اسلامی..... ۱۴۲
- ۱-۶-۷. ولیمه‌دادن..... ۱۴۲
- ۲-۶-۷. زمان عروسی..... ۱۴۳
- ۳-۶-۷. آداب زفاف..... ۱۴۵
- ۴-۶-۷. آداب آمیزش..... ۱۴۸

درس هشتم: عوامل تحکیم پیوند زناشویی

- ۱-۸. تعالیم اسلامی..... ۱۵۵
- ۲-۸. اخلاق..... ۱۵۸
- ۳-۸. پدر و مادر همسران..... ۱۶۰
- ۴-۸. نظم‌پذیری..... ۱۶۴
- ۵-۸. حسن معاشرت و درک متقابل..... ۱۶۸
- ۶-۸. گذشت..... ۱۶۹
- کتابنامه..... ۱۷۳



پیشگفتار

ازدواج یکی از مسائل مهم و اساسی در زندگی هر فرد محسوب می‌شود. اگر به این امر درست و بهنگام توجه شود، می‌تواند مسیر زندگی انسان را به خوشبختی سوق دهد؛ و اگر با اشتباه انجام شود، می‌تواند لطمه‌های جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. خداوند متعال برای آرامش روحی و روانی انسان‌ها بهترین راه را ازدواج معرفی کرده است و در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

ازدواج به موقع و آگاهانه به‌قدری در سعادت و شقاوت انسان‌ها تأثیرگذار است که رسول گرامی اسلام ﷺ آن را نیمی از دین برشمرده و می‌فرمایند: «کسی که ازدواج می‌کند، نیمی از دینش را حفظ کرده؛ پس، برای احراز نیم دیگر باید تقوای الهی را پیشه کند.»^۱ و نیز فرموده‌اند: «هرکه به‌منظور پاک نگه

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۲۱۹؛ محمد بن حسن طوسی، الأمالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۸.



داشتن خود از آنچه خداوند حرام کرده است، ازدواج کند، بر خداست او را یاری نماید.»^۱

۱۰

در این زمینه، امام خامنه‌ای داماد فرموده است:

اسلام اصرار دارد بر اینکه این پدیده در اوان خود، هرچه زودتر، از آغاز احساس نیاز انجام گیرد. این هم از اختصاصات اسلام است. هرچه زودتر، بهتر. زود که می‌گوییم؛ یعنی، از همان وقتی که دختر و پسر احساس نیاز می‌کنند به داشتن همسر؛ هرچه این کار زودتر انجام گیرد، بهتر است. علت چیست؟ علت این است که اولاً، برکات و خیراتی که در امر ازدواج وجود دارد، در وقت خود و زودتر از اینکه زمان بگذرد و عمر تلف بشود، برای انسان حاصل خواهد شد؛ ثانیاً، جلوی طغیان‌های جنسی را می‌گیرد؛ از این رو، می‌فرماید: «من تزوج احرز نصف دینه.» طبق این روایت معلوم می‌شود که نصف تهدیدی که انسان دربارهٔ دین خود می‌بینید از طرف طغیان‌های جنسی است که خیلی رقم بالایی است.^۲

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه برای تحقق منویات فرماندهی معظم کل قوا داماد، اجرای تدابیر نمایندهٔ محترم ولی فقیه در سپاه برای افزایش اثربخشی برنامه‌های عقیدتی-سیاسی در سپاه با هدف عمق‌بخشی معنوی، تحکیم بنیاد خانواده، ارتقای آموزه‌ها و دستورهای دینی در

۱. محمد محمدی‌ری‌شهری، میزان‌الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۱۷۹؛ حسام الدین

متقی هندی، کنزالعمال، تحقیق شیخ بکری، بیروت، موسسه الرساله، ج ۱۶، ص ۲۷۶.

۲. سایت مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، ۱۳۸۰/۱۲/۹، دسترسی در: www.khamenei.ir



دوره‌های تربیت و تعالی مجردی در نظر دارد، بخشی از محتوای این دوره‌ها به این امر مهم و سرنوشت‌ساز اختصاص یابد.

۱۱

در کتاب پیش‌رو با پرهیز از مباحث صرفاً نظری و علمی کوشیده شده است مباحث مرتبط با نیازهای ضروری در قالب کاربردی و عملی و با رویکرد تربیتی و انگیزه‌بخشی، به صورت ساده و روان، بیان شود. امید است تلاش تهیه‌کنندگان این اثر به هدف یادشده منجر شده باشد.

در پایان، بر خود لازم می‌دانیم از همکاری رئیس محترم پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید نگارش، و مسئول محترم مرکز تدوین متون آموزشی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد شبیدینی پاشاکی و حجت‌الاسلام والمسلمین احمد رضایی و دیگر دست‌اندرکاران آن مجموعه در جمع‌آوری این متن صمیمانه تشکر کنیم و توفیقات روزافزون آنان را از خداوند متعال مسئلت نماییم.

اداره برنامه‌ریزی، ارزشیابی و تهیه متون آموزشی
معاونت تربیت و آموزش عقیدتی-سیاسی نمایندگی
ولی فقیه در سپاه



مقدمه

شاید، مهم‌ترین تحول در زندگی هر فرد، ازدواج و تشکیل خانواده است. هر مکتبی که ادعای تأمین سعادت بشر را می‌کند، باید برای ازدواج و تشکیل خانواده برنامه داشته باشد و پاسخ روشنی به آن بدهد. در این میان، پرسشی که در ذهن نقش می‌بندد، این است که اسلام چه برنامه‌ای برای تشکیل خانواده دارد؟ آیا این ادعا که اسلام برای تمام زوایای زندگی انسان برنامه دارد، سخنی گزاف است؟ آیا این دین الهی پیروانش را درباره یکی از مهم‌ترین ارزش‌ها، یعنی تشکیل خانواده، بدون هیچ‌گونه راهنمایی و ارشادی رها کرده است؟ چگونه ممکن است دینی که ادعای کامل‌ترین ادیان را دارد، دستورالعملی برای ازدواج نداده باشد؟ پرسش‌هایی از این دست ما را بر آن داشت تا از ژرفای اقیانوس بی‌کران اسلام، مطالبی را گردآوری کنیم. البته، کتاب‌های متعددی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده نوشته شده و زحمات علمی فراوانی از سوی اندیشمندان اسلامی کشیده شده است که اینجانب بسیاری از آنها را دیده و مطالعه کردم، اما در این اثر سعی بر آن است که با حذف برخی از نقایص و اشکالات و با نگاهی جامع‌تر و دسته‌بندی مناسب‌تری به این موضوع نگریده و ازسوی دیگر، مطالب بسیار ساده و روان بیان شود تا برای همگان استفاده‌کردنی باشد. از این رو، کتاب پیش‌رو در هشت درس مطرح شده است که عبارت‌انداز: درس اول: کلیات ازدواج؛ درس دوم: آثار تشکیل



خانواده؛ درس سوم: گزینش همسر؛ درس چهارم: ملاک‌های گزینش همسر؛
درس پنجم: خواستگاری؛ درس ششم: دوران نامزدی؛ درس هفتم: بایسته‌های
نامزدی و ازدواج و درس هشتم: عوامل استحکام پیوند زناشویی.

۱۴

البته، اثر پیش‌رو نیز مانند دیگر آثاری که در این زمینه نوشته شده، به‌طور
حتم، نقاط قوت و ضعفی دارد که از تمام پژوهشگران و دانشمندان خواهشمندم
دیدگاه‌های خود را برای هرچه بهتر شدن و اصلاحات بعدی ارسال کنند. در
پایان، امیدوارم این کتاب گامی کوچک باشد در مسیر هدایت پویندگان طریقت
و جرعه‌ای باشد از آب زلال معرفت بر لب‌تشنگان راه حقیقت.

احمد رضایی

زمستان ۱۳۹۸



درس اول

کلیات

امید است دانش‌آموختگان در پایان این درس:

- مفهوم خانواده را فراگیرند؛
- به جایگاه تشکیل خانواده از دیدگاه اسلام آگاهی پیدا کنند؛
- با اهمیت و ضرورت تشکیل خانواده از منظر اسلام آشنا شوند.

۱-۱. تعریف خانواده

۱-۱-۱. مفهوم لغوی

شاید به نظر برسد که «خانواده» ازجمله مفاهیمی است که بسیار روشن بوده و برای همگان به راحتی، فهم پذیر و درک شدنی است، اما با مراجعه به منابع گوناگون درمی‌یابیم که تعاریف فراوانی از سوی صاحب نظران و متخصصان برای آن بیان شده است.^۱ قرآن کریم برای واژه خانواده از کلمه «اهل» استفاده کرده و آن را برای همسر و فرزندان دختر و پسر به کار برده است. ازجمله مواردی که خدای متعال کلمه «اهل» را برای خانواده به کار برده، سوره مبارکه یوسف است که می‌فرماید:

۱. باقر ساروخانی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵.



قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَكْنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ (يوسف: ۸۸).

گفتند: «ای عزیز، ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته، و متاع کمی (برای خرید مواد غذایی) با خود آورده ایم. پیمان را برای ما کامل کن و بر ما تصدق و بخشش نما، که خداوند بخشنندگان را پاداش می دهد.»
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا (تحریم: ۶).

ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، نگه دارید.

همچنین، در سوره مبارکه هود کلمه «اهل» درباره فرزندان به کار رفته است، در جایی که می فرماید:

اِحْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (هود: ۴۰).

از هر جفتی از حیوانات (از نر و ماده) یک زوج در آن (کشتی) حمل کن. همچنین، خاندانت را (بر آن سوار کن) - مگر آنها که قبلاً وعده هلاک آنان داده شده [همسر و یکی از فرزندان] - و همچنین، مؤمنان را، اما جز عده کمی همراه او ایمان نیاوردند.

استثنا در این آیه نشانگر آن است که همسر و فرزند جزء اهل اند. به همین دلیل، این دو نفر از اهل نوح استثنا شده اند.

از دیدگاه اسلام نه تنها کلمه «اهل» درباره فرزند پسری، بلکه درباره فرزند دختر نیز به کار رفته است. بر این اساس، قرآن کریم درباره مریم یادآور می شود که وی از خانواده خویش جدا شد؛ در جایی که می فرماید:



وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (مریم: ۱۶).

و در این کتاب (آسمانی) مریم را یاد کن، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد، و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت.

۱-۲. مفهوم اصطلاحی

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که با ایجاد عقد و قراردادی میان زن و مرد پدید آمده و فرزندان آن را تکمیل می‌کنند. چنین پیوندی از دیدگاه اسلام شرایط خاصی دارد که با در نظر گرفتن آن، تشکیل خانواده مشروعیت پیدا می‌کند. با ایجاد این پیوند مشروع برای هریک از طرفین وظایف و حقوق جدیدی نظیر حقوق جنسی، عاطفی، اخلاقی و معیشتی ایجاد می‌شود. براین اساس، پس از ایجاد رابطه زناشویی، زن و مرد با ایمان همواره می‌کوشند که تکالیفی را که شرع مقدس بر گردن آنان نهاده به‌خوبی انجام دهند.

۱-۲. جایگاه تشکیل خانواده در اسلام

در تاریخ دیدگاه‌های متفاوتی درباره تشکیل خانواده وجود داشته است. برخی از این دیدگاه‌ها با نگاهی تبعیض‌آمیز میان زن و مرد، از جایگاه حقیقی خانواده کاستند. این نگاه، که بیشتر به زنان وجود داشت، سبب شد ازدواج به محیطی برای مالکیت مرد و بندگی زن تبدیل شود. گاهی مقام و منزلت زن در میان این‌گونه از جوامع به اندازه‌ای کاهش پیدا کرد که تنها به اندازه یک کالا به وی نگریسته می‌شد و مرد به‌عنوان مالک همسرش، اجازه هرگونه برخورد غیرانسانی درباره شریک زندگی خود را داشت. «در یونان، زن شرعی مهجور بود، میکده‌ها و عشرتکده‌ها با



رونق زن‌های بدکاره مشهور بودند، گاهی حتی خود شوهران، زنان خویش را برای تمتع جنسی دیگران قرض می‌دادند؛ چنان‌که پدر موستنس، خطیب معروف یونان باستان، زن خود را به یکی از دوستانش هبه کرده بود.^۱ ویل دورانت می‌نویسد:

در هند قدیم، با مرگ شوهر، هنگامه مرگ محتوم زن نیز فرامی‌رسید؛ بدین گونه‌که، پس از مرگ شوهر، زن را هم به داخل آتشی که جسد مرد در آن می‌سوخت، پرت می‌کردند.^۲

وی درباره مردم چین می‌نویسد:

پدر خانواده حق فروش زن و فرزندانش و حتی حق کشتن آنها را نیز داشت و اصولاً، زن پس از مرگ شوهر، برای نشان دادن وفاداری خود به شوهر، محکوم به خودکشی بود.^۳

عده‌ای از این مرحله نیز پا را فراتر گذاشتند و اصل ازدواج و تشکیل خانواده را امری منفور دانستند و دیگران را از آن برحذر داشتند.^۴ این نگرش که پیروانی در مکتب‌ها و ادیان گوناگون دارد، علاقه جنسی را زشت انگاشته و آن را امری پلید می‌شمارد و حتی ازدواج را نیز در تضاد با تکامل روحی انسان برمی‌شمارد. رد پای این فکر را در میان برهمنان بودا، آیین جین، یونان باستان و مسیحیت موجود می‌توان جست.^۵ در سه قرن نخست مسیحیت، کلیسا به مجرد با دیده احترام

۱. محمد حکیم پور، حقوق زن در کشاکش سنت و تجدد، تهران، نغمه نواندیش، ۱۳۸۴، ص ۷۹.
۲. ویلیام جیمز دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه حسین کامیاب، محمدامین علیزاده، لیلا زارع، تهران، بهنود، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۹.
۳. همان، ج ۳، ص ۱۰۶۶.
۴. انجیل متی، ترجمه مصطفی قدوسی، ایران، باب ۱۹، ص ۳۲، بند ۱۱-۱۲.
۵. احمد حسین شریفی، آیین زندگی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱.



می‌نگریست و آن را همچون آرمانی به حساب می‌آورد و به آن توصیه می‌کرد.^۱ براین اساس، کسی که هرگز ازدواج نکرده است، می‌تواند به مقام پایی برسد.^۲

اما اسلام با رد نظرهای قبلی، جایگاه خانواده را از سطحی پایین به بالاترین سطح ارتقا داد و به آن تقدسی ویژه بخشید. از یک نگاه کلان، جامعه اسلامی مانند پیکری است که خانواده سلول‌های آن را تشکیل می‌دهد. سلامت این سلول‌های کوچک، جامعه‌ای سالم را در پی خواهد داشت و بیماری هریک از آنها به‌یقین، بر پیکره جامعه اسلامی آسیب جدی وارد خواهد نمود. ازاین‌رو، برای داشتن جامعه‌ای بانشاط و سالم باید از سلامت تمام سلول‌های آن اطمینان حاصل کرد و آن را از تمام آلودگی‌ها در امان نگه داشت. خدای متعال برای حفظ جایگاه حقیقی خانواده در اجتماع، زن و مرد را از هرگونه روابط نامشروع بازداشته و می‌فرماید:

هریک از زن و مرد زناکار را صد تازیانه بزنید و نباید رافت (و محبت کاذب) به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود.^۳

۱. کلیسا ازدواج را فقط وسیله‌ای برای جلوگیری از لغزش جنسی و ادامه نسل می‌دانست؛ تاآنجاکه، زنان و شوهران به خودداری از روابط جنسی تشویق می‌شدند. حتی کسانی به نام انکراتیت (خوشتن‌دار) ازدواج را حرام می‌دانستند و عمر خویش را به ریاضت اختصاص می‌دادند. البته کلیسا به تدریج با قراردادن ازدواج در ردیف آیین‌های مقدس و تبدیل آن به قول و قرار، مذهب، مایه اعتلای حیثیت و دوام پیوند ازدواج شد (عباس رسول‌زاده و جواد باغبانی، شناخت مسیحیت، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹، ص ۵۵۷-۵۵۸).

۲. پولس قدیس در نامه خود به قرنتیان می‌نویسد: «کاش همه می‌توانستند مانند من مجرد بمانند. اما ما همه مانند هم نیستیم. پس، به آنانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند و نیز به بیوه‌زنان می‌گویم که بهتر است اگر می‌توانند، مثل من مجرد بمانند» (کتاب مقدس، نامه اول قرنتیان، انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۷۵م، ج ۷، ص ۸-۱۰).

۳. الرَّائِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ (نور: ۲).



این آیه و آیاتی از این دست بیانگر ارزش جایگاه خانواده و اهمیت آن در نزد شارع مقدس دارد. یکی دیگر از آیاتی که به جایگاه خانواده پرداخته است، آیه ۲۲۳ سورة مبارکه بقره می باشد که زن را عنصری محوری در کانون خانواده مورد توجه ویژه قرار داده است. علامه طباطبایی ذیل این آیه می نویسد:

نسبت زنان به جامعه انسانی، نسبت کشتزار است به انسان کشت کار. همان طوری که، کشتزار برای بذر لازم است و اگر نباشد، بذرها به کلی نابود می شود و دیگر غذایی برای حفظ حیات و ابقای آن باقی نمی ماند. همچنین است اگر زنان نباشند، نوع و نسل انسانی دوام نمی یابد و قطع می شود. لذا، خداوند از طریق رحمت و مودت، این پیوند را مستحکم و جایگاه ارزشی آن را حفظ نموده است.^۱

ازسوی دیگر، نقش مرد را نیز به عنوان یکی از مهم ترین ارکان خانواده نادیده نگرفته و حفظ جایگاه خانواده را منوط به توانایی مدیریت و اتکای افراد خانواده به او دانسته است. قرآن کریم در این باره می فرماید:

مردان سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و به خاطر انفاق هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می کنند.^۲

همچنین، خداوند متعال در جایی دیگر زن و مرد را به لباسی برای یکدیگر تشبیه کرده و با این تشبیه، اوج جایگاه خانواده را بیان می کند؛ در جایی که می فرماید:

۱. سید محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (نساء: ۳۴).



آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید).^۱

۲۱

این آیه به صراحت، بیان می‌دارد که هریک از زن و مرد باید برای حفظ جایگاه خانواده به مانند پوششی برای یکدیگر باشند و معایب یکدیگر را از دید دیگران بپوشانند. در متون روایی نیز بارها به جایگاه خانواده پرداخته شده است. این جایگاه در روایات به اندازه‌ای ارزشمند است که برای دستیابی بدان مشوق‌های فراوانی قرار داده شده است؛ تاجایی که، دو رکعت نماز برای فرد دارای خانواده، برتر از عبادت انسان مجردی است که شب و روز نماز بخواند، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند:

دو رکعت نماز فرد متأهل افضل و بهتر از نماز انسان مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز را با روزه سپری کند.^۲

این روایت و روایاتی قریب به این مضمون، که در متون اسلامی وارد شده، به‌خوبی، جایگاه و ارزش والای خانواده را تعیین می‌کند.

۱-۳. اهمیت تشکیل خانواده

تشکیل خانواده یکی از مهم‌ترین حوادثی است که در زندگی هر انسان رخ می‌دهد؛ ازاین‌رو، بسیار اهمیت دارد. این امر نیازی مقدس و طبیعی است که

۱. هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ (بقره: ۱۸۷).

۲. الرَّكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ أَعَزَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَيَصُومُ نَهَارَهُ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۲۹؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، بیروت، مؤسسة الاعلمی للطبوعات، ۱۴۲۶ق، ج ۷، ص ۲۳۹).



از فطرت و آفرینش انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و ریشه در سنت دیرینه اجتماعی انسان‌ها دارد. اسلام برای خانواده قداست و منزلت ویژه‌ای در نظر گرفته است؛ به نحوی که، هیچ نهادی با آن مقایسه‌کردنی نیست. تعبیراتی که در قرآن و روایات درباره تشکیل خانواده به کار رفته است، به خوبی، این مدعا را روشن می‌کند. خدای سبحان، در آیه ۲۱ سوره مبارکه نساء، از پیوند ازدواج، که موجب تشکیل خانواده می‌شود، به «میثاق غلیظ» یا پیمان محکم یاد کرده است.^۱

همچنین، خدای متعال تشکیل خانواده را مایه آرامش و احساس امنیت و سرچشمه ظهور مودت و رحمت دانسته و آن را از آیات الهی شمرده است؛ در جایی که می‌فرماید:

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید
تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در
این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.^۲

افزون بر قرآن کریم تأکید پیشوایان دین نیز دلیل بر اهمیت فراوان این امر الهی است. رسول خدا ﷺ در این باره فرمودند:

هیچ بنایی در اسلام در پیشگاه خدا محبوب‌تر از ازدواج پی‌ریزی
نشده است.^۳ هر مرد مسلمانی بعد از اسلام بیشترین فایده را از
همسر مسلمانی برده است که چون به او بنگرد، شاد شود و اوامرش

۱. وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنُ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نساء: ۲۱).

۲. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (روم: ۲۱).

۳. مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ (محمدرضا بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا يحضره الفقيه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۱، ج ۳، ص ۳۸۳).



را اجرا کند و هرگاه در خانه [و در کنار او] نیست، از خود و مال شوهر محافظت کند.^۱

تربیت‌یافتگان مکتب رسول خدا ﷺ نیز به پیوند زناشویی اهمیت می‌دادند و روا نمی‌دانستند که هیچ مردی، هرچند برای مدتی کوتاه، بدون همسر بماند و این نکته را حتی در مواقع بحرانی فراموش نمی‌کردند. حضرت فاطمه علیها السلام پیش از شهادت خویش به امیرمؤمنان علیه السلام این‌گونه وصیت کرد:

ای پسرعمو، به تو وصیت می‌کنم که پس از من با دخترخواهرم «امامه» ازدواج کنی، زیرا او برای فرزندانم مانند من است. همانا مردان چاره‌ای جز ازدواج ندارند.^۲

ازاین‌رو، پیشوایان دین علیهم السلام همواره بر تحکیم روابط خانوادگی تأکید داشتند و اگر کسی موفق به ازدواج نشده بود، او را به آن ترغیب کرده و مقدمات آن را برایش فراهم می‌کردند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

روزی، مردی خدمت پدرم امام باقر علیه السلام آمد. پدرم از او پرسید: آیا همسر داری؟ عرض کرد: نه. ایشان فرمود: دوست نمی‌دارم که دنیا و آنچه در آن است از آن من باشد و یک شب بدون همسر بخوابم.

۱. مَا اسْتَفَادَ امْرُءٌ مُسْلِمٌ فَايْدَةً بَعْدَ الْاِسْلَامِ اَفْضَلَ مِنْ رَوْحَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ اِذَا نَظَرَ اِلَيْهَا وَ تَطِيعُهُ اِذَا اَمَرَهَا وَ تَحَفَّظُهُ اِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۲۷؛ محمدبن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۹؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۷، ص ۲۴۰).

۲. یَابْنَ عَمَّ اَوْصِيكَ اَوَّلًا اَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِاَيِّمَةٍ اَخْتَى اِمَامَةً فَانْهَآ تَكُوْنُ لِوُلْدِي مِثْلِي، فَانَّ الرَّجَالَ لَا بَدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ (محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵).



سپس، هفت دینار به آن مرد داد و فرمود: با این پول برای خود همسری اختیار کن.^۱

امام رضا علیه السلام ضمن خطبه‌ای، با اشاره به اهمیت اجتماعی ازدواج فرمودند: اگر درباره ازدواج دستوری هم از خدا صادر نشده بود و سنتی هم از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله نرسیده بود، باز به خاطر همان فواید (اجتماعی) که خدا در آن نهاده، مانند نیکی به نزدیکان و پیوند با بیگانگان، انسان خردمند و مصلحت‌اندیش به آن رغبت می‌کرد. و شخص کامروا و درستکار بدان پیشی می‌گرفت.^۲

۱-۴. ضرورت تشکیل خانواده

ضرورت تشکیل خانواده هنگامی به‌روشنی نمایان می‌شود که به پیامد زیانبار مجرد زیستن توجه شود. این پیامدها در سخنان پیشوایان دین علیهم السلام متبلور است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۴-۱. محروم شدن از پاداش الهی

افراد مؤمن و متدین اعمال عبادی خویش را به این امید که مورد پذیرش پروردگار قرار گیرند، انجام می‌دهند. دین مبین اسلام راه‌هایی پیش‌روی افراد باایمان قرار

۱. جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ فَقَالَ لَا فَقَالَ أَبِي وَمَا أَحْبَبَ أَنْ لِيَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَآتَى بَتْلَ لَيْلَةٍ وَ لَيْسَتْ لِي زَوْجَةٌ ثُمَّ قَالَ الرَّكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ أَغْرَبَ يَقُومُ لَيْلَهُ وَ يَصُومُ نَهَارَهُ ثُمَّ أَعْطَاهُ أَبِي سَبْعَةَ دَنَابِيرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ تَزَوِّجْ بِهِذِهِ ثُمَّ قَالَ أَبِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقَ لَكُمْ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۲۹).

۲. لَوْ لَمْ تَكُنْ فِي الْمُنَاكَحَةِ وَالْمُصَاهَرَةِ آيَةٌ مُنْزَلَةً، وَلَا سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ، لَكَانَ مَا جَعَلَ اللَّهُ فِيهِ مِنْ بَرِّ الْقَرِيبِ وَ تَأَلَّفِ الْبَعِيدِ مَا رَغِبَ فِيهِ الْعَاقِلُ اللَّيْبُوبُ وَ سَارَعَ إِلَيْهِ الْمُؤَفَّقُ الْمُصِيبُ (همان، ج ۵، ص ۳۷۳).



داده که علاوه بر پذیرش عبادت، ارزش آن را چندین برابر می کند. تشکیل خانواده از جمله اعمالی است که گاهی ثواب عبادت را تا هفتاد برابر افزایش می دهد. رسول خدا ﷺ فرمودند:

دو رکعت نماز شخص متأهل از هفتاد رکعت نماز فرد بی همسر بهتر است.^۱

روزی امام باقر ﷺ از فردی درباره وضعیت تأهلش پرسیدند. وی در پاسخ گفت که هنوز همسری برای خویش انتخاب نکرده و بدون همسر زندگی می کند. امام ﷺ فرمودند: دوست ندارم که همه دنیا از من باشد و یک شب بدون همسر بخوابم. سپس، فرمودند: دو رکعت نماز فردی که ازدواج کرده، از شب زنده داری و روزه داری فرد مجرد بهتر است.^۲ بنابراین، فردی که به بهانه های مختلف از تشکیل خانواده شانه خالی می کند، بی جهت خود را از فضیلت ها و پاداش های الهی محروم ساخته است.

۱-۴-۲. سرزنش پیامبر ﷺ

سستی و کاهلی در برخی از کارها به اندازه ای ناپسند می باشد که بزرگان دین بارها با تعبیر مختلف آن را مذمت کرده اند. از نگاه پیامبر ﷺ تشکیل خانواده از جمله مواردی است که هرگونه کوتاهی در آن مردود اعلام شده و فردی که بی جهت همسری برای خود برنگزیند، به مثابه برادر شیطان است، زیرا چنین فردی خود را

۱. رُكْعَتَانِ مِنْ مُتَأَهِّلٍ خَيْرٌ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً مِنْ غَيْرِ مُتَأَهِّلٍ (حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، به تحقیق شیخ بکری، بیروت، مؤسسة الرسالة، ج ۱۶، ص ۲۷۷).

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۲۹؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۷، ص ۲۳۹ و ص ۴۰۵.



در معرض گردبادها و طوفان‌های سنگین انحراف و گرفتار شدن در باتلاق شهوات قرار داده است. البته، برخی از افراد ممکن است توان مقابله با شهوات را داشته باشند، اما بهترین راه برای فرونشاندن شعله‌های شهوت، انتخاب همسر و تشکیل خانواده است. از منظر رسول خدا ﷺ بدترین افراد کسانی هستند که از تشکیل خانواده پرهیز می‌کنند، در جایی که فرمود:

بدترین شما بی‌همسران هستند. افراد بدون همسر برادران شیطانند.^۱ از نگاه پیامبر اسلام ﷺ جوانی که در طول زندگی همسری انتخاب نکند و از دنیا برود، در زمره بدترین افراد قرار می‌گیرد. ایشان در بیانی خطاب به افراد مجرد می‌فرمایند:

بدترین مردگان شما عزب‌هایند.^۲ اگر کسانی که بدون همسر از دنیا رفتند، بار دیگر به دنیا بازگردند، حتماً ازدواج خواهند کرد.^۳ پیامبر اکرم ﷺ به مردی به نام «عکاف»، که توانایی مالی برای تشکیل خانواده را داشت، ولی زن نگرفته بود، فرمودند:

ازدواج کن، وگرنه از گناهکاران خواهی بود.^۴

همچنین، ایشان آن دسته از مردان و زنانی را که از ازدواج پرهیز می‌کنند، لعن

۱. شَرَّكُمْ عَزَابُكُمْ، وَالْعَزَابُ اخْوَانُ الشَّيَاطِينِ (محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، قم، رضی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰۲).

۲. رُدَّالْ مُؤْتَاكُمُ الْعَزَابُ (محمد بن حسن فتال نیشابوری، همان، ج ۲، ص ۳۷۴).

۳. لَوْ خَرَجَ الْعَزَابُ مِنْ مُؤْتَاكُم إِلَى الدُّنْيَا لَتَزَوَّجُوا (حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۷).

۴. تَزَوَّجْ وَلَا قَانَتْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (محمد بن محمد شعیری، همان، ص ۱۰۱).



کرده^۱ و آنان را از ترك دنیا و دوری از ازدواج باز داشته است و زنانی را که از شوهر کردن سر باز می‌زنند، نکوهش کرده است.^۲

آنچه گفته شد، گوشه‌ای از سخنان پیامبر اسلام ﷺ درباره نکوهش مجرد زیستن بود که بیانگر دغدغه فراوان ایشان به تشکیل خانواده است. بنابراین، اگر جوانی به فرمایشات پیامبر ﷺ جامه عمل نپوشد و از تشکیل خانواده پرهیز کند، خواسته یا ناخواسته، موجبات ناخرسندی ایشان را فراهم کرده است.

۱-۴-۳. کاهش نسل

یکی از فلسفه‌های تشکیل خانواده تولید نسل و افزایش جمعیت است. قرآن کریم تکثیر نسل را در پرتو تشکیل خانواده برشمرده و می‌فرماید:

ای مردم، از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید. همان کسی که همه شما را از يك انسان آفرید، و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.^۳

پیامبر گرامی اسلام ﷺ حدود ۱۴۰۰ سال پیش به این نکته توجه داشت و همگان را به تشکیل خانواده و تولید نسل فراخواند.^۴ کاهش نسلی که امروزه بسیاری از کشورهای جهان، به‌ویژه کشور عزیزمان، را تهدید می‌کند، در نتیجه

۱. حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

۲. همان.

۳. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً (نساء: ۱).

۴. محمد بن محمد شعیری، همان، ص ۱۰۱.



نادیده گرفتن این عنصر مهم، یعنی تشکیل خانواده، است. مقام معظم رهبری علیه السلام با درک درستی از این تهدید فرمودند:

فرزندآوری یک مجاهدت بزرگ است. ما با خطاهایی که داشتیم، با عدم دقت‌هایی که از ماها سر زده، یک برهه‌ای در کشور ما متأسفانه، این مسئله مورد غفلت قرار گرفت و ما امروز، خطراتش را داریم می‌بینیم که من بارها این را به مردم عرض کرده‌ام: پیر شدن کشور، کم شدن نسل جوان در چندین سال بعد، از همان چیزهایی است که اثرش بعداً ظاهر خواهد شد؛ وقتی هم اثرش ظاهر شد، آن روز دیگر قابل علاج نیست، اما امروز، چرا امروز قابل علاج است. فرزندآوری یکی از مهم‌ترین مجاهدت‌های زنان و وظایف زنان است؛ ... درواقع، این هنر زن‌هاست. اگر چنانچه ما اینها را در جامعه به دست فراموشی نسپریم، آن وقت پیشرفت خواهیم کرد.^۱

ایشان یکی از عوامل مهم ایجاد این تهدید را بالا رفتن سن ازدواج برشمرده و می‌فرمایند:

بلاشک، یکی از چیزهایی که باروری را محدود می‌کند، بالا رفتن سن ازدواج است؛ خب، این یکی از کارهایی است که باید در کشور فکر بشود. چرا سن ازدواج در کشور ما بالا رفته؟ مگر جوان هفده ساله، هجده ساله، نوزده ساله احتیاج ندارد به اطفای نیاز جنسی و غریزه جنسی؟ ما باید به این فکر کنیم. خب، از آن طرف می‌گویند که اینها خانه ندارند، شغل ندارند، درآمد ندارند؛ ببینیم چگونه می‌شود کاری کرد که همه اینها با هم جمع بشود. ما نباید تصور بکنیم که

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات امام خامنه‌ای علیه السلام در جمع مداحان، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱، دسترسی در



حتماً بایستی یک نفری یک خانه ملکی داشته باشد، یک شغل درآمدداری داشته باشد، بعد ازدواج بکند؛ نه: **إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْذِرُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛** این قرآن است [که] با ما دارد این جور حرف می‌زند.^۱

۱-۴-۴. علاقه غریزی به جنس مخالف

خداوند متعال زن و مرد را طوری آفرید که مونس یکدیگر باشند و مرد در کنار زن، و زن در کنار مرد، احساس انس کنند و از وحشت و تنهایی رهایی یابند؛ تنهایی‌ای که جز با کنار هم بودن زن و مرد از بین نمی‌رود. علاقه زن و مرد به یکدیگر، تنها به دلیل تأمین غریزه جنسی نیست، بلکه برای داشتن یک همدم است که در کنار او احساس آرامش و انس کند. بنابراین، در کشش زن و مرد به یکدیگر افزون‌بر غریزه جنسی عوامل دیگری نیز وجود دارند، زیرا هنگامی که حضرت آدم بیان کرد که از دیدن حوا و بودن در کنار او احساس انس می‌کند، هنوز تمایل جنسی در نهاد آنها قرار نگرفته بود و این‌طور که از آیات قرآن استفاده می‌شود، پس از خروج از بهشت، آدم و حوا به این غریزه پی بردند تا بتوانند تولیدمثل کنند و نسل انسان تداوم پیدا کند، اما به این دلیل مجذوب هم شدند که نوعی علاقه خاص به هم داشتند و این علاقه و انس عامل تداوم ارتباط یک زن و مرد است، نه جذابیت جنسی.^۲ امام صادق (ع) فرمودند:

پس از اینکه خداوند آدم را از گل آفرید، حوا را برای او آفرید ... پس، آدم گفت: پروردگارا، این مخلوق نیکو کیست که نگاه کردن و نزدیک

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، بیانات امام خامنه‌ای (مدظله) با اعضای همایش ملی «تغییرات جمعیتی و نقش آن در تحولات مختلف جامعه»، ۱۳۹۲/۸/۸، دسترسی در: farsi.khamenei.ir

۲. علی نقی فقیهی، تربیت جنسی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۸، ص ۷۲.



بودن به او مرا مأنوس می کند؟ خداوند فرمود: ای آدم، این بنده من خواست. آیا دوست داری نزد تو باشد و انیس و هم صحبت تو گردد؟ پس، گفت: آری، ای پروردگار و به خاطر این نعمت تا زنده هستم، شکرگزار تو خواهم بود.^۱ به این جهت زنان نساء نامیده شدند که برای حضرت آدم مونسى غیر از حوا نبود.^۲

۱-۴-۵. پیشگیری از انحراف

تشکیل خانواده مهم ترین عامل برای هدایت غریزه جنسی و جلوگیری از انحراف آن به شمار می رود. جوانانی که به موقع، تشکیل خانواده می دهند، توانایی بیشتری برای مقابله با وسوسه های شیطان دارند و کمتر در دام های شهوانی او گرفتار می شوند. شاید، آلوده شدن نگاه و خودارضایی در ابتدای سنین جوانی اولین نوع نابهنجاری جنسی ای است که برخی از دختران و پسران به آن مبتلا می شوند. این نابهنجاری ها در ادامه ممکن است به لذت بردن و ارتباط با جنس مخالف یا موافق بینجامد. از این رو، اگر تشکیل خانواده به موقع صورت پذیرد، جلوی بسیاری از انحرافات جنسی گرفته می شود. قرآن کریم تشکیل خانواده را تنها راه برای ارضای غریزه جنسی معرفی کرده و به همگان دستور داده که از این محدوده تجاوز نکنند:

و آنها که دامان خویش را (از بی عفتی) حفظ می کنند، مگر بر

۱. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۰؛ محمد بن

حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۳.

۲. سُمِّیَ النِّسَاءُ نِسَاءً لِأَنَّهُ لَمْ یَكُنْ لِآدَمَ ۖ أَنْثَىٰ غَیْرَ حَوَّاءَ (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)،

علل الشرائع، تهران، مؤسسه دارالجمعه، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۷).



همسران خود یا کنیزان شان که [در این صورت] مورد نکوهش نیستند. و هرکس پا از این [حد] فراتر نهد، آنان همان از حد درگذرندگاند.^۱

همچنین، قرآن در جای دیگری درباره نابهنجاری های جنسی، که عمدتاً به علت دوری از تشکیل خانواده اتفاق می افتد، می فرماید:

آیا شما به سراغ مردان می روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می کنید و در مجلسان اعمال ناپسند انجام می دهید؟ اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور.^۲ آیا شما به جای زنان از روی شهوت به سراغ مردان می روید؟ شما قومی نادانید.^۳

تشکیل خانواده سنگر مستحکمی است که انسان را تا میزان فراوانی در برابر وسوسه های شیطانی در امان نگه می دارد. قرآن کریم تعبیر «محسن و محصنه» را درباره افرادی به کار می برد که دارای همسر می باشند. این کلمه درباره کسی به کار می رود که خود را از بی عفتی نگه می دارد.^۴ بنابراین، به تعبیر قرآن تشکیل خانواده باعث حفظ شدن انسان در برابر بسیاری از وسوسه های شیطان می شود. ازسوی دیگر، قرآن کریم زن و شوهر را به لباس یکدیگر تشبیه کرده است.^۵ یکی

۱. وَالَّذِينَ هُمْ لِأَفْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (معارج: ۲۹-۳۱).

۲. أَلَا إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتَّبِعُوا بَعْدَ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ (عنکبوت: ۵۵).

۳. أَلَا إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (نمل: ۵۵).

۴. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۴۹.

۵. بقره (۲)، آیه ۱۷۸.



از کاربردهای لباس این است که از بدن انسان در برابر آسیب‌ها محافظت می‌کند و انسان بی‌همسر مانند فرد بدون لباس آسیب‌پذیر است. امروزه، از نظر علمی ثابت شده است که ارضای غریزه جنسی از راه‌های انحرافی انسان را به انواع و اقسام مشکلات و بیماری‌های جسمی، روانی و اجتماعی دچار، و سلامتی انسان را تهدید می‌کند. «ایور موریش»، جامعه‌شناس غربی معاصر، می‌گوید:

برخی از وظایف روانی و اجتماعی در نقش تربیتی خانواده مستترند. مناسبات جنسی و عاشقانه برای انسان نیاز اساسی محسوب می‌شود و هرچند واضح است که می‌توان این نیازها را در خارج از نهادهای خانواده و ازدواج برآورده کرد، ولی این نکته نیز واضح است که ارضای کاملاً نامحدود خواسته‌های جنسی به فروپاشی نظام جامعه و مناسبات آن منجر می‌شود.^۱

پیامبر اسلام ﷺ تشکیل خانواده را سبب جلوگیری چشم و دیگر اجزای جنسی حرام دانسته و فرمودند:

هرکدام از شما توانایی مالی دارد، ازدواج کند که فروپوشنده چشم و اندام جنسی از حرام است.^۲ هرکس دوست دارد که خداوند را پاک و پاکیزه دیدار کند، با همسر به دیدارش برود.^۳

گاه تشکیل خانواده برای پیشگیری از انحراف واجب می‌شود. مراجع عظام

۱. ایور موریش، درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۲.

۲. مَنِ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ، فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصَرِ وَأَخْصَنُ لِلْفَرْجِ (محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء، تهران، اسلامیه، ج ۳، ص ۵۳).

۳. مَنِ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِراً مُطَهَّراً فَلْيَلْقَهُ بِزَوْجَةٍ وَ مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۵).



تقلید گفته‌اند: اگر فردی به واسطه نداشتن همسر به حرام بیفتد، بر او واجب است که زن بگیرد.^۱ بنابراین، جوانان متدینی که تمام تلاش خویش را به کار می‌گیرند تا مراتب کمال را طی کرده و به قرب الهی نائل شوند، اگر از تشکیل خانواده و ازدواج به موقع غفلت کنند، ممکن است که در دام وسوسه‌های شیطان و باتلاق گناه گرفتار شوند. از این رو، ضروری است جوانان جامعه اسلامی با شتاب بیشتری خانواده تشکیل دهند تا بدین وسیله بتوانند جلوی بسیاری از انحرافات جنسی را در وجود خویش بگیرند.

خلاصه درس

خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که با ایجاد عقد و قراردادی میان زن و مرد پدید آمده و فرزندان آن را تکمیل می‌کنند. اسلام در مقایسه با مکاتب دیگر جایگاه ویژه‌ای به خانواده بخشیده است؛ به گونه‌ای که، آیات و روایات وارد شده در متون اسلامی به خوبی جایگاه و ارزش والای خانواده را تعیین می‌کند. خانواده از دیدگاه اسلام اهمیت فراوانی دارد. تعبیر آیات قرآن که ازدواج را مایه آرامش و رحمت می‌داند و همچنین، تعابیر معصومان علیهم‌السلام که ازدواج را محبوب‌ترین بنا نزد پروردگار معرفی می‌کنند، دلیل بر اهمیت این پیوند آسمانی است. همچنین، با بیان آثار زیانبار دوری از ازدواج در کلام معصومان علیهم‌السلام می‌توان به ضرورت آن پی برد.

۱. احسان اصولی، توضیح المسائل مراجع، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۶، مسئله ۲۴۴۳، ص ۴۲۲.



۱. معنای لغوی و اصطلاحی خانواده را تعریف کنید.
۲. جایگاه تشکیل خانواده را به اختصار توضیح دهید.
۳. اهمیت تشکیل خانواده را بیان کنید.
۴. سه مورد از اقسام ضرورت تشکیل خانواده را نام ببرید.



درس دوم

آثار تشکیل خانواده

امید است دانش‌آموختگان در پایان این درس:

- با آثار تشکیل خانواده از دیدگاه اسلام آشنا شوند.

برخی از افراد به بهانه‌های مختلف همچون مشکلات اقتصادی و نداشتن شغل مناسب از تشکیل خانواده سر باز زده و تصور می‌کنند که با ازدواج مشکلات‌شان بیشتر می‌شود و از عهده مسئولیت زندگی برنخواهند آمد. به نظر می‌رسد که این دسته از افراد با آثار ازدواج و تشکیل خانواده آشنایی کافی ندارند. آشنایی با آثار تشکیل خانواده موجب می‌شود جوانان عزیز بیش از پیش به اهمیت ازدواج پی‌برده و بی‌جهت این امر مهم را به تأخیر نیندازند. بدین منظور، در ادامه، به برخی از آثار تشکیل خانواده اشاره می‌شود.

۱-۲. تکمیل دین

گرایش به دین و معنویت میلی درونی است که هر فردی آن را در وجودش احساس می‌کند. براین اساس است که انسان به سوی خدا و کمالات نفسانی حرکت می‌کند. خدای متعال برای تحقق این نیاز درونی، راه‌های بسیاری پیش روی بشر



قرار داده است که از آن میان می‌توان به تشکیل خانواده اشاره کرد. تشکیل خانواده علاوه بر ارضای نیازهای روانی و عاطفی، زمینه شکوفایی این تمایل فطری را در انسان تقویت کرده و او را به سوی کمال و قرب الهی می‌کشانند. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

هر جوانی که در دوره جوانی خویش ازدواج کند، شیطان‌ش فریاد برمی‌آورد که ای وای، این جوان دو ثلث دین خود را از نفوذ من حفظ کرد. بنابراین، برای حفظ ثلث دیگر دین خویش باید به خدا پناه ببرد.^۱ همچنین، ایشان گزینش همسر را شرطی برای کامل شدن دین و ایمان پیروانش می‌دانست. امام علی علیه السلام به نقل از پیامبر ﷺ فرمودند:

هیچ یک از یاران رسول خدا ﷺ ازدواج نمی‌کرد، مگر آنکه پیامبر ﷺ درباره‌اش می‌فرمود: دینش کامل شد.^۲

البته، تأثیر ازدواج و تشکیل خانواده در حفظ دین به این معنا نیست که تمام زمینه‌های فساد در انسان متأهل از بین می‌رود، بلکه او نیز باید برای حفظ عفت و پاکدامنی خود برنامه داشته باشد؛ چشمان خود را از مناظر شهوت‌انگیز دور نگه دارد و به پیمان زناشویی کاملاً وفادار باشد. پیامبر ﷺ در این باره فرمودند:

هرگاه بنده ازدواج کند، نیمی از دینش را حفظ کرده است؛ پس، در نیم دیگر باید تقوای الهی پیشه کند.^۳

۱. مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِنِّهِ إِلَّا عَمَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي (فضل الله بن علی راوندی، النوادر، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷، ص ۱۲).

۲. لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ أَصْحَابِ الرَّسُولِ ۹ يَتَزَوَّجُ إِلَّا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۹ كَمُلَ دِينُهُ (حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۱۴، ص ۱۴۹).

۳. إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اخْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النُّصْفِ الْبَاقِي (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹).



روایاتی از این دست حاکی از آن است که ازدواج و تشکیل خانواده راهی به سوی حفظ دیانت و تکمیل معنویت و فضیلت است و درغیراین صورت، بعد معنوی انسان پرورش نمی یابد و به فضیلت و تکامل دست پیدا نمی کند.

۲-۲. آرامش روحی و روانی

آرامش روحی و روانی از مسائل ارزشمندی است که انسان به صورت طبیعی به دنبال آن است و خدای متعال یکی از عوامل مؤثر در آرامش روان را ازدواج و تشکیل خانواده قرار داده است. آیات و روایات فراوانی آرامش را به عنوان هدف والای خلقت مرد و زن مطرح و بر این نکته تأکید کرده اند که مردان و زنان از آن زمینه های خلقتی که خداوند متعال برای آرامش در آنان ایجاد کرده، نهایت استفاده را بکنند و این هدف را تحقق بخشند. خداوند متعال می فرماید:

اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد.^۱ و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید.^۲

در این آیات هدف از ازدواج سکونت و آرامش مطرح شده است. بیماری هایی که امروزه به خاطر ترک ازدواج پیش می آیند، برای هیچ کسی انکارپذیر نیستند. همچنین، نداشتن تعادل روحی و ناآرامی های روانی ای که افراد مجرد با آن دست به گریبان اند، کم و بیش بر همه روشن است. از نظر اجتماعی، افراد مجرد کمتر احساس مسئولیت می کنند؛ به همین دلیل، خودکشی میان مجردها بیشتر دیده

۱. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف: ۱۸۹).

۲. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا (روم: ۲۱).



می‌شود و جنایات هولناک از آنها بیشتر سر می‌زند. هنگامی که انسان از مرحله تجرد به مرحله زندگی خانوادگی گام می‌گذارد، شخصیت تازه‌ای در خود می‌یابد و احساس مسئولیت بیشتری می‌کند. این یکی از مصداق‌های احساس آرامش در سایه ازدواج است. از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند:

خداوند زنان را خلق کرده تا مردان با آنان مأنوس باشند و از طریق آنان به آرامش برسند و شهوت‌شان را ارضا نمایند و زنان مادران فرزندان‌شان باشند.^۱

امام رضا (ع) با تصریح به این نکته که زنان مایه آرامش شوهرانند، فرمودند: از سنت‌های اسلام برگزاری مراسم ازدواج در شب است، زیرا خداوند شب را مایه آرامش قرار داده و زن‌ها نیز مایه آرامش (شوهران) هستند.^۲ بنابراین، در پناه یک ازدواج موفق، سکونت و آرامش روانی تحقق می‌یابد و این احساس زمینه رشد جوان را برای دستیابی و کسب فضیلت‌های انسانی فراهم می‌کند.

۲-۳. لذت

خدای متعال نعمت‌های فراوانی را در اختیار انسان قرار داد تا از آنها بهره‌برد و در مسیر رشد و کمال خود به‌کار بندد. از جمله این نعمت‌ها می‌توان به غریزه جنسی اشاره کرد. تأمین غرایز جنسی از طریق مشروع تنها از راه پیوند زناشویی صورت

۱. وَ خَلَقَ لِلرِّجَالِ النِّسَاءَ لِيَأْتُسُوا بِهِنَّ وَيَسْكُنُوا إِلَيْهِنَّ وَ يَكُنَّ مَوَاضِعَ شَهَوَاتِهِمْ وَ أُمَمَاتٍ أَوْلَادِهِمْ (محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲، ص ۳۵۰).
 ۲. مِنَ السَّنَةِ التَّرْوِيجُ بِاللَّيْلِ لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَ النِّسَاءَ إِنَّمَا هُنَّ سَكَنٌ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۶۶).



می‌گیرد. اسلام این راه را جلوی بشر گذاشته تا از بی‌بندوباری، افسارگسیختگی و ابتلای به فساد، مصون بماند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

۳۹

هرگاه دوشیزگان آنچه را که زنان درك کرده‌اند، درك کنند، برای آنها دوایی جز همسر وجود ندارد؛ وگرنه از فساد در امان نخواهند بود، زیرا آنان (هم) بشرند.^۱

امام صادق (ع) لذت جنسی را بالاترین لذات در میان نعمت‌های دنیا و آخرت می‌دانند؛ در جایی که فرمودند:

برای مردم در دنیا و آخرت هیچ لذتی بالاتر از هم‌بستری با زنان نیست؛ سپس، فرمودند: اهل بهشت به چیزی بیشتر از نکاح، چه از طعام و شراب، لذت نمی‌برند.^۲

بنابراین، لذت جنسی مشروع نه تنها از نظر اسلام منع نشده، بلکه بسیار بر آن تأکید شده است، زیرا عمل جنسی مشروع و معتدل باعث آرامش روح و روان انسان شده و جسم را برای امور مادی و معنوی آماده می‌کند. مارابل مورگان می‌گوید:

از نظر فیزیکی، نقطه اوج رابطه جنسی بزرگ‌ترین لذت و عظیم‌ترین آرامش در روی زمین است. بسیاری از پزشکان تحقیق کرده‌اند که اوج این موقعیت بدن انسان را دوباره زنده و احیا می‌کند و سلامتی فیزیکی را به دنبال دارد. چه زمانی عالی‌تر از این؟ هر دوی آنها احساس می‌کنند که خواسته‌شان ارضا و برآورده شده است.^۳

۱. الْأَبْكَارُ إِذَا ادْرَكْنَ مَا يُدْرِكُنَ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُحُولَةُ وَالْأَلَمُ يُؤْمَنُ عَلَيْهِنَ الْفَسَادُ لِأَنَّهُنَّ بَشَرٌ (همان، ج ۱۴، ص ۳۹).

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۲۰.

۳. مارابل مورگان، زن کامل، ترجمه پریسا علی‌نیا، تهران، خجسته، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰.



۲-۴. فرزندآوری

فرزند میوه زندگی و آرزوی طبیعی هر انسانی است و رسیدن به این آرزو تنها با ازدواج تأمین می‌شود. ازدواج بی‌فرزند مانند درخت بی‌بار است. وجود فرزند پیوند زناشویی را استوار می‌کند، مرد و زن را به خانه و زندگی علاقه‌مند و محیط خانه را باصفا و طراوت می‌نماید. همچنین، مرد را به تلاش بیشتر وادار و زن را به خانه و کاشانه دلگرم می‌کند. قرآن فرزند را زینت زندگی دنیا برشمرده که بیانگر رغبت انسان به داشتن فرزند است.^۱ آوردن فرزند و افزایش نسل وابسته به ازدواج و پیوند میان زن و مرد است. در دیدگاه قرآن، زنان فقط وسیله ارضای غریزه جنسی نیستند، بلکه آفریدگار جهان آنان را به گونه‌ای آفریده که وسیله‌ای برای بقای نسل و حفظ حیات نوع بشر و مرکز ثقل پرورش و تربیت فرزندان صالح و شایسته باشند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس، هر زمان که بخواهید، می‌توانید نزد آنان بروید و (سعی نمایید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید.^۲

در این آیه زنان به مزرعه تشبیه شده‌اند که در این تشبیه نکته ظریفی نهفته است. نکته این است که درحقیقت، زن تنها وسیله اطفای شهوت و هوسرانی مردان نیست، بلکه وسیله‌ای برای حفظ حیات بشر است. این سخن در برابر تفکر افرادی است که زن را بازیچه یا وسیله هوسبازی می‌نگرند. از این رو، خدای متعال زوجیت را در متن زندگی انسان قرار داده و آن را موجب گسترش نسل بشر دانسته است؛ آنجا که می‌فرماید:

۱. الْمَالُ وَالْأَنْثَى زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَاباً وَخَيْرٌ أَمْلاً (کهف: ۴۶).
 ۲. نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ (بقره: ۲۲۳).



خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسران تان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد.^۱

۴۱ رسول اکرم ﷺ با اشاره به اینکه دستیابی به تکثیر فرزند از آثار ازدواج است، اظهار می‌کند که این امر سبب مباحثات ایشان بر دیگر امت‌ها در روز قیامت است: ازدواج کنید و بچه‌دار شوید که من در برابر امت‌های دیگر به شما مباحثات می‌کنم، حتی به فرزندانی که سقط شوند.^۲ چه چیزی مؤمن را از انتخاب همسر باز می‌دارد؟ هر آینه در پرتو ازدواج خداوند فرزندی را به او ببخشد که زمین را با شعار لا اله الا الله سنگین کند.^۳

امام صادق (ع) نیز یکی از آثار ازدواج را زمینه‌سازی و پرورش استعداد جنسی افراد برای تحقق بقای نسل می‌داند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

و اگر صورت دختر را بدون ریش آفرید، به این خاطر است که زیبایی او محفوظ بماند و باعث تمایل مردان به او شود، تا از این طریق ازدواج حاصل شود و نسل او باقی بماند.^۴

براساس این روایات، ازدواج و داشتن فرزند امر مهمی است که نباید نسبت به آن بی‌توجهی کرد یا از آن خودداری نمود. البته، تعداد فرزندان، بسته به شرایط زمانی، ممکن است متفاوت باشد، اما اصل مسئله ازدواج و تولید نسل

۱. وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً (نحل: ۷۲).

۲. تَنَاجَوْا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ (محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احسانی، عوالی اللآلی، قم، سیدالشهداء: ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۸۶).

۳. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۲.

۴. وَ إِنْ كَانَتْ أَنْتَ يَتَقَى وَ جُهِهَا نَقِيًّا مِنَ الشَّعْرِ لِيَتَقَى لَهَا الْبَهْجَةُ وَ النَّصَارَةُ الَّتِي تَحَرَّكَ الرَّجَالُ لِمَا فِيهِ دَوَامُ النَّسْلِ وَ بَقَاؤُهُ (محمد باقر مجلسی، همان، ج ۳، ص ۶۲).



امری ضروری است؛ چراکه بدون آن، نظام طبیعت مختل می‌شود و این امری نامطلوب است.

۲-۵. وسعت رزق و روزی

برخلاف تصورات ابتدایی از تشکیل خانواده، که عده‌ای آن را موجب زیاد شدن نان‌خور و تقسیم سرمایه می‌دانند، دین اسلام ازدواج و تشکیل خانواده را موجب برکت و ازدیاد رزق و روزی می‌داند. خداوند متعال می‌فرماید:

اشخاص مجرد و بردگان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید که اگر فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند.^۱

رسول خدا ﷺ فرمودند:

ازدواج کنید، زیرا رزق شما بیشتر می‌شود.^۲

تقریباً همه کسانی که تشکیل خانواده داده‌اند، باوجود اذعان به بعضی از مشکلات، اعتراف می‌کنند که وضعیت مادی و معیشتی آنان از گذشته بهتر شده است. گرچه معمولاً در این‌گونه از مسائل اجتماعی استثنائاتی نیز وجود داشته است. پیامبر اکرم ﷺ به دختران دم‌بخت اجازه دادند که در نمازهای عید فطر و قربان حاضر شوند، شاید رزق و روزی مناسبی نصیب آنان شود.^۳ برخی از دانشمندان دینی این رزق و روزی را به ازدواج تفسیر کرده‌اند.^۴

۱. نور (۲۴)، آیه ۳۲.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۱۹.

۳. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۳، ص ۲۸۷، ح ۱۴؛ دختران دم‌بخت، ترجمه جمله «للنساء العواتق» در روایت است (ر.ک. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۲۳۵).

۴. حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۶۶۵۶؛ محمد باقر مجلسی، همان، ج ۸۷، ص ۳۷۴.



بنابراین، باید بدانیم که گسترش و توسعه رزق و روزی همه انسان‌ها به اراده خداوند متعال است و اگر کسی برای رهایی از نافرمانی او ازدواج کند، خداوند متعال از راه‌هایی رزق و روزی او را، همراه با کار و تلاش، توسعه و مشکلات زندگی او را برطرف خواهد کرد.

در احادیث بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است که اگر فردی تنگ‌دست باشد و ازدواج کند، خداوند او را از فضل و رحمت خود بی‌نیاز کرده و مشکلات مالی و مادی او را حل خواهد کرد.^۱ پس، جوانانی که نیاز به ازدواج دارند، باید اقدام کنند، اما توجه داشته باشند که از مسائل غیرضروری و تشریفات و گناه پرهیزند که اگر چنین کنند، به‌یقین، رحمت و برکات خداوند نصیب آنان خواهد شد.

۲-۶. محبت و مهربانی

محبت و مهربانی دو نشانه الهی و ضامن پابرجا ماندن و دوام بنای زندگی است که خداوند به‌واسطه ازدواج و تشکیل خانواده آن را میان زن و مرد ایجاد می‌کند.^۲ آدمی در هر سن و مرحله‌ای از حیات خویش به محبت احتیاج دارد و علاقه‌مند است که دیگران به او مهر بورزند.^۳ شهید مطهری رحمته الله می‌نویسد:

پسر و دختری که هیچ‌کدام آنها در زمان تجردشان در هیچ چیزی

۱. التَّمِيمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۳۱).

۲. روم (۳۰)، آیه ۲۱.

۳. استادان طرح جامع آموزش خانواده، جوان و تشکیل خانواده، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹ و ۱۲۹.



نمی‌اندیشیدند، مگر آنچه مستقیماً، به شخص خودشان ارتباط داشت، همین‌که به هم دل بستند و کانون خانوادگی تشکیل دادند، برای اولین بار خود را به سرنوشت موجودی دیگر علاقه‌مند می‌بینند. شعاع خواسته‌های شان وسیع‌تر می‌شود و چون صاحب فرزند شدند، به کلی، روح‌شان عوض می‌شود.^۱

۲-۷. تکمیل و تکامل

هیچ انسانی به‌تنهایی کامل نبوده و پیوسته درصدد این است که نقص و کمبود خویش را جبران کند. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که کاستی‌های انسان را به حداقل رسانده و زمینه رشد را در او به‌وجود می‌آورد، انتخاب همسر مناسب و تشکیل خانواده است. جوانان با گزینش همسر شایسته موجبات رشد و تکامل خود را فراهم می‌کنند و در مسیر زندگی از نظرها، تشویق‌ها و حمایت‌های یکدیگر بهره‌مند می‌شوند. همچنین، آنان به مانند پوششی مناسب همسر خود را در برابر تمام آسیب‌ها محافظت کرده و از این راه زمینه رشد و شکوفایی او را فراهم می‌کنند. رفتارهایی از این دست ریشه در آموزه‌های دینی دارد. در جایی که خدای متعال زن و مرد را به‌عنوان لباس و پوششی برای یکدیگر معرفی می‌کند.^۲ شهید مطهری^۳ درباره نقش تربیتی ازدواج و تشکیل خانواده می‌گوید:

یک پختگی هست که جز در پرتو ازدواج و تشکیل خانواده پیدا نمی‌شود، در مدرسه پیدا نمی‌شود، در جهاد نفس، نماز شب و

۱. مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی^{علیه السلام}، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۷، ص ۴۰.

۲. بقره (۲)، آیه ۱۸۷.



ارادت نیکان پیدا نمی‌شود، این را فقط در همین ازدواج و تشکیل خانواده باید به‌دست آورد.^۱

۸-۲. پاکدامنی

بهترین راه برای حفظ عفت ازدواج کردن و تشکیل خانواده در اولین فرصت ممکن است و هرگونه سهل‌انگاری در این مورد به زیان انسان تمام می‌شود. این ضرورت در دوره جوانی بیشتر احساس می‌شود، چون در دوره جوانی که هنگام هیجان غریزه جنسی است، بهترین راه برای منحرف کردن جوانان استفاده از این غریزه و جاذبه‌های جنسی است. انسان با داشتن همسر و با تسکین غریزه جنسی جاذبه‌های منحرف‌کننده را کم‌رنگ می‌بیند، و به‌راحتی، می‌تواند عفت خود را حفظ کند.^۲ وقتی جوانان جامعه اسلامی در سنین مناسب ازدواج کنند و دین خود را از دستبرد دشمنان و افسارگسیختگی‌های آنان حفظ کنند، با آرامش خاطر بیشتر و طهارت شایسته‌تر مسیر قرب به خدا را می‌پیمایند.^۳

خلاصه درس

تشکیل خانواده دارای آثار فراوانی است که از آن میان می‌توان به تکمیل دین، آرامش روحی و روانی، تمتع و لذت، فرزندآوری، وسعت رزق و روزی، مودت و رحمت، تکمیل و تکامل، و پاکدامنی اشاره کرد.

۱. استادان طرح جامع آموزش خانواده، همان، ص ۱۰۸ و ۱۲۹.

۲. فضل‌الله بن علی راوندی، همان، ص ۱۲؛ محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۳۷.

۳. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۵.



۱. سه مورد از آثار تشکیل خانواده را نام برده و یکی را به دلخواه توضیح دهید.
۲. کدام آیه از قرآن کریم اثر تشکیل خانواده را آرامش روحی و روانی بیان کرده است؟
۳. با توجه به آیات و روایات اسلامی توضیح دهید که ارتباط میان ازدواج و وسعت رزق و روزی چیست؟
۴. دیدگاه شهید مطهری رحمته الله علیه درباره نقش تربیتی ازدواج و تشکیل خانواده چیست؟



درس سوم

انتخاب همسر

امید است دانش‌آموختگان در پایان این درس:

- اهمیت انتخاب همسر را بدانند؛

- بهترین راه برای انتخاب همسر را انتخاب کنند.

همسرگزینی و تشکیل خانواده مهم‌ترین رویداد زندگی در دوره جوانی است و تا پایان عمر بر جریان حیات و سعادت فرد تأثیر مستقیم می‌گذارد. انتخاب درست همسر می‌تواند تا پایان عمر فرد را با طعم خوشبختی در زندگی دنیوی و لذت سعادت‌مندی در آخرت آشنا کند؛ برعکس، چنانچه فرد در انتخاب همسر خود دقت کافی را نکند و در این زمینه دچار خطا شود، به غیر از بدبختی و تیره‌روزی چیز دیگری در انتظار او نخواهد بود. از این‌رو، باتوجه به اهمیت این امر لازم است که فرد تمام تلاش خودش را بکند تا انتخاب مناسبی داشته باشد؛ چراکه اشتباه در این امر می‌تواند آسیب‌های زیادی را به دنبال داشته باشد و حتی زندگی فرد را برای مدتی تحت تأثیر قرار دهد. پس، انسان باید به دور از احساسات زودگذر با چشمانی باز به بررسی تمام جوانب امر بپردازد و تصمیمی عاقلانه و درست بگیرد. یکی از اصول ازدواج که در اسلام به آن تأکید و توجه



شده، آزادی در انتخاب همسر برای زن و مرد است. اگر زندگی زناشویی مایه آرامش، آسایش و خوشبختی است، رسیدن به آن هنگامی میسر است که طرفین در انتخاب همسر آزادی و اختیار کامل داشته باشند و با مطالعه و تحقیق تصمیم به ازدواج گرفته، همسر دلخواه خود را انتخاب کنند. در اسلام برای اجرای صیغه «عقد» و صحت آن شرط شده است که زن در «ایجاب»، یعنی پیشنهاد ازدواج با همسر دلخواه و مورد علاقه خود، و شوهر در «قبول»، یعنی پذیرفتن این پیشنهاد، رضایت و اختیار کامل داشته باشند. پیشوایان دین علیهم السلام به مناسبت‌های مختلف بر آزادی انتخاب همسر برای طرفین تأکید و هرگونه تحمیل و اجبار در ازدواج را منع کرده‌اند. بنابراین، انتخاب همسر یکی از مراحل بسیار حساس و مهم برای تشکیل خانواده به‌شمار می‌رود. از آنجاکه مرد و زن با زندگی زناشویی وارد مرحله جدیدی می‌شوند و تا پایان عمر در غم و شادی یکدیگر شریک خواهند بود، باید برای انتخاب همسر اهمیت زیادی قائل باشند، زیرا زن و شوهر لباس و پوشش یکدیگرند و انتخاب این پوشش در زشتی و زیبایی، کمال و جمال آنان اثر می‌گذارد. علاوه بر آن، اخلاق و صفات همسر بر روحیات، عواطف و افکار انسان تأثیر داشته، در جهت‌گیری زندگی و رسیدن به خوشبختی یا بدبختی نقش مهمی دارد.

۳-۱. ازدواج، قسمت یا انتخاب

برخی افراد ازدواج را امری جبری دانسته و بر این باورند تحقیق کردن کاری بی‌فایده است. افرادی از این دست معتقدند که تقدیر الهی را به‌هیچ‌نحوی نمی‌توان تغییر داد و هرآنچه قسمت باشد، اتفاق می‌افتد. این افراد گاه برای



سخنانشان مستنداتی از قرآن نیز می‌آورند، ولی در پاسخ به این تفکر نادرست باید گفت که هیچ‌یک از آیات قرآن گویای جبری بودن ازدواج نیست، بلکه این آیات بیانگر يك واقعیت عینی یا حداکثر ارائه‌دهنده یکی از احکام الهی است. به بیان دیگر، افراد ناشایست به‌طور معمول، سراغ انسان‌های هم‌سنخ خود می‌روند و افراد شایسته به دنبال انسان‌های پاک هستند و این امر دلالتی بر جبری بودن ازدواج ندارد.

در زمان رسول خدا ﷺ، زن بدکاره‌ای به نام «ام مهزول» می‌زیست که در دوران جاهلیت به آلودگی معروف بود و حتی پرچمی برای شناسایی بر در خانه خود نصب کرده بود. فردی از پیامبر ﷺ اجازه خواست که با او ازدواج کند. در این هنگام، آیه سوم سوره نور نازل شد. در روایتی آمده است: این آیه درباره مردان و زنانی است که در عصر رسول خدا ﷺ آلوده به زنا بودند، خداوند مسلمانان را از ازدواج با آنها نهی کرد. هم‌اکنون نیز مردم مشمول این حکمند و هرکس مشهور به این عمل شود و حد الهی به او جاری گردد، نباید با او ازدواج کرد تا توبه‌اش ثابت شود.^۲

در اینجا سؤالی مطرح است و آن اینکه در طول تاریخ یا در محیط زندگی خود

۱. الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمُ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ (نور: ۳)؛ مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک به زنی نگیرد، و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است؛ الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ (نور: ۲۶)؛ زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند، و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ج ۱۴، ص ۳۶۱.



گاه مواردی را می‌بینیم که با این قانون هماهنگ نیست. برای مثال، در خود قرآن آمده است که همسر نوح و همسر لوط زنان بدی بودند و به آنها خیانت کردند^۱ و در مقابل، همسر فرعون از زنان باایمان و پاکدامنی بود که گرفتار چنگال آن طاغوت بی‌ایمان گشته بود.^۲ دربارهٔ پیشوایان بزرگ اسلام نیز کم‌وبیش نمونه‌هایی از این دست دیده شده، که تاریخ اسلام گواه آن است. در پاسخ علاوه‌براینکه هر قانون کلی، استثناهایی نیز دارد، باید به دو نکته توجه داشت:

۱. هیچ‌يك از همسران پیامبران و امامان به‌طور قطع، انحراف و آلودگی جنسی نداشتند، و منظور از خیانت در داستان نوح و لوط جاسوسی کردن به نفع کفار است نه خیانت ناموسی. اصولاً، این عیب از عیوب تنفرآمیز محسوب می‌شود و می‌دانیم محیط زندگی شخصی پیامبران باید از اوصافی که موجب نفرت مردم است، پاک باشد تا هدف نبوت، که جذب مردم به آئین خداست، عقیم نماند.

۲. از این گذشته، همسران پیامبران و امامان در آغاز کار حتی کافر و بی‌ایمان هم نبودند و گاه بعد از نبوت به گمراهی کشیده می‌شدند که مسلماً، آنها نیز روابط خود را مانند سابق با آنها ادامه نمی‌دادند؛ همان‌گونه که همسر فرعون در آغاز که با فرعون ازدواج کرد به موسی ایمان نیاورده بود. اصولاً، موسی هنوز متولد نشده بود، بعداً که موسی مبعوث شد، ایمان آورد و چاره‌ای جز ادامهٔ زندگی توأم با مبارزه نداشت. مبارزه‌ای که سرانجامش شهادت این زن باایمان بود.^۳

۱. تحریم (۶۶)، آیه ۱۰.

۲. همان، آیه ۱۱.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ج ۱۴، ص ۴۲۴.



۳-۲. اهمیت گزینش همسر برای پسران

زن شريك زندگى، صاحب اسرار و انيس مرد مى‌باشد و روشن است كه چنين شخصى تا چه اندازه در زندگى او مؤثر است. پيامبر گرامى اسلام ﷺ گاه از خداوند درخواست مى‌کردند: خدايا، به تو پناه مى‌برم از همسرى كه قبل از رسيدن پيرى پيرم كند.^۱

امام صادق عليه السلام به كسى كه با او درباره ازدواج مشورت كرد، فرمودند:

دقت كن خودت را كجا قرار مى‌دهى، و چه كسى را شريك مال خود قرار داده و او را بر دين و اسرار و امانت‌هاى خود مطلع مى‌نمايى. اگر بايد ازدواج كنى، پس با دوشيزه كه به خوبى و خوش اخلاقى شناخته شده باشد، ازدواج كن. آگاه باش، اخلاق زنان متفاوت است. برخى از آنان پربهره و برخى عذاب دلند. بعضى از زنان چون هلال ماه بوده كه براى شوهر خود بدرخشند، و برخى از آنان چون ظلمتند. هر مردى كه زن نيكو بيايد، سعادت‌مند مى‌گردد و مردى كه كلاه سر او برود، به هيچ وجه قابل جبران نخواهد بود.

سپس، ايشان زنان را به سه دسته تقسيم کرده و فرمودند:

۱. زنى كه فرزند آورده و مهربان است، كمك شوهر خود بر دنيا و آخرت اوست؛

۲. زنى نازاىى كه نه زيبايى داشته و نه اخلاق، و در هيچ كار خوبى ياور شوهر خود نيست؛

۱. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوْجَةٍ تُسَيِّبُنِي قَبْلَ أَنْ مَسِيْبِي (محمدين على ابن بابويه قمى (شيخ صدوق)، من لا يحضره الفقيه، همان، ج ۳، ص ۵۵۸).



۳. زنی که سر و صدایش زیاد و پر رفت و آمد و سخن چین بوده، نیکی زیاد را کم می‌شمرد، و اندک را نمی‌پذیرد.^۱

ایشان در سخن دیگری زن شایسته را جهت‌دهنده زندگی معرفی می‌کند و ارزش او را با معیارهای مادی قابل ارزیابی نمی‌داند:

زن همچون گردنبند است. پس، دقت کن که چه گردنبندی بر گردن خود آویزان می‌کنی. برای زن شایسته و ناشایسته هیچ قیمتی نمی‌توان مشخص کرد، زیرا ارزش زنان شایسته طلا و نقره نیست، بلکه چنین زنانی از طلا و نقره بهترند و ارزش زنان ناشایسته برابر خاک هم نیست، چه اینکه خاک از اینان بهتر است.^۲

نقش همسر و تأثیر آن در زندگی، انسانِ جویایِ سعادت را وامی‌دارد که در انتخاب وی شتاب نکند و با دقتی بایسته به جستجوی همسری شایسته بپردازد، چراکه به‌دست آوردن گوهری ارزنده به غواصی در اعماق دریا می‌ارزد و دست یافتن به همسری شایسته، تلخی ناملازمات و مشکلات گزینش مناسب را به کام انسان شیرین می‌کند، به‌ویژه اینکه انتخاب زن شایسته و صالح اندکی دشوار بوده و دسترسی به آن تنها در سایه انتخاب درست میسر است. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

مَثَلُ زَنْ شَایِسْتَه، مَثَلُ کَلَاغٍ پَاسْفِید است که دسترسی به آن بسیار مشکل است.^۳

۱. همان، ج ۳، ص ۳۸۶.

۲. إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَاَنْظُرْ إِلَى مَا تَقْلُدُهُ، لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطَرٌ لَا لِصَالِحَتِهِنَّ وَلَا لِطَالِحَتِهِنَّ أَمَّا صَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ خَطَرُهَا الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ بَلْ هِيَ خَيْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَأَمَّا طَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ التُّرَابُ خَطَرُهَا بَلِ التُّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۳۲).

۳. أَنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ مَثَلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ الَّذِي لَا يَكَادُ يُقَدَّرُ عَلَيْهِ (همان، ج ۵، ص ۵۱۵؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۷، ص ۴۰۱).



مردی به حضور امام ششم علیه السلام شرفیاب شد و عرض کرد: من می‌خواهم با دختر مورد علاقه‌ام ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم می‌خواهند دختر دیگری که مورد علاقه‌ام نیست به ازدواج من درآورند، اینک وظیفه‌ام چیست؟ امام فرمودند: با زنی که خودت دوست داری ازدواج کن، و زنی را که پدر و مادرت پسندیده‌اند، رها کن.^۱

سفارش‌ها و عملکرد پیشوایان دین علیهم السلام در انتخاب همسر نشانگر توجه آنان به اهمیت و تأثیر این انتخاب در زندگی خانوادگی است. آن بزرگواران در مواردی که ازدواج‌شان جنبه سیاسی یا اجتماعی نداشت و نفس ازدواج برای آنان مطرح بود، درباره فرد مورد نظر تحقیقات لازم را انجام می‌دادند، تا از اخلاق، ایمان و خصوصیات فردی و خانوادگی او به‌طور کامل آگاه شده، همسری شایسته و مناسب انتخاب کنند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عموماً در مواردی که قصد ازدواج داشت، ابتدا تحقیق می‌کرد و کسی را می‌فرستاد تا بانوی مورد نظر را ببیند. امیرمؤمنان علیه السلام نیز قبل از ازدواج تحقیق می‌کرد تا همسری شایسته انتخاب کند که از هر جهت خصوصیات لازم و مورد نظر را داشته باشد. این دقت تا آنجا پیش می‌رفت که از احوال پدر زن نیز می‌پرسید، تا با شناخت صفات موروثی آنان، همسر خویش را برگزیند، چنان‌که حضرت به برادرش عقیل فرمود: تو به انساب عرب آگاهی، برای من زنی اختیار کن که فرزندی شجاع بیاورد. عقیل عرض کرد: با «فاطمه کلایه» ازدواج کن که در عرب کسی از پدران او شجاع‌تر نبوده است.^۲

۱. تَزَوَّجَ الَّتِي هَوَيْتَ وَ دَعِ الَّتِي يَهْوَى آبَاؤُكَ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۴۰۱).

۲. محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۳۳۳.



۳-۳. اهمیت انتخاب همسر برای دختران

انتخاب شوهر مناسب، تأثیر به‌سزایی در تعیین سرنوشت و آینده دختران دارد. بانوان محترم باید مردی را انتخاب کنند که در آینده بتوانند خودشان و فرزندان‌شان به او اعتماد و تکیه کنند. از این رو، پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

ازدواج نوعی فرمانبری است، پس هرگاه دختری را شوهر می‌دهید، دقت کنید که او را به اطاعت چه کسی وامی‌دارید.^۱

رفتار پیشوایان دین ﷺ به‌روشنی، گویای این نکته است که آنان دخترانشان را در انتخاب همسر آزاد می‌گذاشتند، ولی در جهت انتخاب درست به آنها کمک می‌کردند. برای نمونه، می‌توان به ماجرای ازدواج حضرت زهرا ؑ اشاره کرد. در این ماجرا پیامبر ﷺ دخترش را در انتخاب همسر آینده آزاد گذاشت و نظرش را درباره‌ی خواستگارش می‌پرسید؛ به‌گونه‌ای که، هنگام خواستگاری امام علی ؑ از دخترش، رسول خدا ﷺ به مشورت و تبادل نظر با دخترش پرداخت و فرمود: «دخترم، پسر عمویت علی ؑ از تو خواستگاری کرده است، پاسخ تو چیست؟» حضرت فاطمه ؑ به پدر احترام کرده، می‌گوید: «نظر شما چیست؟» پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند از آسمان به این امر اجازه داده است.» فاطمه ؑ گفت: «به آنچه خداوند و پیامبر او برای من پسندیده‌اند، خشنودم.»^۲

انتخاب همسر مناسب برای بانوان به اندازه‌ای مهم است که روزی یکی از

۱. اَنَّمَا النِّكَاحُ رِقٌّ، فَإِذَا انْكَحَ أَحَدُكُمْ وَلَيْدَةً فَقَدْ أَزَقَهَا فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ لِمَنْ يَرِيقُ كَرِيمَتَهُ (محمد بن حسن طوسی، الأمالی، همان، ص ۵۱۹).

۲. أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی، البدایة و النہایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۳۴۲.



یاران امام جواد^{علیه السلام} از ایشان پرسید: «تکلیف دختری که عموی او را در سنین خردسالی به ازدواج فردی درآورده و اکنون که بزرگ شده با این ازدواج موافق نیست، چیست؟» امام جواد^{علیه السلام} در پاسخ نوشت: «نباید آن دختر را اجبار کرد، صحت ازدواج بستگی به توافق او دارد.»^۱ روایاتی از این دست بیانگر حق انتخاب همسر برای هریک از زن و مرد است.

۳-۴. راه‌های انتخاب همسر

امروزه، جوانان برای شناخت همسر از راه‌های مختلفی استفاده می‌کنند. آنها گاه برای یافتن فرد مناسب خویش، رابطه دوستی برقرار می‌کنند و گاه به تحقیق و مشورت با دیگران درباره گزینه مورد نظر خود می‌پردازند و گاه تنها به استخاره اعتماد می‌کنند. حال سؤال این است که کدام راه برای شناخت همسر ایدئال مناسب بوده و از آنجاکه اکثر جامعه را جوانان متدین تشکیل می‌دهند، کدام گزینه تأییدشده اسلام است؟ برای پاسخ به این سؤال به تحلیل و بررسی هریک از این موارد می‌پردازیم:

۳-۴-۱. تحقیق و مشورت

بهترین راه برای شناخت و انتخاب همسر آینده تحقیق و مشورت درباره ویژگی‌های رفتاری اوست. این تحقیق و بررسی می‌تواند از خانواده، محیط زندگی و محل کار فرد مورد نظر انجام گیرد. به عنوان مثال، دقت در انتخاب دوست، نحوه تعامل با اقوام، همسایگان، دوستان و همکاران و به طور کلی، تعاملات اجتماعی می‌تواند

۱. لَا تُكْرِهُ عَلَى ذَلِكَ وَالْأَمْرُ أَمْرُهَا (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۹۴).



عامل مؤثری در شناخت فرد به‌شمار آید. اگر این تحقیقات به‌درستی انجام شود، انتخابی آگاهانه را به بار می‌آورد. آگاهی نسبی دربارهٔ فرد مورد نظر، یقینی نسبی را در پی داشته و از استرس و نگرانی‌های دختران و پسران می‌کاهد، اما امروزه برخی از مردم به تحقیق و مشورت اعتقاد چندانی ندارند و ازدواج را مانند هندوانه‌ای در بسته می‌پندارند. در پاسخ به این افراد باید گفت، درست است که امروزه زندگی مردم مدرن شده و تکنولوژی و افزایش جمعیت سبب شده که توانایی تحقیق و شناخت از افراد دشوار شود، اما این مطلب بهانهٔ خوبی برای فرار از زیر بار تحقیق نیست. چگونه است که این افراد در بسیاری از امور پیش پا افتاده نظیر خرید وسایل منزل، پوشاک، خوراک و ...، که به مراتب ارزش کمتری نسبت به ازدواج دارند، ساعت‌ها به تحقیق و بررسی و مشورت می‌پردازند، اما دربارهٔ ازدواج دو جوان این‌گونه نادرست حکم صادر می‌کنند. بنابراین، عقل سلیم حکم می‌کند که در تمام امور، به‌ویژه در کارهای ضروری و حیاتی، تحقیق صورت گیرد و از میان گزینه‌های مختلف، بهترین انتخاب شود. تحقیق و مشورت به اندازه‌ای اهمیت دارد که خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد که در کارها با دیگران مشورت کند.^۱ پیامبر ﷺ و پیشوایان معصوم ﷺ راه‌های متعددی را برای شناخت افراد بیان کرده‌اند که یکی از آن‌ها تحقیق دربارهٔ دوستان فرد مورد نظر است. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

هرکس هم‌دین دوست خود است، پس، باید بنگرد هر که از شماها
با که دوستی می‌کند؟^۲

۱. وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل عمران: ۱۵۹)؛ در کار [ها] با آنان مشورت کن.

۲. الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَن يَخَالِلُ (محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۱۹۲).



امام علی علیه السلام فرمودند:

در رابطه با کسی که از نظر دینی برای شما شناخته شده نیست به دوستانش نگاه کنید. اگر آنان اهل دین خدا باشند، پس او شخصی متدین است؛ درغیراین صورت، او را از دین خدا حظی نیست.^۱

۵۷

راه دیگر برای شناخت، دقت در حرکات و سکنات خانواده فرد مقابل است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

هنگام انتخاب همسر به وضعیت اخلاقی و رفتاری برادر و خواهرهایش بنگرید، زیرا افراد همانند برادر و خواهرهایشان رفتار می کنند.^۲

۳-۴-۲. استخاره

استخاره به معنای طلب خیر است؛ یعنی انسان از خداوند بخواهد که او را به نیکی و خیر برساند. نکته ای که در استخاره بسیار مهم به نظر می رسد این است که این عمل باید همیشه بعد از تحقیق و مشورت صورت پذیرد؛ درحالی که، برخی از جوانان به اشتباه آن را تنها راه برای انتخاب فرد مورد نظر خود دانسته و بدون تحقیق و بررسی کافی درباره گزینه پیش رو، استخاره می کنند. استخاره در جایی است که تحقیق و مشورت و تفکر راه به جایی نبرد و از میزان شک و تحیر فرد چیزی کاسته نشود، اما به ندرت این حالت پیش می آید و در غالب موارد با تحقیق

۱. فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرَهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانْظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ إِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ اللَّهِ (محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۶، ص ۲۶۵).

۲. همان، ج ۱۴، ص ۲۸.



و مشورت با دیگران و اندکی تأمل، می‌توان دربارهٔ گزینهٔ موردنظر تصمیم‌گیری کرد. آیت‌الله خامنه‌ای دامه در این باره فرمودند:

شایسته است انسان در اموری که می‌خواهد راجع به آن‌ها تصمیم بگیرد، ابتدا تأمل و دقت کند و یا با افراد باتجربه و مورد اطمینان مشورت نماید و در صورتی که با این کارها تحیر او برطرف نشد، می‌تواند استخاره کند.^۱

۳-۴-۳. دوستی پیش از ازدواج

حضور پررنگ بانوان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...، سبب تعامل بیشتر میان زنان و مردان شده است. این تعامل اگر در چهارچوب موازین شرعی صورت پذیرد، اشکالی ندارد، ولی گاه روابط میان دو جنس مخالف همراه با صمیمیت و محبت بوده و عمدتاً پنهانی و از طریق دیدارهای مخفیانه، ارتباط تلفنی و... ایجاد می‌شود. این‌گونه روابط از نظر شرع مقدس اسلام حرام است و زنان و مردان باایمان از آن نهی شده‌اند. خداوند متعال، زن و مرد را به رعایت عفت فراخوانده و می‌فرماید:

به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند.^۲

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، اجوبة الإستفتانات، همان، س ۱۴۳۷، ص ۳۲۱.

۲. قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْا فُرُوْجَهُمْ ذٰلِكَ اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ بِمَا يَصْنَعُوْنَ * وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنٰتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوْجَهُنَّ (نور: ۳۰-۳۱).



بهانه‌ای که عمده جوانان در رابطه با دوستی با جنس مخالف می‌آورند، آشنایی بیشتر برای ازدواج است، اما آنچه امروزه ما شاهدیم، این روابط بیشتر برای سوءاستفاده از جنس مخالف صورت می‌پذیرد و تعداد محدودی از آن واقعاً برای آشنایی پیش از ازدواج بوده و درنهایت، به ازدواج ختم می‌شود و از میان مواردی که به ازدواج ختم می‌گردد، تعداد اندکی به زندگی ادامه می‌دهند و در بیشتر موارد بنا به دلایل مختلفی چون اعتماد نداشتن به فرد مقابل و ... به طلاق منجر می‌شود. جوانان عزیزی که برای آشنایی پیش از ازدواج با جنس مخالف رابطه دوستی برقرار می‌کنند، باید بدانند که این‌گونه از آشنایی‌ها شناخت کامل و درستی به آنان نخواهد داد. با نگاهی به آمار می‌توان دید که آمار طلاق بین کسانی که قبل از ازدواج ارتباط‌های دوستانه داشته‌اند، بالاتر است. علاوه بر اینکه فرد در اکثر موارد خود را آن‌گونه که هست، نشان نمی‌دهد یا به سبب محبت و عشقی که ایجاد شده، نمی‌تواند عیوب طرف مقابل و جوانب مختلف قضیه را بسنجد. بیشتر رفتارها در آشنایی‌های خیابانی به شکل‌های تصنعی ابراز می‌شود. از این‌رو، قرآن کریم هرگونه دوستی پسر و دختر که بر اساس موازین شرعی نبوده را ممنوع می‌داند و از آن نهی می‌کند، همان‌گونه که می‌فرماید:

دوست پنهانی (و نامشروع) نگیرید.^۱

بنابراین، برای شناخت بهتر همدیگر، بهترین راه آن است که دو طرف با اطلاع خانواده و با مشورت از آن‌ها، از همدیگر شناخت پیدا کنند. شناخت پیدا کردن

۱. وَلَا تُتَخَذِیْ اِخْدَانٍ (مانده: ۵).



لزوماً به این معنا نیست که روابط دوستانه خیابانی برقرار کنند که در بسیاری از مواقع، هدف اصلی که شناخت باشد، نه تنها تأمین نمی‌شود، بلکه چه‌بسا شناخت کاذبی به وجود می‌آید که آثار آن در آینده و وقتی ازدواج صورت گرفت، ظاهر می‌شود.

خلاصه درس

اسلام زن و مرد را برای انتخاب همسر آزاد گذاشته و به آنان اجازه داده که همسری مطابق سلیقه خود انتخاب کنند. در متون اسلامی روایاتی وجود دارد که بیانگر حق‌گزینش همسر برای هریک از زن و مرد است، ولی باوجود این، برخی افراد انجام دادن تحقیق برای گزینش همسر را امری بی‌فایده انگاشته و می‌گویند: هرآنچه قسمت باشد، همان خواهد شد و قسمت الهی را به هیچ نحوی نمی‌توان تغییر داد. گاهی برای این گفته خود مستنداتی از قرآن نیز می‌آورند. چنین تفکری نادرست بوده و تفکر جبری بودن ازدواج را در میان خانواده‌ها تقویت می‌کند؛ در نتیجه، آنان را از تحقیق منطقی درباره‌ی گزینه مورد نظر باز می‌دارد.

برای شناخت همسر از راه‌های گوناگونی استفاده می‌کنند، از جمله تحقیق و مشورت، استخاره، و برقراری رابطه‌ی دوستی. بهترین راه برای شناخت و انتخاب همسر آینده، تحقیق و مشورت درباره‌ی ویژگی‌های رفتاری او می‌باشد. استخاره در جایی است که تحقیق و مشورت و تفکر راه به جایی نبرد و از میزان شک و تحیر فرد چیزی کاسته نشود، اما به‌ندرت این حالت پیش می‌آید و در بیشتر موارد با تحقیق و مشورت با دیگران و اندکی تأمل، می‌توان درباره‌ی گزینه مورد نظر تصمیم‌گیری کرد. بنابراین، آنچه امروزه در بین برخی از خانواده‌ها متداول است



که برای انتخاب گزینه‌های ازدواج ابتدا به سراغ استخاره می‌روند، کار درستی نیست. گاه شناخت و انتخاب همسر از طریق دوستی‌های پیش از ازدواج انجام می‌گیرد. این‌گونه روابط عمدتاً پنهانی و از طریق دیدارهای مخفیانه، ارتباط تلفنی و... ایجاد می‌شود که از نظر شرع مقدس اسلام حرام بوده و زنان و مردان باایمان از آن نهی شده‌اند.



۱. آیا ازدواج قسمت است یا انتخاب؟ توضیح دهید.
۲. اهمیت گزینش همسر را برای دختران و پسران توضیح دهید.
۳. راه‌های انتخاب همسر چیست و اسلام کدام راه را تأیید یا رد کرده است؟



درس چهارم

ملاک‌های گزینش همسر

امید است دانش‌آموختگان در پایان این درس:

- با ملاک‌های عمومی انتخاب همسر آشنا شوند؛

- ملاک‌های اختصاصی انتخاب همسر را بدانند.

ازدواج مهم‌ترین رویداد زندگی هر فرد به‌شمار می‌رود و نقش مهمی در سرنوشت انسان دارد. پیوند زناشویی اگر به گونه‌ای درست انجام گیرد، نیازهای عاطفی، جنسی و ... را تأمین می‌کند و باعث آرامش روحی انسان می‌شود. همچنین، یک پیوند موفق، تولید نسل و تربیت فرزندان خوب و شایسته را در پی دارد. بنابراین، درعین حال که نباید در انتخاب همسر خیلی وسواس داشت، اما دقت، شناخت و اتخاذ تصمیم حساب‌شده و بالاخره انتخاب صحیح از شرایط ضروری ازدواج موفق است. امروزه، بسیاری از پسران و دختران جوان، بدون آگاهی از معیارهای اساسی، معیارهای واهی برای خود در نظر می‌گیرند و پس از ازدواج متوجه می‌شوند که این معیارها، ملاک خوشبختی نیستند؛ اما متأسفانه گاهی خیلی دیر به این نتیجه می‌رسند. یا باید بسیاری از خواسته‌های خود را زیر پا بگذارند و به بیانی دیگر بسوزند و بسازند و یا اینکه تن به طلاق و



جدایی داده و به دنبال فردی با ویژگی‌های مطلوب بگردند؛ در صورتی که، ملاک‌ها و معیارهای رسیده از جانب شرع مقدس اسلام، بیانگر ازدواجی موفق بوده و رعایت آنها راه‌گشای بسیاری از مشکلات پیش‌رو خواهد بود. دین مبین اسلام بهترین ملاک‌ها را برای گزینش همسر بیان کرده که سازگاری خوبی با فطرت انسان دارد. برخی از این ملاک‌ها در ادامه آورده می‌شود.

۴-۱. ملاک‌های عمومی گزینش همسر

۴-۱-۱. کفویت یا همسانی شرعی، اخلاقی و اعتقادی

از مهم‌ترین معیارهای گزینش همسر، التزام زوجین به مباحث شرعی، اخلاقی و اعتقادی است. ازدواج‌هایی که با عدم توافق عقیدتی و مذهبی انجام می‌شود، به امید اینکه هریک از زوجین بتواند دیگری را از نظر مذهبی متحول و متقاعد کند، در همه موارد موفق نیستند.

بسیار دیده شده است که یکی از زوجین دارای اعتقادات مذهبی است و دیگری به این مسئله پایبند نیست یا اصلاً از نظر دینی با او اختلاف دارد و بی‌توجه به این اختلاف و با این فکر که پس از ازدواج او را تغییر می‌دهد، با وی ازدواج می‌کند؛ اما پس از ازدواج متوجه می‌شود که نه قادر است او را تغییر دهد و نه می‌تواند از ارزش‌ها و باورهای خود چشم‌پوشی کند. در اینجا مشکل ایجاد می‌شود و این عدم توافق، به اختلافات شدیدتر می‌انجامد. عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) درباره ازدواج زن مؤمن با مرد ناصبی ای که با اهل بیت (ع) دشمنی دارد سؤال کرد. ایشان در پاسخ فرمودند:

مرد مؤمن با زن ناصبی ازدواج نکند و زن مؤمنه با مرد ناصبی ازدواج



نکند و همین‌طور مردی که معرفت دینی او ضعیف است با زن مؤمن ازدواج نکند.^۱

۶۵

شخصی به نام مرثد غنوی، که مرد شجاعی بود، از طرف پیامبر ﷺ مأمور شد که از مدینه به مکه برود و جمعی از مسلمانان را که آنجا بودند با خود بیاورد. وی به قصد انجام فرمان رسول خدا ﷺ وارد مکه شد، در آنجا با زن زیبایی به نام عناق، که در زمان جاهلیت او را می‌شناخت، برخورد کرد. آن زن او را مانند گذشته به گناه دعوت کرد، اما مرثد که دیگر مسلمان شده بود، تسلیم خواسته او نشد. آن زن تقاضای ازدواج نمود، مرثد گفت: این امر موکول به اجازه پیامبر ﷺ است. پس از انجام مأموریت خود به مدینه بازگشت و جریان را به اطلاع پیامبر ﷺ رساند. آیه نازل شد و بیان داشت که زنان مشرک و بت‌پرست شایسته همسری و ازدواج با مردان مسلمان نیستند.^۲

علاوه بر مسائل اعتقادی، ملاک و کفویت دینی نیز مهم است. رسول اکرم ﷺ روزی به دیدن اصحاب «صَفّه» رفت. در آنجا به جوان بی همسر و غریبی به نام «جُوَیِر» برخورد کرد. به او فرمود: چقدر خوب بود همسری انتخاب می‌کردی و با تشکیل خانواده به این زندگی مجردی پایان می‌دادی، تا هم عفت خود را با همسر حفظ کنی و هم او در کار دنیا و آخرت تو را یاری کند. جویر گفت: ای رسول خدا، من نه مال و جمال دارم و نه حسب و نسب، چه کسی به من زن می‌دهد و کدام زن رغبت می‌کند که همسر من شود؟

۱. لَا يَزُوجُ الْمُؤْمِنُ النَّاصِبَةَ وَلَا يَتَزَوَّجُ النَّاصِبُ الْمُؤْمِنَةَ وَلَا يَتَزَوَّجُ الْمُسْتَضْعَفُ مُؤْمِنَةً (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۴۹).

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ج ۲، ص ۱۳۱ ذیل آیه ۲۲۱ سوره بقره.



حضرت فرمود: ای جویر، خداوند به وسیله اسلام ارزش افراد را تغییر داده، بسیاری از اشخاص در دوران جاهلیت محترم بودند و اسلام آنان را پایین آورد و بسیاری، خوار و زبون بودند و اسلام منزلت آنها را بالا برد. برخیز و به منزل «زیاد بن لبید انصاری» برو و از دخترش «ذلفا» خواستگاری کن. مراسم خواستگاری انجام گرفت و زیاد بن لبید با آنکه وصلت با شخصی مانند «جویر» را - که از تمام مزایای مادی محروم بود- در شأن خود نمی دید، به دستور پیامبر ﷺ با این ازدواج موافقت کرد.^۱

مردی خدمت پیامبر ﷺ آمده و در مورد ازدواجش سؤال کرد. حضرت فرمودند: ازدواج کن و بر تو باد که سراغ همسر متدین بروی که سود خواهی برد.^۲ همچنین، فردی خدمت امام حسن مجتبی ﷺ آمد و درباره ازدواج دخترش سؤال کرد، حضرت فرمودند: «او را به همسری مردی باتقوا درآور، زیرا اگر او را دوست بدارد، گرامی خواهد داشت و اگر دوست ندارد، به او ظلم نمی کند.^۳ جوانی که از روحیه دینی و مذهبی بالایی برخوردار نبوده و به حلال و حرام الهی اهمیتی نمی دهد، قطعاً زندگی مشترک را به چالش کشانده و نمی تواند تکیه گاه مناسبی برای همسرش باشد. مراجعه به رساله مراجع تقلید و تطبیق مصادیق آن با همسر آینده کمک شایانی در تشخیص میزان تدین شریک آینده می کند. البته، نباید در این امر

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۳۹.

۲. أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ صِ يَسْتَأْذِنُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ائْتِكُمْ وَ عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ (همان، ج ۵، ص ۳۳۳).

۳. جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الْحَسَنِ ﷺ يَسْتَشِيرُهُ فِي تَزْوِيجِ ابْنَتِهِ فَقَالَ زَوِّجْهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِي فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا (حسن بن فضل بن حسن طبرسی، مکارم الأخلاق، قم، صبح پیروزی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۴).



بیش از اندازه وسواس داشت و حتی به مکروهات و مستحبات بیش از اندازه گیر داد، بلکه اولویت با واجبات و محرمات الهی است. به عنوان مثال، جوانی که در نحوه پوشش،^۱ آرایش سر و صورت،^۲ اعتیاد به مواد مخدر و الکل، نگاه به نامحرم یا عکس و فیلم غیراخلاقی،^۳ ماهواره،^۴ موسیقی‌های غیرشرعی^۵ و ... حدود الهی را رعایت نمی‌کند، اصلاً فرد قابل اعتمادی برای زندگی مشترک نیست. امروزه، در برخی از خانواده‌ها مشاهده می‌شود که به هنگام مراسم خواستگاری یا ازدواج از کروات استفاده می‌کنند که امری ناپسند بوده و نشان‌دهنده ضعف دینی این گونه از خانواده‌هاست. مقام معظم رهبری دامت‌الرحمة فرمودند:

به‌طور کلی، پوشیدن کروات و دیگر لباس‌هایی که پوشش و لباس غیرمسلمانان محسوب می‌شوند؛ به‌طوری‌که، پوشیدن آن‌ها منجر به ترویج فرهنگ منحط غربی شود، جایز نیست.^۶

مصادق دیگری که امروزه در میان برخی از خانواده‌های مشاهده می‌شود، بی‌عفتی است که گاهی در مجالس عروسی بیشتر نمود پیدا می‌کند. از نظر اسلام، همان‌طور که زن باید پاکدامن و عقیقه باشد، مرد هم باید دارای عفت و پاکدامنی

۱. پوشیدن چیزی که از جهت رنگ یا شکل و یا نحوه پوشیدن باعث جلب توجه اجنبی شود و موجب فساد و ارتکاب حرام گردد، جایز نیست. (سیدعلی حسینی خامنه‌ای، اجوبة الاستفادات، ترجمه احمد رضا حسینی، تهران، الهدی، ۱۳۸۰، س ۱۳۶۷).

۲. تراشیدن ریش بنا بر احتیاط حرام است و احوط این است که احکام و آثار فسق بر آن مترتب می‌شود. (همان، س ۱۴۱۵).

۳. همان، س ۱۲۰۰ و ۱۲۰۱.

۴. همان، س ۱۱۸۴.

۵. همان، س ۱۱۲۸.

۶. همان، س ۱۳۷۹.



باشد. این پاکدامنی اگرچه از يك سو وظیفه دینی و اسلامی هر فرد مسلمان است، اما از سوی دیگر، چون بخشی از آثار و منافعش مربوط به همسر است، مرد نیز باید آن را کاملاً مراعات کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: شرط هم کفو بودن (همسر) این است که عقیف باشد و بتواند مخارج اهلش را بپردازد. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام درباره انتخاب همسر از آن حضرت راهنمایی خواست. حضرت فرمودند:

تنها با زنی ازدواج کن که دارای عفت است، زیرا خدای عزوجل می فرماید: آن ها کسانی هستند که نسبت به آلوده نشدن به مسائل جنسی سپر عفت دارند.^۲

مواردی از این دست فراوان است که باید به متون دینی و رساله مراجعه کرد. البته، علاوه بر ارزش های ظاهری، از باطن افراد نیز نباید غفلت کرد. مواردی از قبیل صداقت، رازداری و امانت داری که می توان از طریق گفت و گو با فرد و اطرافیان وی و امتحانش به برخی از زوایای آن پی برد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

فریب نماز و روزه دیگران را نخورید، زیرا چه بسا انسان تا جایی به نماز و روزه شیفته می شود که اگر آن را ترك کند به هراس می افتد، ولی آن ها را با راستگویی و ادای امانت بیازمایید.^۳

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۷، ص ۵۱.

۲. لَا تَزَوِّجْ إِلَّا عَقِيفَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۴۵۳).

۳. لَا تَغْتَرُّوا بِصَلَاتِهِمْ وَ لَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ حَتَّى لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَ لَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ (همان، ج ۲، ص ۱۰۴).



۴-۱-۲. کفویت یا همسانی عقلی و سلامت فکری

عقل یکی از ابزارهای مهم در زندگی است که کاربرد آن برای تجزیه و تحلیل مسائل، تشخیص، تصمیم‌گیری و انتخاب راه درست از نادرست است. برخی از افراد به اشتباه، تصور می‌کنند که اگر جوانی باسواد بوده و دارای مدارج علمی بالایی است، پس، از قوه عاقله بالایی نیز برخوردار است. این نگاه ممکن است زندگی مشترک را با چالشی جدی مواجه کند. جوانان تحصیل کرده فراوانی وجود دارند که در زندگی مشترکشان از قوه تصمیم‌گیری و تعقل پایینی برخوردار بوده و موجبات آزار و اذیت طرف مقابل خویش را فراهم می‌کنند. به عنوان نمونه، جوانی که عقل معاش ندارد، ممکن است که دارایی خویش را به راحتی از دست بدهد و با این کار خانواده خویش را نگران و مضطرب کند. یا جوانی که عقل دینی ندارد، احتمال دارد که به آسانی فریفته هوای نفس، دوستان ناباب و یا زینت‌های دنیا و ... شده و دست از عقاید خویش بکشد. بنابراین، قرآن کریم افرادی را که در مسیر الهی نیستند افرادی بی عقل معرفی کرده و می‌فرماید:

مَثَل (تو در دعوت) کافران، بسان کسی است که (گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر) صدا می‌زند، ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی‌شنوند (و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی‌کنند. این کافران، درواقع) کر و لال و نابینا هستند؛ از این رو، چیزی نمی‌فهمند.^۱

این آیه زنگ خطری برای تمام جوانان است. افرادی که مسیر الهی را نمی‌پذیرند،

۱. وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَ نِدَاءً صُمُّ بُكْمٌ عُمْى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (بقره:



از ابزار عقل بی بهره‌اند. این افراد ممکن است انسان‌های نادانی نباشند، بلکه شاید از سطح بالایی از علم برخوردار باشند، اما به فرموده قرآن بی بهره از عقل هستند. امروزه، جهان کفر در اوج تکنولوژی و صنعت به سر می‌برد، اما چون نتوانسته مسیر کمال حقیقی، که همان مسیر الهی است، را انتخاب کند، به فرموده قرآن، عقل ندارد. این قانون در همه جا ساری و جاری است؛ به طوری که، دختران و پسران جوان نیز باید فرد مقابل خویش را به طور جدی محک زده و تنها به مدارک علمی او بسنده نکنند. اگر فرد مقابل آنان از نظر عقلی خوب بود، می‌توانند به وی اعتماد و تکیه کنند و اگر از نظر عقلی مشکل داشت، فریب جایگاه علمی او را نباید خورد. اداره زندگی و حل مشکلات آن کار آسانی نیست. اگر همسران با هم تفاهم داشته باشند و موقعیت یکدیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند، می‌توانند زندگی را بر پایه صحیحی استوار سازند و به انجام وظیفه مشغول باشند و به کانون خانواده صفا و محبت و گرمی دهند و با عقل و درایت مشکلات را حل و فصل کنند. همسر عاقل امکانات خانواده و اوضاع زندگی را خوب درک می‌کند، توقعات بی جا و بلندپروازی ندارد تا همسرش را در فشار قرار دهد.

اختلافات خانوادگی و کشمکش‌های زندگی گاهی معلول درک پایین زن و شوهر یا یکی از آنهاست. زوجین هرچه عاقل‌تر باشند بهتر می‌توانند همسررداری کنند و وسیله آسایش و خوشی همدیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه‌های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی‌کند.

به علاوه، عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تأثیر دارد. فرزندان خانواده خوش‌فهم و باهوش، غالباً زیرک می‌شوند، و برعکس، حماقت و نادانی پدر و



مادر نیز در فرزند تأثیر دارد. همسر باهوش و عاقل بهتر می‌تواند در تعلیم و تربیت فرزندانش انجام وظیفه کند. بنابراین، عقل و درایت یکی از معیارها و ملاک‌های مهم و بسیار با ارزش محسوب می‌شود که به هنگام گزینش همسر باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

هرگاه از کارها و حالات مردی نزد شما تعریف کردند [گول نخورید] پس، باید در خوبی عقلش دقت کنید.^۱ از ازدواج با زن کم‌عقل بپرهیزید، زیرا مصاحبت و معاشرت با او گرفتاری بوده و نسلش را ضایع می‌سازد.^۲

زندگی با انسان احمق، کانون خانواده را به جهنمی تبدیل خواهد کرد که هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد و تمام عمر باید سوخت و ساخت. از این رو، جوانان عزیز و خانواده‌های محترم باید به صورت اختصاصی وقتی را برای محک‌زدن این عنصر در فرد مقابل خویش قرار دهند تا زندگی آینده خود را به تباهی نکشاند. زندگی با انسان بی‌عقل به اندازه‌ای پر مشقت است که به فرموده امام سجاد علیه السلام خانواده چنین فردی برایش آرزوی مرگ می‌کنند. ایشان در سفارشی به امام باقر علیه السلام فرمودند:

فرزندم، از معاشرت و مصاحبت با انسان کم‌عقل بپرهیز و از او دوری نما و هیچ‌گاه با او دهن به دهن نشو (بحث نکن)، زیرا انسان کم‌عقل، ناقص و معیوب است؛ چه حاضر باشد و چه غائب. اگر سخن بگویند کم‌عقلی‌اش رسوایش می‌سازد و اگر ساکت شد، سکوت بی‌جا دارد و اگر کاری انجام دهد، خراب خواهد کرد و اگر مراقبت از چیزی را از

۱. إِذَا بَلَغَكُمْ عَنْ رَجُلٍ حُسْنُ حَالٍ فَأَنْظِرُوا فِي حُسْنِ عَقْلِهِ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۱۲).

۲. إِيَّاكُمْ وَتَرْوِجُ الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا ضَيَاعٌ وَوُلْدُهَا ضَبَاعٌ (فضل الله بن علی راوندی، همان، ص ۱۳).



او بخواهند ضایع خواهد نمود. نه علم و آگاهی خودش او را سودی می‌بخشد و نه از علم دیگران نفع می‌برد و نصیحت خیرخواهان را نمی‌پذیرد و نزدیکانش از دست او راحتی ندارند، مادرش آرزوی مردن او را دارد و همسرش آرزوی از دست دادن او را و همسایه‌اش دوست دارد از او دور شود و هم‌نشین او دوست دارد جدای از او بنشیند و اگر در مجلسی باشد بزرگ‌ترها را خسته و کوچک‌ترها را فاسد می‌سازد.^۱

۴-۱-۳. خوش خلقی

بخش مهمی از خوشبختی دختران و پسران در گرو ازدواج با فرد خوش اخلاق است. ازدواج با فرد بداخلاق زندگی را تلخ و گاهی ادامه زندگی را ناممکن می‌کند؛^۲ از این رو، پیامبر ﷺ و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به یاران خود اجازه ازدواج با افراد بداخلاق را نمی‌دادند.

ابراهیم همدانی می‌گوید درباره ازدواج نامه‌ای به امام باقر علیه‌السلام نوشتیم. حضرت به خط خود جواب داد که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: با کسی که از اخلاق و دینش

۱. إِيَّاكَ يَا بَنِيَّ أَنْ تُصَاحِبَ الْأَحْمَقَ أَوْ تُخَالِطَهُ - وَاهْجُرَهُ وَلَا تُجَادِلَهُ - فَإِنَّ الْأَحْمَقَ هُمُجَنَّةٌ عَيْنَ [عَيَّاب] غَانِيًا كَانَ أَوْ حَاصِرًا - إِنْ نَكَلَّمَ فَضَحَهُ حُمَقُهُ وَإِنْ سَكَتَ قَصَرَ بِهِ عِيَّهُ - وَإِنْ عَمِلَ أَفْسَدَ وَإِنْ اسْتَرْعَى أَضَاعَ - لَا عِلْمَ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ يُغْنِيهِ وَلَا عِلْمَ غَيْرِهِ يَنْفَعُهُ - وَلَا يُطِيعُ نَاصِحَةَ وَلَا يَسْتَرِيحُ مُقَارِنَهُ - تَوَدُّ أُمُّهُ تَكَلَّتُهُ وَامْرَأَتُهُ أَفْقَدَتْهُ - وَجَارَتُهُ بَعْدَ دَارِهِ وَجَلِيسَتُهُ الْوَحْدَةَ مِنْ مُجَالَسَتِهِ - إِنْ كَانَ أَصْغَرَ مَنْ فِي الْمَجْلِسِ أَعْيَا مَنْ فَوْقَهُ - وَإِنْ كَانَ أَكْبَرَهُمْ أَفْسَدَ مَنْ دُونَهُ (محمد بن حسن طوسی، الأمالی، همان، ص ۶۱۳).

۲. قَالَ عَلِيُّ عليه‌السلام: سُوءُ الْخُلُقِ نَكْدُ الْعَيْشِ وَعَذَابُ النَّفْسِ؛ بداخلاقی زندگی را تلخ و سبب عذاب روح می‌شود. (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶، ح ۵۷۰۲، ص ۲۶۴).



رضایت دارید، ازدواج کنید و خودداری شما از وصلت با او باعث فساد و فتنه بزرگ در جامعه خواهد شد.^۱

۷۳

یکی از مسلمانان به نام حسین بن بشّار باسطی، در نامه‌ای به امام رضا علیه السلام درباره خواستگاری دخترش، از ایشان کسب تکلیف کرد. وی در نامه‌اش نوشته بود: فردی از خویشاوندانم به خواستگاری دخترم آمده که اخلاق خوبی ندارد، اکنون چه کنم؟ دخترم را به او بدهم یا نه؟ شما چه می‌فرمایید؟ امام علیه السلام در جواب نامه‌اش نوشتند: «اگر بداخلاق است دخترت را به او نده.»^۲ بنابراین، خوش خلقی رکنی اساسی در ازدواج و پیوند زناشویی به‌شمار می‌رود و همان‌گونه که باید در مبانی اعتقادی و دینی فرد مقابل دقت کنیم از اخلاق او نیز نباید غافل شویم. زید بن حارثه پسرخوانده و دست‌پرورده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زینب، دختر عمه پیامبر، ازدواج کرد. این زن و شوهر از نظر تدین و ایمان در مقام بالایی قرار داشتند، اما از جهت اخلاقی با هم تفاهم نداشتند و به اصطلاح، اخلاق‌شان با هم جور در نمی‌آمد و اختلاف و نزاع شدیدی بر زندگی‌شان حاکم بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها آنان را نصیحت و سفارش به تفاهم و سازش فرمود، اما این زوج جوان توان تحمل یکدیگر را نداشتند و درنهایت، کار آنان به طلاق انجامید.

در اینکه هر دوی این زن و شوهر انسان‌های شایسته‌ای بودند تردیدی نیست.

۱. عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الِهَمْدَانِيِّ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي التَّرْوِيجِ فَأَتَانِي كِتَابُهُ بِخَطِّهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ۙ إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَدِينَهُ فَرُجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۴۷).

۲. كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ۙ أَنَّ لِي قَرَابَةً قَدْ خَطَبَتْ إِلَيَّ ابْنَتِي وَفِي خُلُقِهِ سُوءٌ فَقَالَ لَا تُرَوِّجْهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۰۹).



در شایستگی زید همین بس که رسول خدا ﷺ او را به عنوان فرزند خود برگزیده بودند و به او محبت فراوانی می کردند و گاهی او را با لفظ «زید الحبيب» صدا می زدند و در شایستگی زینب نیز همین بس که خود پیامبر ﷺ او را به همسری خویش برگزید. بخشی از این داستان در قرآن کریم آمده است.^۱

۴-۱-۴. اصالت خانوادگی

اصالت خانوادگی اصلی مهم در پیوند میان دو نفر به شمار می آید. دختران یا پسرانی که خانواده اصیل ندارند، چندان قابل اعتماد نخواهند بود. البته، اصالت خانوادگی به معنای پولدار بودن یا پست و مقام داشتن و امثال آن نیست. اصالت خانوادگی یعنی متقی و پارسا بودن پدر و مادر. اینچنین خانواده ای مانند سرزمین پاکیزه ای است که از میان آن گیاه انسانیت می روید و انسانی که اصالت خانوادگی ندارد به مانند گیاه هرزه ای است که از دل شوره زار به وجود آمده است. خداوند متعال می فرماید:

سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین های بدطینت (و شوره زار)، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از

۱. وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (احزاب: ۳۷)؛ و آن گاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی، می گفתי: همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود، در دل خود نهان می کردی و از مردم می ترسیدی، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی. پس، چون زید از آن [زن] کام برگرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگان نشان - چون آنان را طلاق گفتند - گناهی نباشد، و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد.



آن نمی‌روید. این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم.^۱

۷۵

پیامبر اکرم ﷺ امت خود را از ازدواج با افرادی که شرافت خانوادگی ندارند برحذر داشتند و فرمودند:

ای مردم، از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله رشد کرده‌اند بپرهیزید. گفتند: ای رسول خدا، منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمود: دختر زیبایی که در خانواده‌ای بد رشد کرده باشد. فرزندان انسان از نظر ویژگی‌های جسمی و روحی بیشتر به برادران زن او شباهت پیدا می‌کنند.^۲

امام صادق ﷺ فرمودند:

از خانواده‌های صالح همسر اختیار کنید، زیرا در ویژگی‌های ارثی فرزندان تأثیر می‌گذارد.^۳

از این گونه روایات می‌توان دریافت که اصالت و شرف خانوادگی همسر بسیار مهم است.^۴

۱. وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (اعراف: ۵۸).

۲. أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا كُمْ وَ خَضِرَاءُ الدَّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنَئِبِ السَّوَةِ (محمّد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۹۱).

۳. اخْتَارُوا لِنُطْفِكُمْ فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الصَّحِيعَيْنِ (فضل الله بن علی راوندی، همان، ص ۱۲).

۴. تَزَوَّجُوا فِي الْحُبْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعَرْقَ دَسَّاسٌ (حسن بن فضل بن حسن طبرسی، همان، ص ۱۹۷).

۵. احمد حسين شريفی، همان، ص ۱۷۵.



۴-۲. ملاک‌های اختصاصی انتخاب همسر

علاوه بر معیارهای یادشده که جنبه عمومی داشت و شامل مرد و زن می‌شد، ملاک‌های دیگری نیز وجود دارد که تنها به مرد یا زن اختصاص داشته و می‌توان آن را از لابه‌لای روایات معصومان علیهم‌السلام استخراج کرد. در ادامه، به برخی از ملاک‌های اختصاصی مردان و زنان اشاره می‌شود.

۴-۲-۱. شرایط اختصاصی انتخاب همسر برای آقایان

مردان برای انتخاب همسری شایسته باید بکوشند سراغ زنانی بروند که دارای صفات زیر باشند. البته، صفات اختصاصی فراوانی در روایات وارد شده است که در ادامه، تنها به برخی از آنها اشاره می‌شود:

(الف) زیبایی: زیبایی از معیارهای تفاهم و تداوم زندگی مشترک محسوب می‌شود. این ملاک در میان پسران اهمیت ویژه‌ای دارد. در نتیجه، به آنان توصیه شده که این گزینه را نیز مورد توجه قرار دهند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند:

زنانی که از همه صورت‌شان زیباتر و مهریه‌شان کمتر است، بهترین زنان امت من هستند.^۱ با زنانی که چشم‌شان نیلگون است ازدواج کنید که در آنان برکت است.^۲

ایشان هرگاه می‌خواستند با کسی ازدواج کنند، ابتدا زنی را برای دیدنش فرستاده و می‌فرمودند:

۱. أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا (محمدبن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۶).

۲. تَزَوَّجُوا الرُّزْقَ فَإِنَّ فِيهِنَّ الْبَرَكَهَ (همان، ج ۳، ص ۳۸۷).



گردن او را بو کن، اگر بوی آن خوب بود معلوم می‌شود بوی آن زن خوب و خوش است و اگر اندام زنانگی او چاق بود، دوشیزگی او نیز خوب است.^۱

امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود:

با زنی که رنگ‌شان گندمگون بوده و قسمت پایین بدن‌شان بزرگ و قدشان متوسط است ازدواج کنید، که اگر آن‌ها را نخواستید مهریه آنان بر من است.^۲

از این رو، در احادیث به مردی که قصد ازدواج دارد اجازه داده شده که به چهره و موهای دختر نگاه کند و زیبایی وی را ببیند. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد که آیا مرد می‌تواند به موها و صورت زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند نگاه کند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «اگر همراه با لذت شهوانی نباشد، اشکالی ندارد.»^۳

البته، برخی از جوانان بیش از اندازه به زیبایی اهمیت داده و آن را تنها ملاک انتخاب خویش قرار می‌دهند. این دسته از جوانان باید بدانند که زیبایی همسر

۱. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً بَعَثَ إِلَيْهَا مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهَا وَقَالَ سَمِّي لَيْتَهَا فَإِنْ طَابَ لَيْتُهَا طَابَ عَرْفُهَا وَإِنْ دَرَمَ كَعْبُهَا عَظُمَ كَعْبُهَا. قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ اللَّيْتُ صَفْحَةُ الْعُنُقِ وَالْعَرْفُ الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَ يُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ أَى طَيِّبَهَا لَهُمْ وَقَدْ قِيلَ إِنَّ الْعَرْفَ الْعُودُ الطَّيِّبُ الرِّيحَ وَقَوْلُهُ ﷺ دَرَمَ كَعْبُهَا أَى كَثُرَ لَحْمُ كَعْبِهَا وَيُقَالُ امْرَأَةٌ دَرَمَاءُ إِذَا كَانَتْ كَثِيرَةَ لَحْمٍ الْقَدَمُ وَالْكَعْبُ وَالْكَعْبُ الْقُرْج. (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۸).

۲. تَزَوَّجَ عَيْنَاءَ سَمْرَاءَ عَجْرَاءَ مَرْبُوعَةً فَإِنْ كَرِهَتْهَا فَعَلَى الصَّدَاقِ (همان).

۳. قُلْتُ لَهُ أُنْظُرُ الرَّجُلَ إِلَى الْمَرْأَةِ يَرِيدُ تَزْوِيجَهَا فَيَنْظُرُ إِلَى شَعْرِهَا وَمَحَاسِنِهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مُتَلَدِّذَاً (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۶).



خوب است، اما تنها ملاک نیست و در کنار آن ملاک‌های مهم‌تری مانند تدین و تقوا نیز وجود دارد. از دیدگاه پیامبر اسلام ﷺ کسی که بدون توجه به ملاک‌های دیگر، تنها زیبایی را ملاک انتخاب خویش قرار می‌دهد، هیچ‌گونه خیری از ازدواجش نخواهد دید. ایشان فرمودند:

کسی که تنها به خاطر زیبایی با زنی ازدواج کند، از آن خیری نخواهد دید و کسی که تنها به خاطر دارایی و ثروت با زنی ازدواج کند، درواقع، با مال او ازدواج کرده و خداوند او را به همان مال و دارایی وامی‌گذارد. بر شما باد که با زنان متدین ازدواج کنید.^۱

بنابراین، جوانان عزیز باید ملاک اصلی را تدین و تقوا قرار دهند و در کنار آن به ملاک‌های دیگر نیز توجه کنند و اگر دختری را یافتند که دیندار و با تقوا بود و در ملاک‌های دیگر نیز مطلوبیت نسبی داشت، با وی ازدواج کنند و خیلی سختگیری نکنند.

ب) مهربانی: یکی از ویژگی‌هایی که یک دختر باید داشته باشد، محبت و مهربانی او به همسرش است. دختری که به پدر و مادر و خانواده خود مهربان است، در آینده نیز می‌تواند همسری خوب و مهربان باشد. امیرمؤمنان علیه السلام به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می‌کنند که از خداوند درخواست کنند به آنها همسری مهربان عنایت کند. ایشان فرمودند:

هرکس از شما برای ازدواج تصمیم گرفت، دو رکعت نماز بخواند، بعد سوره حمد و یس را قرائت کند و پس از آن حمد و ثنای الهی را به جای آورد و بگوید: خدایا، زن صالح، با مودت، پر اولاد،

۱. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، همان، ج ۷، ص ۳۹۹.



سپاسگزار، قانع و تسلیم و با غیرت نصیب من گردان، که اگر خوبی کنم سپاسگزار باشد، و اگر خدا را فراموش کردم مرا یادآوری کند، آنگاه که خانه را ترک می‌کنم حافظ زندگی و آبرو باشد، و آنگاه که به خانه می‌آیم مرا خوشحال و مسرور کند، اگر به او دستور دادم اطاعت کند، و اگر برای او قسم خوردم آن را بپذیرد، و اگر نسبت به او عصبانی و خشمناک شدم، مرا راضی و خرسند گرداند. ای خدای صاحب جلال و بزرگواری، چنین زنی را قسمت من گردان، زیرا من از آستان پر عظمت تو کمک می‌گیرم، و جز آنچه تو قسمت من می‌کنی، چیزی را سراغ ندارم.^۱

زن مهربان و دلسوز به شوهرش احترام فراوان می‌گذارد و در مشکلات و سختی‌ها او را دلداری می‌دهد. مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: «هرگاه به خانه می‌روم، همسر من از من استقبال می‌کند و هرگاه می‌خواهم از منزل خارج شوم، مرا بدرقه می‌کند و هرگاه مشاهده می‌کند که من محزون و ناراحت هستم به من می‌گوید: چه چیز تو را محزون نموده است؟ اگر برای روزی غصه می‌خوری که خداوند عهده‌دار آن است و اگر برای آخرت ناراحت هستی، خداوند غصه آخرت را بیشتر کند که برای آن تلاش نمایی.» پیامبر ﷺ فرمودند: «خداوند کارگزارانی دارد که این زن یکی از آنهاست. برای او نصف اجر شهید است.»^۲

۱. فضل الله بن علی راوندی، همان، ص ۴۸.

۲. إِنَّ لِي زَوْجَةً إِذَا دَخَلْتُ تَلَقَّيْتَنِي وَإِذَا خَرَجْتُ سَبَّعْتَنِي وَإِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ مَا يَهْمُكَ إِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلُ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَإِنْ كُنْتَ تَهْتَمُّ بِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَرَأَيْتَكَ اللَّهُ هَمًّا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنْ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۹).



پ) **فرزندآوری:** فرزندآوری از جمله ملاک‌هایی است که در روایات بارها بدان تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

می‌خواهید شما را از زنانی که اهل بهشتند خبر دهم؟ زن وفاداری که فرزند زیاد آورد و زود آشتی کند و همین که بدی کرد گوید این دست من در دست توست؛ چشم بر هم نمی‌گذارم تا از من راضی شوی.^۱ بی‌شک، از بهترین زن‌های تان کسی است که زایا، مهربان، پاکدامن، در نزد خانواده‌اش عزیز و در نزد شوهرش فروتن باشد.^۲

البته، برخی از دختران توان بچه‌دار شدن را ندارند که روایات شامل حال این‌گونه از افراد نمی‌شود، بلکه منظور افرادی هستند که توانایی بچه‌دار شدن را دارند، اما به بهانه‌های مختلف از زیر آن شانه خالی می‌کنند.

برخی به اشتباه، ملاک فرزندآوری را قبل از ازدواج در نظر گرفته‌اند و گفته‌اند که نباید با زنان نازا و عقیم ازدواج کرد. در پاسخ افرادی از این دست باید گفت که اولاً، گناه این‌گونه از افراد چیست که نباید با آنان ازدواج کرد؛ ثانیاً، ازدواج نکردن با این افراد با آیاتی از قرآن که به‌طور مطلق، همگان را به ازدواج دستور می‌دهد، تناقض دارد؛ ثالثاً، در زمان صدر اسلام نازایی زنان قبل از ازدواج مشخص نبوده و حتی امروز نیز تشخیص نازایی کار آسانی نیست؛ رابعاً، گاهی همسران انبیای الهی نیز نازا بوده‌اند. از جمله این انبیای الهی حضرت زکریاست که پس از دریافت ندای ملائکه مبنی بر فرزنددار شدنش در سنین پیری به خداوند عرضه داشت:

۱. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِنِسَائِكُمْ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ الْوُدُودُ الْوُلُودُ الْعَتُودُ الَّتِي إِذَا ظَلَمْتَ قَالَتْ هَذِهِ يَدِي فِي يَدِكَ، لَا أَذُوقُ غَمًّا حَتَّى تَرْضَى (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶، ص ۲۴۱).

۲. أَنْ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمُ الْوُلُودُ الْوُدُودُ السَّتِيرَةُ الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْهَا (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۹).



پروردگارا، چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد؛ درحالی‌که، پیری به سراغ من آمده و همسرم نازاست؟ فرمود: بدین‌گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد.^۱

بنابراین، نمی‌توان نتیجه گرفت که منظور روایت ازدواج نکردن با زنان نازا و عقیم است، بلکه منظور روایت دربارهٔ افرادی است که توانایی تولیدمثل دارند، اما فرزندان نمی‌شوند یا به تعداد فرزند اندک بسنده می‌کنند. امروزه، با زوج‌های جوانی مواجه می‌شویم که به دلیل ادامه تحصیل یا مشکلات اقتصادی و ... از زیر بار این مسئولیت بزرگ شانه خالی می‌کنند؛ غافل از اینکه، خداوند رزق فرزندان را تضمین کرده^۲ و پیامبر اسلام ﷺ نیز فرمودند که در قیامت، به فرزندان امت‌شان مباحثات می‌کنند.^۳ این تفکر در زمان صدر اسلام نیز وجود داشت و برخی به بهانه‌های مختلف نظیر ترس از فقر و ... بچه‌دار نمی‌شدند. خدای متعال روزی آنان را تضمین کرد و فرمود:

فرزندان‌تان را از (ترس) فقر، نکشید. ما شما و آنها را روزی می‌دهیم.^۴

بنابراین، جوانان عزیز باید با دخترانی ازدواج کنند که تصمیم بچه‌دار شدن دارند و برای این امر مهم برنامه‌ریزی کرده‌اند و با بهانه‌های واهی این مسئولیت بزرگ را به تأخیر نینداخته و در انجام آن کوتاهی نمی‌کنند.

ت) تکبر: زن تأثیری مستقیم در امنیت و حفظ نظام خانواده دارد؛ در نتیجه،

۱. قَالَ رَبِّ اَنِّیْ یَکُوْنُ لِیْ غُلَامٌ وَ قَدْ بَلَغَنِی الْکِبَرُ وَ اَمْرَاتِیْ عَاقِرٌ قَالَ کَذٰلِکَ اللّٰهُ یَفْعَلُ مَا یَشَآءُ (آل عمران: ۴۰)

۲. وَ لَا تَقْتُلُوْا اَوْلَادَکُمْ خَشِیَۃَ اِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُھُمْ وَ اِیَّاکُمْ اِنْ قَتَلْتُمْ کَانَ خَطْیًا کَبِیْرًا (اسراء: ۳۱).

۳. تَنَآکَفُوْا تَنَاسَلُوْا تَکْتُمُوْا فَاِنِّیْ اُبَآھِیْ بِکُمْ الْاُمَمَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ (محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور احسانی، همان، ج ۱، ص ۲۵۹).

۴. وَ لَا تَقْتُلُوْا اَوْلَادَکُمْ مِنْ اِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُکُمْ وَ اِیَّاهُمْ (انعام: ۱۵۱).



باید رفتار و کردار وی در نهایت سنگینی و متانت باشد. برای زن شایسته نیست که در مقابل نامحرم فروتنی کرده، صدایش را نازک کند یا در رعایت حجابش کوتاهی کند یا بیش از اندازه با نامحرم سخن بگوید و ... بلکه باید رفتارش با نامحرم از روی تکبر باشد. زنی که با نامحرم از روی عشوه و ناز صحبت می‌کند، افراد لابلایی را وسوسه می‌کند که به او فکر آلوده داشته باشند. بسیاری از تجاوزها و جنایتهایی که در برخی از شهرها اتفاق می‌افتد، ریشه در همین بی‌دقتی‌ها دارد. امام علی علیه السلام برای جلوگیری از این خطرها و آسیب‌های فردی و اجتماعی به مردان توصیه می‌کند که هنگام انتخاب همسر از ملاک تکبر غفلت نکنند، زیرا زنی که متکبر است خویشتن را در برابر نامحرم حفظ می‌کند. ایشان فرمودند:

هرگاه زنی متکبر باشد، بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد.^۱

ث) بخل: حفظ و نگهداری اموال شوهر از ملاک‌های ارزشمندی است که یک زن خوب باید آن را داشته باشد. زنی که درباره دارایی شوهرش دلسوزی نداشته و آن را به راحتی از دست می‌دهد، مرد و نظام خانواده را به جد با مشکل مواجه می‌کند. مثلاً، برخی از خانم‌ها در نگهداری اموال منزل یا حفظ مواد غذایی یا پوشاک و ... اهتمام لازم را نداشته و پیوسته به فکر خرید اقلامی هستند که یا نیاز خانواده نیست یا نیاز اصلی خانواده به‌شمار نمی‌رود. خانواده‌هایی از این دست در بلندمدت با چالش‌های جدی روبه‌رو می‌شوند، زیرا زن همیشه خود را با دیگران مقایسه کرده و هرگز حس تنوع‌طلبی‌اش ارضا نشده و مرد نیز هرگز توان تأمین مسائل اقتصادی همسرش را نخواهد داشت. در بسیاری از موارد سرانجام،

۱. اِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَزْهُوَّةً لَمْ تَمْكُنْ مِنْ نَفْسِهَا (محمد بن حسین سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۵، حکمت ۲۳۴، ص ۶۷۹).



این‌گونه خانواده‌ها به جدایی منجر می‌شود. بنابراین، پیشوایان معصوم علیهم‌السلام برای پیشگیری از دچار شدن به مشکلاتی از این دست، ملاک انتخاب همسر را بخل و بی‌بیان می‌کنند. بخل در همه شرایط صفتی پسندیده نیست، بلکه منظور از بخیل بودن زن، تنها در حفظ دارایی همسرش است. بنابراین، زنی که دارای این صفت است، اموال و دارایی همسرش را حفظ و از تجملات و اسراف و ... پرهیز می‌کند. امام علی علیه‌السلام فرمودند:

اگر زن بخیل باشد، اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند.^۱

ج) ترس: از ویژگی‌های بسیار پسندیده و مطلوب در انتخاب زن، ترس است. البته، این به آن معنا نیست که زن در برابر همه چیز ترسو باشد، بلکه زنی که این صفت را دارد، از هر چیزی که به آبروی همسرش زیان برساند فاصله می‌گیرد و همیشه مراقب و مواظب است که عفتش به خطر نیفتد و از این امر دائم در هراس است. امام علی علیه‌السلام فرمودند:

اگر زن ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی همسرش زیان برساند فاصله می‌گیرد.^۲

۴-۲-۲. شرایط اختصاصی انتخاب همسر برای بانوان

از دیدگاه اسلام، زن نیز به مانند مرد حق دارد که خصوصیات روحی و اخلاقی مرد را قبل از ازدواج بررسی، تحقیق و تفحص کند. بدیهی است، همان‌طور که در روایات اسلامی برای زنان شایسته ویژگی‌هایی بیان شده که هر زنی باید دارای آن

۱. إِذَا كَانَتْ بَخِيلَةً، حَفِظَتْ مَالَهَا وَ مَالَ بَعْلِهَا (همان).

۲. إِذَا كَانَتْ جَبَانَةً فَرَّقَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يَعْرِضُ لَهَا (همان).



صفات باشد، برای مردان نیز باید اوصافی وجود داشته باشد تا شایستگی ازدواج با زنان متدین را داشته باشند. به یقین، مرد شایسته از نظر مکارم اخلاقی باید در سطحی بالاتر از زن قرار داشته و از نظر تقوا در درجه بسیار ممتازی واقع شده باشد.

برخی از روایات، چهره اخلاقی و روحی مرد شایسته را ترسیم نموده و ویژگی‌های آن را توصیف و تبیین کرده‌اند؛ یعنی، همان شرایط کلی که درباره انتخاب همسر (چه مرد و چه زن) لازم است مراعات شود، درباره مردان باید با دقت بیشتری مورد توجه قرار بگیرد، از قبیل دینداری، اصالت خانوادگی و

اکنون آنچه بیشتر مورد توجه احادیث اسلامی است را به شرح زیر بررسی می‌کنیم:

(الف) تقوا: تقوا از مهم‌ترین و ضروری‌ترین اموری است که باید در انتخاب همسر مورد توجه باشد؛ چون همسر با تقوا زن و فرزندان را به دینداری و تقوا و اخلاق نیک و عمل صالح و ترک گناه تشویق و ترغیب می‌کند و در پیمودن صراط مستقیم، بهترین یار و مددکار خواهد بود. جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که ایشان فرمودند:

«آیا بهترین مردان را به شما معرفی کنم؟ عرض کردیم: «بله ای رسول خدا»، فرمودند: «بهترین مردان کسانی هستند که اهل تقوا و پاکی‌اند، دست باز و بخشنده دارند، انسان‌های نرمی هستند، به پدر و مادرشان نیکی می‌کنند و هیچ کاری نمی‌کنند که زن و فرزندان به غیر خودشان پناهنده شوند.»^۱

۱. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ رِجَالِكُمْ قُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ مِنْ خَيْرِ رِجَالِكُمُ التَّقِيُّ الْكَنِيَّ السَّمِخَ الْكَفَّيْنِ التَّقِيُّ الطَّرْفَيْنِ الْبَرَّ بِوَالِدَيْهِ وَلَا يُلْجِئُ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۵۷).



ب) تمکن مالی: یکی از ملاک اختصاصی که مردان باید آن را دارا باشند، داشتن توان مالی برای اداره زندگی است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

۸۵

کفویت و همتایی آن است که مرد، عقیف و پاکدامن باشد و توانایی تأمین مخارج خانواده را داشته باشد.^۱

پرداخت مهر و نفقه همسر برعهده مرد است؛ در نتیجه، مردی که توان پرداخت نفقه را نداشته باشد، زندگی دشوار و پرچالشی را برای همسرش رقم خواهد زد. برخی از جوانان که در کنار خیابان با یکدیگر رابطه برقرار کرده و به سرعت، عاشق یکدیگر می‌شوند و عشق ظاهری چشم آنان را به روی حقایق می‌بندد، باید در نظر داشته باشند که حقایق زندگی با آنچه آنان در ذهن می‌پروراند، متفاوت است. خرید پوشاک، غذا، ... در حد اعتدال، نیاز اولیه زندگی انسان را تشکیل می‌دهد و نمی‌توان آن را با مسائل احساسی حل و فصل کرد. بنابراین، دختران جوان باید ملاک تمکن مالی را درباره همسر آینده خویش بررسی کرد. البته، ممکن است جوانی در لحظه ازدواج دارایی و ثروت زیادی نداشته باشد، اما بالقوه استعداد و توانایی اداره زندگی به لحاظ اقتصادی در وجود وی باشد. مثلاً، جوانی که اهل تلاش و کار بوده و وقت خویش را به بطالت و بیهودگی نمی‌گذراند، می‌تواند فردی معتمد و مطمئن در این زمینه باشد؛

پ) امانت‌داری: فرد امانتدار همیشه از زن و فرزندان خود به خوبی مراقبت می‌کند و می‌کوشد که در پاسداری از این امانت‌های الهی کوتاهی نکند. علاوه بر این، انسان امانتدار در جامعه از خوشنامی و شهرت مطلوبی برخوردار

۱. الْكُفُو أَنْ يَكُونَ عَقِيفًا وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ (محمدين علی ابن بابويه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۹۴).



می‌شود و همین يك افتخار برای خانواده اوست. امیر مؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت می‌کند:

اگر فردی به خواستگاری دختر شما آمد که از دینداری و امانت‌داری او رضایت دارید، دخترتان را به عقد او درآورید که اگر چنین نکنید فساد بزرگی در جامعه پدید خواهد آمد.^۱

ت) خوش اخلاقی: اخلاق نیک، نه تنها از بهترین مزایای يك همسر شایسته است، بلکه از مزایای واقعی هر انسانی به‌شمار می‌آید و باید در موقع انتخاب همسر به‌طور کامل، مورد توجه قرار گیرد؛ چون اولاً، يك عمر با انسان بد اخلاق معاشر بودن، همانند زندگی در زندان با اعمال شاقه است. و ثانیاً، سوء خلق یکی از دو همسر بر دیگری و تربیت فرزندان کاملاً مؤثر است. این ملاک درباره زن و مرد مشترک است و هر کدام از زوجین باید دارای خلق و خویی زیبا باشند، اما از آنجاکه زن باید تابع مرد باشد، این ملاک درباره مردان اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «آیا دوست دارید شما را به شرورترین مردان راهنمایی کنم؟» همه گفتند: «آری یا رسول خدا.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

شرورترین مردان کسی است که به همسرش تهمت بزند و پیوسته به او بدگمان باشد، بخیل باشد و به دشنام‌دادن عادت کرده و در تنهایی غذا بخورد، همسرش را از اعمال جنسی محروم کند، زن و فرزند خود را تنبیه کند و آنان را بزند، رفتارش طوری باشد که همسرش به دیگران پناه ببرد و پدر و مادرش از او ناراضی باشند.^۲

۱. حسین بن محمد تقی نوری، همان، ج ۱۴، ص ۱۸۸.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲، ص ۴۳.



بهترین شما کسی است که برای اهلش بهترین باشد و من برای اهل
بهتر از همه شما هستم.^۱

۸۷

بنابراین، شوهر خوب و ایدئال مردی است که علاوه بر متدین بودن، خوش‌زبان و خوش اخلاق باشد و به همسرش احترام بگذارد. همسرش را به خاطر لغزش عفو و در کارهای منزل به او کمک کند.^۲

۴-۳. اعتدال در معیارها

قرآن کریم و احادیث اسلامی، معیارهای انتخاب همسر شایسته را برشمرده‌اند که برخی از آنها بیان شد، ولی باید توجه داشت تمام این معیارها مطلق نیست، بلکه نسبی است. به این معنا که آن صفات و ویژگی‌هایی که به عنوان معیار مطرح هستند، همه دارای درجات ضعیف، قوی و قوی‌تر هستند.^۳ برای مثال، اگر قرآن، همسر شایسته را مرد یا زن با تقوا و صالح و ... دانسته است، تقوا و شایستگی نسبی را قصد کرده است نه تقوای مطلق را که تنها در انبیا و معصومان علیهم‌السلام می‌توان یافت. بنابراین، مقصود از ایمان و اخلاق اسلامی که هر یک از دختران و پسران خواهان ازدواج باید داشته باشند، ایمان و اخلاق متعارف و عمومی است و سخت‌گیری در این زمینه اگر مبتنی بر شرایط آرمانی و خواسته‌های آرمانی باشد،

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۵۵۵).

۲. ابراهیم امینی، انتخاب همسر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۱.

۳. ر. ک. سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۹۰.

امری ناپسند بوده و چه بسا ممکن است به ازدواج منجر نشود. باید هر کس شرایط و خواسته‌های خود را به اندازه واقعیت‌های بیرونی تنظیم کند و سعی کند واقعیت‌های اجتماعی را در رفتارهای خود لحاظ کند. خلاصه آن که باید جوانان عزیز از شرایط آرمانی فاصله بگیرند و خود را به واقعیت جامعه نزدیک نمایند. یعنی به این نکته توجه کنند که جامعه ما را مسلمانانی تشکیل می‌دهند که هیچ کدام از آن‌ها معصوم نیستند و امکان انجام خطا در بسیاری از آنان وجود دارد. از این رو، هنگام انتخاب همسر می‌بایست، حدی از مطلوبیت در نظر گرفته شود. دختر یا پسری که تقریباً بالاتر از ۵۰ درصد از مطلوبیت را دارد، می‌تواند همسری خوب و مناسب برای زندگی آینده باشد و میزان کاستی‌ای که باقی می‌ماند، با عشق و علاقه‌ای که میان زوجین وجود دارد به مرور می‌تواند جبران شود. نکته شایان توجه این است که حداقل معیارها، که همان خط قرمزهای شرعی و عرفی دین و جامعه است، باید رعایت شود و زیاده از آن نیز باید در حد اعتدال باشد.

علاوه بر این همانطور که در قبل متذکر شدیم مهم‌ترین ملاک ایمان است و ملاک‌های دیگر در مقابل آن از اهمیت بسیار کمتری برخوردارند و در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«اگر مردی با زنی برای زیبایی و یا ثروتش ازدواج کند، از هر دوی آن‌ها محروم می‌گردد، ولی اگر برای دین (و تقوایش) با او ازدواج کند، خداوند مال و جمال را نیز نصیبش گرداند».^۱

۱ إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا أَوْ جَمَالِهَا لَمْ يُرْزَقْ ذَلِكَ فَإِنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَالَهَا وَ جَمَالَهَا (محمدبن علی ابن بابویه قمی «شیخ صدوق»، من لا یحضره الفقیه، قم،

خلاصه درس



۸۹

برای انتخاب همسر ملاک‌های عمومی و اختصاصی وجود دارد که فرد را برای انتخاب همسر مناسب کمک می‌کند. ملاک‌های عمومی انتخاب همسر برای زن و مرد مشترک است و عبارت‌اند از: کفویت یا همسانی (شرعی، اخلاقی، اعتقادی، عقلی)، اخلاق نیکو، اصالت خانوادگی.

برخی از ملاک‌های اختصاصی گزینش همسر برای مردان عبارت‌اند از: زیبایی، مهربانی، فرزندآوری، تکبر (در برابر نامحرم)، بخل (در حفظ و نگهداری اموال شوهر)، ترس (از به خطر افتادن آبروی شوهر یا عفتش).

برخی از ملاک‌های اختصاصی گزینش همسر برای زنان عبارت‌اند از: تقوا، تمکن مالی، امانت‌داری، خوش اخلاقی.

البته، نکته حائز اهمیت در سنجش ملاک‌ها این است که تمام این معیارها مطلق نبوده، بلکه نسبی است. بنابراین، سخت‌گیری در این زمینه اگر مبتنی بر شرایط و خواسته‌های آرمانی باشد، امری ناپسند بوده و چه بسا ممکن است به ازدواج منجر نشود.



۱. یک مورد از ملاک‌های عمومی گزینش همسر را توضیح دهید.
۲. منظور از تکبر، بخل و ترس در زنان چیست؟
۳. از دیدگاه اسلام، همسر ایدئال بانوان دارای چه شرایط اختصاصی است؟
نام ببرید.
۴. نسبی بودن معیارهای ازدواج به چه معناست؟ توضیح دهید.



درس پنجم

خواستگاری

امید است دانش‌آموختگان در پایان این درس:

- با برخی از مصادیق خواستگاری اسلامی آشنا شوند؛

- شرایط خواستگاری اسلامی را بدانند؛

- از دیدگاه اسلام به مراحل خواستگاری آگاهی داشته باشد.

خواستگاری مرحله‌ای است که ضمن درخواست خانواده پسر از دختر برای ازدواج مقدمه‌ای برای آشنایی بیشتر دختر و پسر و خانواده‌ها به‌شمار می‌رود. در ازدواج‌های سنتی بخش مهمی از شناخت در مراسم خواستگاری اتفاق می‌افتد. در نتیجه، دقت در رفتار و کردار پسر یا دختر و خانواده او تأثیر بسزایی در شناخت اولیه خواهد داشت. امروزه، جلسه خواستگاری نسبت به زمان گذشته اهمیت بیشتری دارد، زیرا در گذشته جمعیت در شهرها و روستاها به‌مراتب، کمتر از زمان فعلی بود و خانواده‌ها یکدیگر را می‌شناختند، اما اکنون خانواده‌ها یا شناختی از هم نداشته یا شناخت اندکی از هم دارند. برخی افراد با خوش بینی یا توکل عامیانه این مرحله را جدی نگرفته و چشم‌پسته ازدواج می‌کنند و پس از مواجهه با مشکل،



به درگاه خدا گله‌مند می‌شوند که چرا چنین شد؟ درحالی‌که، خداوند حکیم عالم را براساس قوانین حکیمانه اداره می‌کند و انسان‌ها را به سوی این قوانین سوق می‌دهد و هرکس از این قوانین تخلف کند، باید خود را ملامت کند. باتوجه‌به اهمیت خواستگاری، در ادامه، لازم است کمی بیشتر درباره‌ی این مرحله‌ی کلیدی و سرنوشت‌ساز بحث کنیم.

۵-۱. خواستگاری از دیدگاه اسلام

خواستگاری از منظر اسلام امری مستحب و پسندیده است؛ به‌طوری‌که، این عمل در زندگی انبیا و اولیای الهی نیز به‌روشنی دیده می‌شود. دین اسلام به جوانی که تصمیم ازدواج دارد، اجازه داده که از دختر دلخواه خویش خواستگاری کند. در متون دینی موارد متعددی از خواستگاری بزرگان دین به ثبت رسیده است که به چند مورد اشاره می‌شود.

۵-۱-۱. خواستگاری حضرت آدم علیه السلام از حوا علیها السلام

برخی از منابع روایی اسلامی به داستان خواستگاری حضرت آدم از حوا پرداخته‌اند. امام صادق علیه السلام درباره‌ی نحوه‌ی خواستگاری حضرت آدم از حوا فرمودند: «خداوند حوا را آفرید و دستور داد که از آدم فاصله بگیرد. آدم آفریده‌ای زیبا و انسانی خوش‌منظر را دید که شباهت به صورت خودش داشت. از او پرسید: تو کیستی؟ وی در پاسخ گفت: آفریده‌ای هستم که خداوند متعال مرا به این هیئت که می‌بینی خلق نموده. آدم به درگاه الهی عرضه داشت: «پروردگارا، این انسان خوش‌منظری که آفریده‌ای و همدم و مونس من قرار داده‌ای کیست؟» حق، تبارک و تعالی، فرمود: «این کنیز من خواست، آیا دوست‌داری با تو بوده و مونست باشد



و با تو سخن گفته و فرمانت را اطاعت کند؟» آدم عرضه داشت: «آری، دوست دارم و به خاطر این نعمت تا پایان عمرم شکر و سپاس تو را به جای می آورم.» خداوند تبارک و تعالی فرمود: «او را از من خواستگاری کن، زیرا کنیز من بوده و جهت تمایلات غریزی و شهوی مناسب است.» آدم عرض کرد: «اگر او را از تو خواستگاری کنم، خشنودی تو به چیست؟» خداوند متعال فرمود: «خشنودی من به این است که معالِم و احکام دینم را به او تعلیم دهی.» آدم عرض کرد: «اگر به این راضی هستی، پس چنان خواهم نمود.» حق تعالی فرمود: «همین را خواستارم و او را به تزویج تو درآورده و همسرت قرار دادم؛ پس، او را در آغوش بگیر.» از این رو، آدم به حوا فرمود: «پیش بیا.» حوا به آدم عرضه داشت که تو باید پیش بیایی. خداوند به آدم دستور داد که تو به نزد او برو. آدم نیز چنین کرد و اگر حق تعالی چنین فرمانی به آدم نمی داد، می بایست زنان به سوی مردان رفته و از آنان خواستگاری می کردند.^۱

۳-۱-۲. خواستگاری امام علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام

امام علی علیه السلام درباره نحوه خواستگاری از حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و آن حضرت تا مرا دید، لبخندی زد و گفت: ای ابو الحسن، آیا چیزی می خواهی؟ من مراتب خویشی، و سبقت در ایمان به اسلام، یاری کردم به او و جهادهایی که داشتم و تلاش هایی که برای پیشرفت اسلام کرده بودم، برای آن حضرت بازگو کردم. پس، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «ای علی،

۱. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، همان، ج ۱، ص ۱۷؛ محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۷۹.



هرچه گفתי راست است و من آنها را تصدیق می‌کنم و شهادت می‌دهم که مقام تو برتر از آن است که گفתי.» گفت: «ای رسول خدا، حال که چنین است، اجازه دهید تا فاطمه علیها السلام را به همسری خود برگزینم.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی، قبل از تو مردان دیگری نیز چنین خواسته‌ای داشتند، ولی هرگاه تقاضای آنها را با فاطمه در میان می‌گذاشتم، در چهره او علامت عدم رضایت را مشاهده می‌کردم؛ حال نیز، تو باید چند لحظه‌ای صبر کنی تا نزد او بروم و خواسته تو را با او در میان گذارم و برگردم.» پس، رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد فاطمه علیها السلام رفت، فاطمه برخاست و عبا و نعلین‌های پدرش را گرفت و برای او آب آورد تا وضو بگیرد و پاهایش را بشوید. سپس، پیامبر صلی الله علیه و آله نشست و به فاطمه گفت: «دخترم، فاطمه گفت: هرچه می‌خواهید بگوئید.» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «علی بن ابی طالب که تو قرابت او را با ما می‌شناسی، و فضل و برتری او را بر دیگران می‌دانی، و چگونگی اسلام و ایمان او را دیده‌ای، و نیز می‌دانی که من از خدای خود خواسته‌ام که تو را برای بهترین و محبوب‌ترین بندگانم تزویج کند، همانا درباره ازدواج با تو گفتگویی با من داشته، نظر خودت درباره این امر چیست؟» فاطمه هنگامی که این سخن را شنید، چیزی نگفت و سکوت کرد، و از خجالت چهره‌اش را برگردانید. رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست؛ درحالی‌که، با خود می‌گفت: «الله اکبر، خدا بزرگ است؛ همانا سکوت فاطمه نشانه رضایت اوست.» دراین حال، جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: «ای محمد، فاطمه را به ازدواج علی درآور که همانا خداوند از این وصلت خشنود است و آن دو نیز شایسته یکدیگرند.» علی علیه السلام می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش را به ازدواج من درآورد و آن‌گاه نزد من آمده، دستم را گرفته و فرمود: با یاد و نام خدا برخیز و این ذکر را بخوان که: «عَلَى بَرَکَةِ اللَّهِ، وَ مَا شَاءَ



اللَّهُ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ؛ بر سفرهٔ برکت خدا می‌نشینم، و راضی می‌شوم بر آنچه او بخواهد، همانا قدرت و قوتی نیست، مگر از جانب خدا؛ پس به او توکل می‌کنم و یاری می‌طلبم.» سپس، مرا کنار فاطمه نشانند و گفت: «خداوندا، اینان محبوب‌ترین مردم در نزد من می‌باشند؛ پس، آنان را دوست بدار، و خیر و برکت به فرزندان آنها عطا کن، و آنان را از هر آسیبی حافظ باش، من آنها و فرزندان‌شان را از شرّ شیطان فریبکار به تو می‌سپارم.»^۱

۳-۱-۳. خواستگاری امام عسکری علیه السلام از نرجس خاتون علیها السلام

نرجس خاتون، دختر پادشاه روم و از نسل شمعون الصفا، یکی از حواریون عیسی علیه السلام بود. وقتی به سن رشد رسید، پدرش می‌خواست او را به عقد پسرعمویش درآورد. مجلس جشن آراسته شد، اما به محض اینکه خواستند مراسم عقد را اجرا کنند، همه چیز به لرزه درآمد و داماد از تخت به زیر افتاد. این ماجرا سه بار تکرار شد، بزرگان و روحانیون مسیحی این امر را شوم دانستند و مجلس را ترک کردند. آن شب نرجس افسرده و اندوهگین به خواب رفت، در خواب دید پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به نزد عیسی بن مریم علیه السلام آمده و می‌فرماید: «من این فرزندزادهٔ شما را برای فرزندم خواستگاری می‌کنم»، حضرت عیسی علیه السلام با خوشحالی این پیشنهاد را پذیرفت. ابتدا، از نرجس خواستند شهادتین را بر زبان جاری کند و چون او چنین کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، که همراه فاطمه زهرا علیها السلام در مجلس بودند، در کنار عیسی علیه السلام و مریم عذرا علیها السلام مراسم عقد نرجس را برای حسن بن علی العسکری علیه السلام، که جوانی نورانی و خوش‌سیما بود، به جای آوردند. از آن پس، گاه‌گاهی حسن بن علی علیه السلام در خواب

۱. محمد بن حسن طوسی، الأملی، همان، ص ۳۹.



به دیدار وی می آمد؛ سرانجام، در خواب به نرجس ابلاغ شد که در جنگی که بین مسلمانان و سپاه روم روی می دهد، او اسیر خواهد شد و او باید منتظر باشد تا فرستاده امام هادی علیه السلام برای خرید او مراجعه کند.

این ماجرا واقع شد و نرجس، که در خواب به دست فاطمه زهرا علیها السلام مسلمان شده و به عقد ازدواج امام عسکری علیه السلام درآمده بود، در عالم ظاهر نیز به منزل امام هادی علیه السلام راه یافت و تحت نظر حکیمه خاتون احکام اسلام را فراگرفت و به عنوان همسر رسمی امام عسکری علیه السلام در میان خواص شناخته شد.^۱

۵-۲. شرایط خواستگاری

خواستگاری از فرد مورد نظر شرایطی دارد که در صورت رعایت آنها می توان زندگی بهتر و زیباتری را آغاز کرد. برای آشنایی با شرایط خواستگاری در ادامه، به برخی از آنها اشاره می شود:

۵-۲-۱. شرایط زمانی

رعایت شرایط زمانی برای جلسه خواستگاری اهمیت ویژه ای دارد. خانواده ها قبل از برگزاری جلسه باید ساعتی را در نظر بگیرند که از آمادگی کافی برخوردارند. بهتر است مراسم در روزهای تعطیل و خوش میمنت قرار داده شود. پیشنهاد امام علی علیه السلام برای خواستگاری روز جمعه است که روز مبارکی بوده و از اعیاد بزرگ اسلامی است. ایشان فرمودند:

۱. نعمت الله بن عبدالله جزائری، النور المبین فی قصص الأنبياء والمرسلین، قم، آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۵۶؛ محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۲۳.



جمعه روز خواستگاری و ازدواج است.^۱

۵-۲-۲. شرایط مکانی

مکان خواستگاری نیز از مواردی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. امروزه، برخی خانواده‌ها به دلایل گوناگون، از جمله نامناسب بودن محله، کوچک بودن خانه و ... مراسم خواستگاری را در مکانی غیر از خانه خود و بدون حضور بزرگ‌ترها برگزار می‌کنند. جوانان گاه به علت اینکه خانواده‌شان در شهر دیگری زندگی می‌کنند، مراسم خواستگاری را در دانشگاه و بدون حضور بزرگ‌ترها انجام می‌دهند.

باید توجه داشت که انجام آداب و رسوم مراسم خواستگاری با حضور خانواده‌ها و در خانه دختر می‌تواند شناخت دقیق‌تری از فرد مقابل و خانواده‌اش حاصل کند. دیدن محیط خانه مثل نحوه چیدمان وسایل خانه، وسایل پذیرایی و ... یا شیوه رفتار در مراسم خواستگاری مثل شیوه پذیرایی، تعارفات و ... یا نحوه پوشش و نیز میزان رعایت حریم محرم و نامحرم و ... یا مشاهده شیوه صحبت با یکدیگر، رفتار کودکان آنها و ... بیانگر فرهنگ خانواده بوده و به فرد کمک می‌کند که فرد مقابل را بهتر بشناسد. همچنین، می‌توان مراسم‌های بعدی خواستگاری را با موافقت خانواده عروس و داماد در خانه پسر برگزار کرد تا شناخت هر دو خانواده، پسر و دختر، از هم عمیق‌تر و بیشتر شود.

۱. یَوْمُ الْجُمُعَةِ یَوْمُ خُطْبَةِ وَ نِكَاح (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۸۴؛ محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، همان، ج ۲، ص ۵۹۸؛ محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۲۴۸).



۵-۲-۳. محرمانه بودن

مخفیانه برگزار کردن جلسه خواستگاری افزون بر اینکه در اسلام بدان توصیه شده، امری عاقلانه و خردمندانه است. امروزه، گاه با خانواده‌هایی روبه‌رو می‌شویم که مراسم خواستگاری را به صورت آشکار برگزار می‌کنند و تمام فامیل را در این مراسم شرکت می‌دهند. افرادی از این دست باید بدانند که برگزاری مراسم بدین صورت کاری ناپسند است، زیرا اگر چنانچه به هر علتی این مراسم به نتیجه نرسد، روحیه خانواده‌ها و همچنین، دختر و پسر آسیب خواهد دید. امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

مراسم ازدواج را آشکار و خواستگاری را پنهان برگزار کنید.^۱

۵-۲-۴. پیشنهاد خواستگاری از جانب مرد

از متون دینی استفاده می‌شود که خواستگاری باید از طرف مرد انجام شود،^۲ ولی این بدان معنا نیست که زن نتواند از مردی خواستگاری کند.^۳ استاد مطهری می‌گوید: اینکه از قدیم‌الایام مردان برای خواستگاری نزد زنان می‌رفتند و از آنها

۱. أَظْهَرُوا النِّكَاحَ وَ أَخْفَوْا الْخِطْبَةَ (حسام الدین متقی هندی، همان، ح ۴۴۵۳۲).

۲. وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ (بقره: ۲۳۵).

۳. از داستان حضرت شعیب علیه السلام و موسی علیه السلام استفاده می‌شود که خواستگاری از سوی خانواده دختر نیز صورت می‌پذیرد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (قصص: ۲۷)؛ (شعیب) گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست. من نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت.



تقاضای همسری می‌کردند، از بزرگ‌ترین عوامل حفظ حیثیت و احترام زن بوده است. طبیعت مرد را مظهر طلب و عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن. طبیعت زن را گُل و مرد را بلبل، زن را شمع و مرد را پروانه قرار داده است. این یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد نیاز و طلب و در غریزه زن ناز و جلوه قرار داده است. خلاف حیثیت و احترام زن است که به دنبال مرد بدود. برای مرد تحمل‌شدنی است که از زنی خواستگاری کند و جواب رد بشنود و آن‌گاه از زن دیگری خواستگاری کند و جواب رد بشنود تا بالاخره زنی رضایت خود را به همسری با او اعلام کند، اما برای زن که می‌خواهد محبوب و معشوق و مورد توجه و علاقه باشد و از قلب مرد سر در آورد تا بر سراسر وجود او حکومت کند، تحمل‌پذیر و موافق غریزه نیست که مردی را به همسری خود دعوت کند و احیاناً، جواب رد بشنود و سراغ مرد دیگری رود.^۱

دین مقدس اسلام نیز، که آیین فطرت است، بر این رویه فطری و طبیعی صحنه نهاده و بر این مبنا و اساس است که در قرآن و سنت در امر ازدواج، مردان مخاطب واقع گشته‌اند و مستقیم، به آنان دستور ازدواج و همسرگزینی داده شده و فرموده است:

با زنان طیب و پاکیزه ازدواج کنید.^۲

این آیه به معنای نهی از خواستگاری زن از مرد نیست؛ از این‌رو، در صدر اسلام تقاضای زن از مرد نیز اتفاق افتاده است. امام باقر(ع) نقل می‌کند: «زنی

۱. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۶، ص ۱۵.

۲. فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ (نساء: ۳).



نزد پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: مرا به عقد کسی در آور.» حضرت رو به حضار نمود و فرمود: «کسی حاضر است با این زن ازدواج کند؟» مردی از میان جمع برخاست و عرض کرد: «من حاضرم»، حضرت فرمود: «چه داری که به او بدهی؟» گفت: «چیزی ندارم.» پیامبر ﷺ فرمود: «نمی‌شود.» زن خواسته خود را تکرار کرد. دیگر بار حضرت فرمایش خویش را تکرار نمود، باز همان مرد برخاست. سرانجام، پیامبر ﷺ به آن مرد فرمود: «از قرآن چیزی می‌دانی؟» گفت: «بلی.» فرمود: «زن را به عقد ازدواج تو در آوردم، در عوض قرآنی که به او آموزش می‌دهی، مهریه او خواهد بود.»^۱ از این جریان برمی‌آید که خواستگاری زن از نظر اسلام ممنوع و مذموم نیست، ولی مواردی از این دست بسیار اندک بوده و قاعده کلی بر این است که مرد به خواستگاری زن برود.

۳-۵. مراحل خواستگاری

۵-۳-۱. استعانت از خداوند

در هر کاری ضمن تلاش فردی، توسل و توجه به خدا و درخواست کمک از او نیز نباید فراموش شود. خواستگاری از این امر مستثنا نیست و افزون بر تحقیق و بررسی، باید از خداوند متعال درخواست کمک کرد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که هرگاه کسی اراده خواستگاری کند، دو رکعت نماز بخواند و پس از حمد الهی، این دعا را بخواند:

خدایا، من می‌خواهم همسر انتخاب کنم. پس، باعفت‌ترین زنان را

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۹۵.



بر من مقدر فرما. همسری که حافظ خود و اموال بوده و روزی و برکتش فراوان باشد. خداوندا، توسط او فرزند شایسته بر من قرار ده که در زمان زندگی و پس از مرگ من جانشین شایسته‌ای برایم باشد.^۱

۱۰۱

۵-۳-۲. توسل به انبیا و اولیای الهی

انسان برای دستیابی به اهداف موردنظر خود از وسایل مختلفی بهره می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال، سوار اتومبیل می‌شود تا زودتر به محل کار برسد یا برای مسافرت از هواپیما یا قطار یا کشتی و ... استفاده می‌کند. همان‌گونه که آدمی در امور مادی به وسیله نیازمند است، در امور معنوی نیز بدان محتاج می‌باشد. ازجمله اموری که توسل به انبیا و اولیای الهی در آن نقش بسزایی دارد، تشکیل خانواده و ازدواج است. توسل به معصومان علیهم‌السلام سبب می‌شود که موفق‌ترین ازدواج‌ها رقم بخورد. داستان آیت‌الله میلانی رحمته‌الله درباره توسل به امام رضا علیه‌السلام و تدبیر یک ازدواج مبارک بسیار خواندنی است. ایشان فرمودند: دو نفر از بازاریان متدین تهران مدتی بود که هفته‌ای یک‌بار از تهران به مشهد می‌آمدند و به حرم حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام تشریف می‌یافتند، آن‌گاه چون از مقلدین من بودند، به منزل ما آمده و پس از دیداری کوتاه به تهران بازمی‌گشتند. روزی از اصرارشان در تشریف به محضر حضرت رضا علیه‌السلام سؤال کردم. یکی از آن دو چنین گفت: «اگر در توان داشتیم،

۱. إِذَا تَزَوَّجَ أَحَدُكُمْ كَيْفَ يَصْنَعُ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ إِذَا هَمَّ بِذَلِكَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَيَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَغْفَهْنَ فَرْجًا وَأَحْفَظَهُنَّ لِي فِي نَفْسِهِنَّ وَفِي مَالِي وَأَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً وَقَدِّرْ لِي وَلَدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۳، ص ۴۸۲).



هر روز به زیارت آن بزرگوار آمده و باز می‌گشتم، زیرا زندگی من مدیون آن امام همام است. آن‌گاه در توضیح چنین ادامه داد: «من پسری به نام محمد داشتم که تک‌فرزند زندگی زناشویی ما بود. آنچه در توان داشتم، برای رشد و تربیت او به کار گرفتم. او نیز بزرگ شد و پس از رفتن به دانشگاه تهران و فارغ‌التحصیل شدن جهت تکمیل درسش در امتحان بورسیه شرکت کرد و پذیرفته شد. او باید به انگلستان می‌رفت. من که از خارج رفتنش سخت نگران دین و زندگی او بودم، به شدت، با رفتنش مخالفت کردم. هر چه او را نصیحت کردم، او منصرف نمی‌شد؛ حتی به او گفتم تمام ثروت و دارایی‌ام را به او می‌بخشم تا مشغول به کار شده و ازدواج نماید، ولی هم‌چنان مصرّ به رفتن بود. پس، چاره‌ای جز اینکه دست به دامان حضرت رضا علیه السلام شوم در خود ندیدم. از این جهت، به قصد گرفتن حاجت خود به مشهد سفر نمودم. اتفاقاً، فردای آن روز قرار بود که حرم حضرت غبارروبی شود. توفیق یارم شد و من نیز در مراسم غبارروبی حرم شرکت نمودم. پس از گردگیری کل حرم، تولیت حرم، به رسم همیشگی، به هریک از حاضران در مراسم غبارروبی چیزی را همانند سکه‌های افتاده در ضریح و سایر اشیا به‌عنوان تبرک داد. من در حین غبارروبی تکه‌کاغذ سفیدی را از داخل ضریح برداشته و آن را به تولیت آستان مقدسه نشان داده و به او چنین گفتم: این تکه‌کاغذ سفید است؛ اگر اجازه دهید، من به‌عنوان تبرک همین تکه کاغذ را بردارم. تولیت آستان مقدسه چون‌که دید نوشته‌ای بر روی کاغذ نیست، آن را به من داد؛ آن‌گاه مقداری از غبار حرم را داخل آن کاغذ ریخته، و آن را تا کردم و با احترام تمام در جیب گذاشتم. شب همان روز، به تهران بازگشتم، چون کارهای حسابرسی‌ام عقب افتاده بود، چراغ مطالعه را روشن کرده و در همان شب به بررسی کارهایم پرداختم. اتفاقاً، وقتی به



تهران رسیدم، برای تبرک جستن به غبارها آن کاغذ سفید را در دفتر حسابرسی ام قرار داده بودم. پس از ساعتی کار در آن شب کاغذ را درآورده تا آن را جهت تبرک به چشمانم بمالم. وقتی آن را نزدیک آوردم، در کمال حیرت متوجه شدم که در برگه سفید با مرکب نامرئی مطالبی نوشته شده؛ پس، حساس شده و بادقت شروع به خواندن مفاد آن نامه نمودم. در همان لحظه اول یافتم که این برگه کاغذ نامه‌ای از یک دختر کرجی است که خطاب به حضرت نوشته است:

من دختر یک رفتگر کرجی هستم. پدرم نه فرزند دارد. دیپلم خود را گرفته و عده‌ای به خواستگاری ام آمده‌اند. در بین آنها کسی که من دلم بخواهد با او ازدواج کنم، نیامده است. من این نامه را برای شما فرستاده‌ام؛ چراکه خود به‌خاطر وضع بد اقتصادی نتوانستم برای زیارت شما به مشهد بیایم، پس آن را به یکی از همسایگان خود که قرار است به زیارت جناب‌عالی بیاید داده تا آن را در ضریح شما بیندازد؛ لطفاً، مشکل مرا حل کنید. آن‌گاه در پایان نامه‌اش امضا کرده بود: معصومه.

من چندبار نامه را خواندم. خیلی منقلب شده بودم. وقتی همسرم در همان نیمه‌شب به اتاقم آمد و به اعتراض گفت: حاجی چرا امشب نمی‌خوابی؟ من جریان آن تکه کاغذ را به او گفتم، آن‌گاه نامه را برایش خواندم. ظاهراً، محمد پسر، که اتاقش جنب اتاق ما بود، در آن وقت شب مشغول مطالعه بود و از گفت‌وگوهای ما چیزی دستگیرش شده بود. او نیز به اتاقمان آمد و جریان را کامل فهمید. از من خواست یک‌بار نامه را برای او بخوانم و من نیز خواندم. او بدون معطلی گفت: پدر، این نامه از سوی حضرت رضا علیه السلام برای ما فرستاده شده است. معلوم می‌شود که این همان کسی است که من باید با او ازدواج کنم. این همسری



است که حضرت رضا علیه السلام برای من پیدا کرده است و من هرگز دست رد بر سینه امام رضا علیه السلام نمی‌زنم. سفرم را به انگلستان لغو می‌کنم و به جست‌وجوی او می‌پردازم. ما با حیرت تمام نمی‌دانستیم چه کنیم، ولی به هر حال، تصمیم گرفتیم به شهرستان کرج رفته تا شاید بتوان از سه نشانه رفتگر بودن پدر، نام معصومه، و نه فرزندی بودن تعداد اعضای خانواده آن مرد، او را بیابیم.

من به خانم و پسر محمد گفتم: یکی از دوستان من در کرج باغی دارد، ظهر را به آنجا رفته و پس از صرف غذا، جست‌وجو جهت یافتن دختر مذکور را آغاز می‌کنیم. با آن دوست تماس گرفتیم، وقتی فهمید که به باغ‌شان می‌آییم، بسیار خوشحال شد. فردای آن روز به دیدارش رفتیم. همسرش نیز آنجا بود. وقتی وارد باغ شدیم، پر از میوه بود. باتعجب از آنان پرسیدم: شما چگونه این همه میوه را می‌چینید و چه کسی در کارهای این باغ شما را کمک می‌کند؟

دوستم بدون توجه گفت: خداوند به یک خانواده رفتگر خیر بدهد که روزهای جمعه هر هفته، خود با نه فرزندش به اینجا می‌آیند و تمام میوه‌های رسیده را جمع‌آوری کرده؛ سپس، به کارهای باغ سر و سامان می‌دهند و می‌روند. با شنیدن این سخن، جرقه‌ای در دل ما روشن شد. همسر از خانم دوستم پرسید: این خانواده فرزند دختر هم دارند؟

او گفت: آری، چند دختر دارند؛ اسم دختر بزرگ آنها معصومه است، که دختر بسیار متین و تحصیل‌کرده‌ای است. ما دیگر صحبتی نکردیم؛ بعد از ظهر، به بهانه‌ای آدرس آن رفتگر را گرفته و مستقیم به خانه آنها رفتیم. در زدیم، خود رفتگر منزل نبود، خانم وی به استقبال‌مان آمد، به او گفتیم: آیا می‌توانیم داخل خانه بیابیم؟ او باتعجب پاسخ داد: به چه مناسبتی؟ گفتیم: می‌خواهیم آب یا



چایی بنوشیم. او مقصود ما را فهمید، پس، تعارف کرد و ما به خانه‌اش وارد شدیم. سر صحبت باز شد؛ پرسیدیم: آیا شما دختر بزرگ دارید؟ گفت: بله. گفتیم: اگر می‌شود ما می‌خواهیم او را ببینیم. دقایقی بعد دختر آمد. همسر ما یک نگاه شیفته‌اش شد. محمد نیز مهر او به دلش نشست و فهمیدم که این دختر همان کسی است که حضرت رضا علیه السلام به عنوان عروس برای مان انتخاب کرده است. پس، اظهار داشتیم: ما خواستار دختر شما برای پسرمان هستیم.

مادر معصومه گفت: اینکه نمی‌شود، شما به ما اجازه بدهید یک هفته تحقیق کنیم، با پدرش هم صحبت کنیم، بعداً، به شما جواب بدهیم.

ما نیز پذیرفته و به آنها نشانی دوست‌مان، صاحب باغ، را دادیم تا اگر می‌خواهند تحقیق کنند و از آنان پرسند. آن‌گاه با خوشحالی خدا حافظی کرده و به تهران بازگشتیم.

بعد از یک هفته، آنها موافقت خود را اعلام و مراسم عقد در کمال متانت و عظمت برگزار شد. روزی که قرار شد برای خرید به بازار بروند، پسر محمد را احضار کرده و چنین گفت: پسر، مبادا در میزان خرید، فکر کنی که برای دختر یک رفتگر خرید می‌نمایی! این را بدان که این دختر عروس انتخابی حضرت رضا علیه السلام است؛ پس، باید به میزان توان خویش برای عروس انتخابی آن حضرت خرید انجام شود و چنین نیز شد.

مدتی بعد قرار عروسی گذارده شد؛ عروسی باشکوهی برپا شد. من همیشه از پسر محمد می‌خواستم که تحت هیچ شرایطی نگذارد که عروس مان از راز این خواستگاری باخبر شود، ولی ساعاتی پس از پایان عروسی، ناگهان فرزندم باناراحتی از اتاق بیرون آمد و چنین گفت:



پدر، آن راز بر ملا شد. نتوانستم در مقابل اصرارهای معصومه دوام بیاورم. او مدتی بود، می پرسید: هرچه فکر می کنم، می بینم من لیاقت کلفت شدن این خانواده را ندارم، چگونه است که عروس این خانواده شده و این گونه با من برخورد می شود که بسیار بالاتر از شأن من است؟ ولی هر بار به او جوابی داده بودم. او امشب به اصرار از من حقیقت را پرسید. من نتوانستم در مقابل خواست او تاب آورده، پس به او گفتم: مگر تو به حضرت علی بن موسی الرضا^{علیه السلام} نامه نوشته بودی؟

او ابتدا متوجه نشد و گفت: بله، من نامه ای برای حضرت نوشته بودم، ولی این چه ربطی به مسئله ازدواج من با شما دارد؟ آن گاه به ناچار تمام حوادث را برایش بیان کردم و اضافه نمودم که من و خانواده ام شما را به چشم عروس انتخابی حضرت رضا^{علیه السلام} و هدیه آن جناب می بینیم. او اینک پس از شنیدن واقعیت ازدواج، سخت منقلب شده است.

مرحوم آیت الله میلانی چنین اضافه فرمودند که آن پسر در ایران ماند و آن تاجر تهرانی به احترام اجابت خواسته اش به بهترین نوع ممکن لا اقل هفته ای یک شب به مشهد می آید، تا شاید بتواند پاسخی برای آنچه حضرت به او داده، در حدّ وسع خویش بدهد.^۱

۵-۳-۳. دقت در سخنان فرد مقابل

یکی از مراحل خواستگاری دقت و تأمل در سخنان فرد مقابل است. جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که نباید در مراسم خواستگاری تحت تأثیر احساسات قرار

۱. محمد وحیدی، احکام خانواده، قم، قدس، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۵۰.



گرفته و احساسی تصمیم بگیرند، بلکه باید با دقتی شدن در سخنان فرد مقابل، شناخت خود را نسبت به وی افزایش دهند؛ چراکه در همین صحبت‌ها، به صورت خواسته یا ناخواسته، بسیاری از مشخصات اخلاقی و رفتاری افراد آشکار می‌شود. امام علی (ع) فرمودند:

انسان هر چه را در دل و درونش پنهان کند، از لغزش‌های زبان و حالت‌های چهره‌اش آشکار می‌شود.^۱

۵-۳-۴. پرسیدن عمیق و راه‌گشا

پرسیدن خوب از مراحل مهم خواستگاری به‌شمار می‌رود. جوانان عزیز می‌بایست تمام مراحل ازدواج، به‌ویژه مراسم خواستگاری، را با برنامه‌ریزی قبلی و کاملاً هدفمند بپیمایند. پرسش‌های خود را قبل از مراسم خواستگاری روی یک کاغذ بنویسند و بکشند که پرسش‌ها کاملاً پخته و دقیق طرح شده باشد، زیرا اگر این مرحله به‌درستی انجام گیرد، کمک فراوانی در رسیدن به شناخت فرد مقابل خواهد کرد. رسول اکرم (ص) فرمودند:

خوب پرسیدن نصف آگاهی است.^۲

۵-۳-۵. بررسی وضعیت ظاهری

یکی از مراحل پراهمیت در خواستگاری بررسی وضعیت ظاهری طرفین است. البته، اهمیت این امر دربارهٔ دختران دوچندان است. همان‌گونه که قبلاً بیان شد،

۱. مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئاً إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَائِتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ (محمد بن حسین سید رضی، همان، حکمت ۲۶، ص ۶۲۹).

۲. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ (محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱، ص ۲۲۴).



زیبایی دختر در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد و دینداری و تقوا مهم‌ترین اولویت‌گزینه‌اش است، اما این مطلب دلیل بر این نیست که خواستگاری با چشم بسته انجام گیرد، بلکه مادر و خواهر پسر می‌توانند درباره وضعیت جسمانی دختر بپرسند و پسر نیز می‌تواند به چهره دختر مورد نظرش نگاه کند. امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمودند:

هروقت یکی از شما بخواهد ازدواج کند، از اوصاف موی سر زن نیز سؤال کند؛ هم‌چنان‌که، از چگونگی رخسار او می‌پرسد، چون‌که موی زن یکی از دو زیبایی (مو و صورت) اوست.^۱

البته، همه این موارد باید در چهارچوب شرعی و موازین عرفی و با آگاهی خانواده‌ها انجام گیرد. از برخی روایات استفاده می‌شود که در صورت تصمیم واقعی برای ازدواج، مرد می‌تواند به چهره دختر نگاه کند. از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند:

آیا مرد می‌تواند به سوی زنی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نگاه کند؟ ایشان فرمودند: نگاه کردن به زنی که قصد ازدواج با او وجود دارد، اشکالی ندارد.^۲

۱. إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ فَلْيَسْأَلْ عَنْ شَعْرِهَا كَمَا يَسْأَلُ عَنْ وَجْهِهَا فَإِنَّ الشَّعْرَ أَحَدُ الْجَمَالَيْنِ (محمدبن

علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۸.

۲. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ الرَّجُلُ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ يَتَأَمَّلُهَا وَيَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرَ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۶۵).



خواستگاری مقدمه‌ای برای آشنایی دختر و پسر و خانواده‌ها به‌شمار می‌رود. در متون دینی موارد متعددی از خواستگاری بزرگان دین به ثبت رسیده است. برای مثال، خواستگاری حضرت آدم علیه السلام از حوا علیها السلام، خواستگاری امام علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام، خواستگاری امام عسکری علیه السلام از نرجس خاتون علیها السلام و ... در کتاب‌های روایی آمده که دلالت بر استحباب خواستگاری از نظر اسلام می‌کند. البته، خواستگاری نیز مانند بسیاری از امور دیگر دارای شرایطی است که برخی از آنها عبارت‌اند از: شرایط زمانی و مکانی، محرمانه بودن، پیشنهاد خواستگاری از سوی مرد.

برای خواستگاری مراحل متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: استعانت از خداوند، توسل به انبیا و اولیای الهی، دقت در سخنان فرد مقابل، سؤال کردن عمیق و راه‌گشا، بررسی وضعیت ظاهری.



۱. نحوه خواستگاری امام علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام را توضیح دهید.
۲. چرا باید مراسم خواستگاری را محرمانه برگزار کرد؟
۳. چرا باید پیشنهاد خواستگاری از سوی مرد باشد؟
۴. دقت در سخنان فرد مقابل چه تأثیری در رسیدن به ازدواج موفق دارد؟



امید است دانش آموختگان در پایان این درس:

- فایده‌های دوران نامزدی را بدانند؛
- با نقش والدین در دوران نامزدی آشنا شوند.

یکی از اموری که در زندگی مشترک نقش اساسی دارد، دوران نامزدی و عقد است. در میان برخی از خانواده‌ها مرسوم است که فاصله بین خواستگاری، یا به عبارتی، بله‌برون و جاری‌شدن خطبه عقد را دوران نامزدی می‌دانند (حتی عقد موقت هم نمی‌خوانند). در این صورت، دختر و پسر به‌طور کامل به یکدیگر نامحرم بوده و به قول معروف، شیرینی خورده هم هستند و تنها اسم‌شان روی هم است. این گونه از نامزدی‌ها در اسلام هیچ جایگاهی نداشته و مورد تأیید نیست، بلکه منظور از دوران نامزدی، فاصله میان عقد (دائم یا موقت) و مراسم عروسی است. اگر در این دوران با ظرافت و ماهرانه برخورد شود، می‌تواند در بالندگی و پرباری و استحکام دوران‌های بعدی تأثیر عمیقی داشته باشد.

سخن عامیانه‌ای بین مردم هست که می‌گویند: «یک روز دوران نامزدی، بهتر از یک سال دوران بعد از عروسی است.» این سخن هرچند مبالغه‌آمیز است، اما حقیقت مهمی را بیان می‌کند زیرا می‌توان در این دوران، شالوده و پایه‌های زندگی آینده را بنا نهاد. در این درس، به طور مستقل و فراگیر، دوران نامزدی را بررسی می‌کنیم.



۶-۱. فواید دوران نامزدی

دوران نامزدی، فرصتی بسیار مناسب برای شناخت و آمادگی زندگی آینده به‌شمار می‌رود. امروزه، با توجه به این که دختر و پسر شناخت کمتری به یکدیگر دارند و بنا به دلایل مختلف، شاید بسیاری از جوان‌ها آمادگی ورود دفعی به زندگی زناشویی را نداشته باشند، ضروری به نظر می‌رسد که مدت‌زمانی را برای مواردی از این دست، در نظر بگیرند. در برخی خانواده‌ها مرسوم است که برای دوران نامزدی از عقد موقت استفاده می‌کنند که این مسئله با توجه به این که یک راه کار شرعی است و در این عقد می‌توان شرط ضمنی گذاشته و حدود روابط را تعیین کرد (به‌عنوان مثال فقط نگاه کردن و صحبت کردن باشد) در این زمان بسیار مناسب است زیرا اگر به هر دلیل در این دوران دختر و پسر به این نتیجه رسیدند که مناسب یکدیگر نیستند، جدا شدن‌شان از هم مشکلات عاطفی و قانونی بسیار کمتری را به دنبال دارد. این دوران از زوایای گوناگون اهمیت دارد که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۶-۱-۱. آشنایی و انس با خانواده‌ها

برای دختر و پسری که چندین سال در یک خانواده زندگی کرده و هنوز به‌طور جدی، زندگی و تعامل با خانواده جدید را تجربه نکرده‌اند، این دوران، بهترین فرصت برای دستیابی به این مهم است. از این‌رو دقت در نحوه تعامل و برخورد با خانواده‌ها نقش کلیدی در روابط آینده خواهد گذاشت. رفتار پخته و سنجیده در این دوران می‌تواند خاطرات خوشی را از این دوران برای جوانان به بار بیاورد و آنان را در مراحل بعدی موفق‌تر کند. توصیه می‌شود در این دوران جوانان به‌سرعت صمیمی نشوند و سعی کنند ابتدا شناخت مناسبی از فرهنگ و آداب و رسوم خانواده مقابل پیدا کرده و نحوه تعامل درست با آنان را کشف نمایند.



۶-۱-۲. انس با زندگی جدید

انسان از زمان تولد تا رسیدن به سن ازدواج در کنار پدر، مادر، خواهر و برادرش زندگی می‌کند. این مدت طولانی، به‌ویژه برای دختران، انس و الفت فراوانی ایجاد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که، جداسدن دفعی آنان از خانواده پیشین و تشکیل خانواده جدید برای‌شان دشوار است. بدین‌جهت دوران نامزدی زمانی مناسب برای انس‌گرفتن با زندگی جدید و ایجاد آمادگی عاطفی برای جداسدن از خانواده پیشین است. این فاصله زمانی سبب می‌شود که پذیرش زندگی جدید برای دختران ایجاد شده و عواطف‌شان آسیب نبیند و آمادگی لازم را برای تشکیل زندگی جدید و جدایی از خانواده پیشین پیدا کنند.

۶-۱-۳. آمادگی برای زندگی مستقل

زندگی در کنار پدر و مادر، پذیرش مسئولیت کمتری نسبت به زندگی در کنار همسر دارد؛ چراکه با ایجاد پیوند زناشویی، انسان پذیرش مسئولیت زندگی جدیدی را عهده‌دار می‌شود. ازاین‌رو، دختران و پسران باید آمادگی لازم را برای پذیرش مسئولیت جدید و شروع زندگی نو پیدا کنند. دوران نامزدی فرصتی مناسب برای پذیرش بار مسئولیت زندگی است. این دوران بهترین زمان برای دختران و پسرانی است که به دلایل گوناگون مانند سربازی، ادامه تحصیل، خرید جهیزیه و لوازم مورد نیاز زندگی، آمادگی لازم را برای شروع زندگی جدید ندارند. آنان در این مدت، می‌توانند به تدریج، موانع را برطرف کرده و آمادگی لازم را برای شروع زندگی مشترک‌شان پیدا کنند.



۶-۱-۴. آشنایی بیشتر

آداب و رسوم و فرهنگ خانوادگی افراد جامعه با یکدیگر متفاوت است. دختر و پسری که پس از پیوند زناشویی، بدون هیچ فاصله زمانی، در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، فرصتی برای آشنایی با فرهنگ خانواده همسرشان ندارند. از این رو، ممکن است در ابتدای زندگی سوء تفاهم‌هایی به وجود آید که گاه با تنش‌ها و تلخی‌هایی همراه باشد. در نتیجه، مدت زمانی لازم است تا زن و شوهر با هم انس و محبت بیشتری پیدا کنند و با فرهنگ خانوادگی و خصلت‌های یکدیگر بیشتر آشنا شوند و آمادگی لازم را برای زندگی مشترک پیدا کنند.

۶-۱-۵. آمادگی والدین

فرزند میوه دل پدر و مادر است و حاصل زندگی آنان است. از این رو، والدین دختر و پسر نیز برای ازدواج عزیزان‌شان به آمادگی نیاز دارند. پدر و مادری که یک عمر با خون دل فرزندان‌شان را مانند یک شاخه گل پرورش داده‌اند، برای‌شان دشوار خواهد بود که به طور دفعی، فرزندشان از آنان جدا شود. در نتیجه، دوران نامزدی فرصت لازم را برای این آمادگی در اختیارشان قرار می‌دهد.

۶-۲. نقش والدین در دوران نامزدی

۶-۲-۱. ایجاد بستر مناسب فرهنگی

فرزندان، در آستانه ازدواج، نیاز بیشتری به راهنمایی و ارشاد والدین دارند. سفارش و نصیحت‌هایی که در حضور جمع نباشد و با استدلال و حکمت و واقعیت‌های زندگی همراه بوده و بازگویی راه خوشبختی و بدبختی و حتی الامکان غیر مستقیم باشد، در هدایت جوانان بسیار سودمند است.



نکته دیگر، آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان است؛ به گونه‌ای که، جوان هنگام نیاز به ازدواج، از بسیاری زشت و زیبا‌های زندگی آگاهی و در برابر تنش‌های زندگی مهارت مقابله با آن را یاد داشته باشد. البته، این آموزش و الگوبرداری در دوران زندگی يك جوان اتفاق می‌افتد نه در آستانه ازدواج.

نکته مهم دیگر در بسترسازی فرهنگی این است که با يك زندگی شاداب و پر نشاط و خدامحور و پرمحبت و آرام، الگویی عملی برای تشویق جوانان خود به ازدواج شویم. بسیاری از جوانان با مشاهده زندگی‌های پر آشوب و ناهنجار خانواده خود، میل و رغبتی به ازدواج ندارند.

عنصر دیگر در این بستر «مشورت» است. براساس فرمایش رسول خدا ﷺ، جوان از ۱۴ سالگی تا حدود ۲۱ سالگی دوره وزارت و مشاورت را سپری می‌کند. در این دوران، خود را برای پذیرش مسئولیت زندگی آماده می‌کند و امر و نهی پدر و مادر را به سادگی نمی‌پذیرد و برای انجام یا ترك کاری استدلال و برهان می‌طلبد و علاقه‌مند است که ایفای مسئولیت مستقلی را برعهده گیرد و قدرت تعقل و تفکر او همراه با نوعی تحیل قوت می‌گیرد. برخی والدین آنان را کودک می‌انگارند و انتظار فرمان‌پذیری کودکانه از آنان دارند؛ در این دوره، باید با زبان مشاوره و هم‌فکری، با آنان سخن گفت. مشورت به معنای بهره‌مندی از نور فکر یکدیگر نه به جای او تصمیم گرفتن و یا نظر خود را تحمیل کردن؛ بنابراین، هرگز فرزندان خود را به ازدواج تحمیلی مجبور نکنیم.

عنصر فرهنگی دیگر، «نظارت» و کنترل فرزندان پیش از ازدواج است، دادن آزادی زیاد، نقش والدین را کمرنگ می‌کند و چه بسا جوان بی‌تجربه را ناکام کند.



۶-۲-۲. بسترسازی برای يك ازدواج ساده با امکاناتی در حدّ توان

نقش والدین در چگونگی برگزاری مراسم عروسی انکارناپذیر است. اینکه مراسمی سنگین و کمرشکن و تشریفاتی باشد یا مراسمی در حدّ توان و به دور از چشم و هم‌چشمی‌ها، پرهیز از انتظارات نابخدا، مثل تهیهٔ جهیزیه‌های سنگین، شیربها و سخت‌گیری‌های مادّی پدران و مادران که نقش مهمّی در خوشبختی واقعی فرزندان ندارد، بستر مناسبی را برای رواج ازدواج جوانان فراهم می‌آورد. خداوند به همگان دستور می‌دهد که شرایط ازدواج جوانان را فراهم کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

بی‌همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر نتگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست.^۱

مفهوم آیه به اندازه‌ای وسیع است که هرگونه اقدام برای ازدواج جوانان را شامل می‌شود. بنابراین، مفهوم آیه این است که از طریق کمک‌های مالی، پیداکردن همسر مناسب، تشویق به مسئلهٔ ازدواج، و بالاخره پا در میانی و ... مقدمات ازدواج جوانان را فراهم کنید.^۲ اهمیت این مسئله تا بدان جاست که امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند: بهترین واسطه‌گری این است که برای ازدواج زن و مرد واسطه شوی تا خداوند زن و شوهر را به هم برساند.^۳

۱. وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور: ۳۲).

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ج ۱۴، ص ۴۵۷.

۳. أَفْضَلُ الشَّفَاعَاتِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي نِكَاحٍ حَتَّى يَجْمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۳۱).

خلاصه درس

یکی از اموری که در زندگی مشترک نقش حساسی دارد، دوران نامزدی و عقد است. این دوران از زوایای مختلف اهمیت دارد، از جمله آشنایی و انس زوجین با خانواده‌ها، انس با زندگی جدید، آمادگی برای زندگی مستقل، آشنایی بیشتر با یکدیگر، و آمادگی والدین.

نقش والدین نیز در دوران عقد بسیار اهمیت دارد، زیرا فرزندان، در آستانه ازدواج، نیاز بیشتری به راهنمایی و ارشاد والدین دارند. افزون بر راهنمایی و ارشاد، انتقال مهارت‌های زندگی به فرزندان است. همچنین، والدین در این دوران می‌توانند نقش یک الگوی مناسب به لحاظ مسائل شرعی، اخلاقی و اعتقادی را ایفا کنند. پدر و مادر در این دوره باید با زبان مشاوره و هم‌فکری، با فرزندان سخن گفته و از مجبور کردن آنان پرهیزند. البته، پدر و مادر در تمام طول این مدت نباید از نظارت و کنترل فرزندان غافل شوند، زیرا فرزندان جوان‌اند و پختگی کافی را ندارند. دادن آزادی کامل، بدون نظارت، گاه ممکن است زندگی آنان را با تهدید جدی مواجه کند. همچنین، والدین می‌توانند ازدواجی ساده با امکاناتی در حدّ توان طرفین و به دور از چشم و هم‌چشمی و تشریفات را بسترسازی کنند.





۱. فواید دوران نامزدی را نام برده و یکی را به دلخواه توضیح دهید.

۲. نقش والدین در دوران نامزدی چگونه است؟



درس هفتم

بایسته‌های نامزدی و ازدواج

امید است دانش‌آموختگان در پایان این درس:

- با برخی از بایسته‌های نامزدی و ازدواج آشنا شوند؛

- به رفتارهای ناپسند در زمینه ازدواج آگاهی پیدا کنند؛

- با سخنان و فتاوی امام خامنه‌ای دامت‌الرحمة در این باره آشنا شوند.

ازدواج کاری بسیار پسندیده است، اما برخی امور، می‌تواند چهره آن را زشت و دستیابی به آن را دشوار کند. بنابراین، برای پیشگیری از دچار شدن به برخی از آسیب‌های این حوزه، رعایت نکاتی ضروری است که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۷-۱. آسان‌گیری

امروزه، در جامعه با جوانانی رویارو می‌شویم که باوجود سن بالا، همسری انتخاب نکرده‌اند که سخت‌گیری‌های بیش از اندازه و افتادن در دام تشریفات و ... را می‌توان یکی از دلایل آن دانست. توصیه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم این است که باید



مراسم خواستگاری و ازدواج را تا حد ممکن ساده و آسان برگزار کرد. ایشان نشانهٔ برکت و مبارک بودن زن را آسان‌گیری ازدواج معرفی کرده و فرمودند:

از نشانه‌های برکت زن آن است که خواستگارش آسان و مهرش سبک باشد.^۱

پدر و مادرها وظیفه دارند دربارهٔ ازدواج جوانان سخت‌گیری نکنند و در صورت فراهم بودن شرایط، زمینه را برای ازدواج هرچه راحت‌تر فرزندان‌شان فراهم کنند. والدین عزیز باید بدانند که خدای متعال ازدواج را امری راحت و ساده قرار داده تا همگان بتوانند به راحتی، با فرد مورد علاقهٔ خود زندگی خوبی را شروع کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

خدا می‌خواهد کار را بر شما سبک کند.^۲

حال که خداوند در چنین امر مهمی، براساس تخفیف و آسانی، قوانینش را تشریع فرموده، چرا باید در میان برخی از مردم شاهد سخت‌گیری‌های بی‌جهت باشیم؟ قرارداد شرط‌های مشقت‌بار، جشن‌هایی با مخارج بالا، اجاره کردن هتل یا تالارهای گران‌قیمت، تهیهٔ چندین نوع میوه، شیرینی، غذا و دور ریختن اضافات آن و ... آسیب‌های فراوانی را برای جوانان به دنبال خواهد داشت. این امور ناپسند یا جوانان را از ازدواج گریزان می‌کند یا آنکه زندگی را بر آنان و خانواده‌ها تلخ می‌گرداند؛ به طوری که، گاه پس از ازدواج تا سالیان دراز متحمل پرداخت قسط و قرض و ... می‌شوند. قرآن کریم از قول حضرت شعیب علیه السلام هنگام گفت‌وگو دربارهٔ ازدواج موسی علیه السلام با دخترش چنین نقل می‌کند:

۱. إِنَّ مِنْ يَمَنِ الْمَرْأَةُ تَبْسِرُ خُطْبَتَهَا وَ تَبْسِرُ صَدَاقَهَا (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶، ص ۳۴۲).

۲. يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ (نساء: ۲۸).



نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم.^۱

از این آیه به دست می‌آید که ایجاد تکلف برای عروس و داماد، از فرهنگ قرآن به دور است و شیرینی آغاز زندگی را با تلخی همراه می‌کند. پس، تا جای ممکن باید جلوی این‌گونه از سختی‌ها را گرفت و ازدواج را برای جوانان ساده و راحت کرد. امام خامنه‌ای داماد فرمودند:

شما نگاه کنید به دختر پیغمبر اکرم علیه السلام، بهترین دخترهای عالم، فاطمه زهرا علیها السلام بود. بهترین زن‌های اولین و آخرین، فاطمه زهرا علیها السلام بود. هرگز دختری و زنی به آن خوبی، به آن شرافت و به آن عظمت نیامده است. همه زن‌های عالم، از اوّل تا آخر، در مقابل او مثل خدمت‌کارهایی هستند، مثل ذراتی هستند در مقابل خورشید جهان افروز. شوهرش هم امیرالمؤمنین علیه السلام، بهترین مردان عالم. اگر چنانچه همه فضائل و مکارشان را جمع کنیم. همه مردان عالم به یک ناخن او هم نمی‌رسند؛ این دو مظهر عظمت، مظهر زیبایی و فضیلت، با همدیگر ازدواج کردند. جهیزیه‌شان همان چند قلم ارزان قیمتی بود که در کتاب‌ها نوشته‌اند و ضبط کرده‌اند: یک تکه حصیر، یک تکه لیف خرما، یک دست رختخواب و یک دستاس، یک کوزه، یک کاسه. همه‌اش را اگر چنانچه به پول امروزی روی همدیگر بگذارند، معلوم نیست که چند هزار تومان مختصری بیشتر بشود. همان مهریه را از امیرمؤمنان علیه السلام گرفتند و پولش را دادند جهیزیه مختصری را فراهم کردند و بردند خانه شوهر. حالا ما نمی‌گوییم دخترهای ما مثل فاطمه زهرا علیها السلام جهیزیه بگیرند. نه دخترهای ما

۱. مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ (قصص: ۲۷).



مثل فاطمه زهرا هستند و نه خود ماها مثل پدر ایشان هستیم و نه پسرهای ما مثل امیرمؤمنان علیه السلام، شوهر فاطمه زهرايند. ما کجا و آنها کجا؟ زمین تا آسمان با هم فرق داریم، اما معلوم می شود راه آن راه است. جهت، آن جهت است. جهیزیه را مختصر بگیرید. به این و آن نگاه نکنید، خرج زیادی نکنید. کار را برای کسانی که ندارند مشکل نکنید.^۱ جهیزیه فاطمه زهرا علیه السلام، به قدری بود که شاید دو نفر آدم با دست می توانستند از این خانه بردارند ببرند آن خانه. ببینید افتخار این هاست. ارزش این هاست. آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی توانستند یک جهیزیه مفصل تشکیل دهند؟ اگر پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره ای می کردند، این مسلمانانی که در اطراف ایشان بودند، بعضی هایشان هم آدم های متمکّنی بودند، پول هم داشتند، از خدا می خواستند که بیايند یک هدیه ای بدهند، کمکی بکنند. نکردند. چرا نکردند؟ این برای این است که من و شما یاد بگیریم، و آلا بنشینیم و تعریف کنیم و خوشمان بیاید و بعد هم یاد بگیریم، چه فایده ای دارد؟ استفاده اش را نمی بریم. نسخه طبیب را که انسان نباید بگذارد روی طاقچه تماشا کند. باید عمل کنیم تا بهره اش را ببریم. رژیم غذایی را باید عمل کنید تا فایده اش را ببرید. این ها رژیم غذایی روح است، رژیم غذایی صحت جامعه است. صحت خانواده است. باید عمل شود. ساده برگزار کنید.^۲

۱. سیدعلی حسینی خامنه ای، خطبه عقد، ۱۳۷۲/۱/۵، دسترسی در farsī.khamenei.ir.

۲. سیدعلی حسینی خامنه ای، خطبه عقد، ۱۳۷۵/۹/۵، دسترسی در farsī.khamenei.ir.



۲-۷. پرهیز از اسراف

زیاده‌روی در هیچ کاری پسندیده نیست و به لحاظ شرعی، حکم به حرمت آن داده شده است. قرآن کریم فردی را که به این گناه بزرگ دامن بزند، برادر شیطان خوانده^۱ و همگان را از آن برحذر داشته است.^۲ یکی از مواردی که انسان به طور جدی، در موقعیت اسراف قرار می‌گیرد، مراسم ازدواج است. با اندک تأملی در آداب و رسوم ازدواج به سهولت درمی‌یابیم که بسیاری از آن‌ها مطابق دستورهای دین نبوده و مصداق اسراف و تبذیر است. امام خامنه‌ای رحمته‌الله در مناسبت‌های گوناگون، به‌ویژه مراسم خواندن عقد، همگان را از این رسومات ناپسند بازداشته‌اند. ایشان در این‌باره فرمودند:

بعضی از مردم با این کاری که می‌شود با آن ثواب برد، گناه می‌برند. با اسراف‌هایی که می‌کنند، با خلاف‌هایی که انجام می‌دهند، با آمیختن این عمل حسن و حسنه به کارهای حرامی که انجام می‌دهند. حرام همه‌اش هم این نیست که محرم و نامحرم و این چیزها باشد. آن‌ها هم البته، حرام است، اما ریخت‌وپاش زیادی هم حرام است. اسراف حرام است. سوزاندن دل مردمی که ندارند در مواردی واقعاً حرام است. زیاده‌روی کردن، حرام و حلال کردن برای اینکه بتواند جهیزیه دخترش را فراهم کند، این‌ها حرام است.^۳ بنده راضی نیستم از کسانی که با خرج‌های سنگین و با اسراف در امر ازدواج، کار را بر دیگران مشکل می‌کنند. البته، با جشن و شادی

۱. إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (اسراء: ۲۷).

۲. كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف: ۳۱).

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۶/۱/۹، دسترسی در: farsi.khamenei.ir



و میهمانی موافقیم، ولی با اسراف مخالفیم.^۱ این هتل‌ها و سالن‌ها و جشن‌های پُرخرج را رها کنید. ممکن است توی یک سالنی هم کسی جشن بگذارد، اما ساده، مانعی ندارد. من نمی‌خواهم بگویم حتماً، چون بعضی خانه‌های‌شان جا ندارد یا امکاناتش را ندارند، ولی اسراف نکنید. شادی و میهمانی و دعوت کردن ازدوستان و نزدیکان و خویشاوندان و رفقا خوب است، اما اسراف بد است. شأن ملت مسلمان ما نیست.^۲ عروسی و عقد و شادی چیز خوبی است. حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم برای دختر مکرمه خودشان مجلس عروسی گرفتند، شادی کردند و مردم شعر خواندند. زن‌ها دست زدند و خوشی کردند، اما نباید در این مجلس عقد و عروسی و این‌ها اسراف انجام بگیرد. یکی از اسراف‌ها همین مجالس عقد و عروسی گران قیمت است. در هتل‌ها، در این سالن‌های گران قیمت مجالس درست می‌کنند. مبالغ زیادی شیرینی و میوه و خوراکی حرام می‌شود، از بین می‌رود، روی زمین ریخته می‌شود و ضایع می‌گردد. برای چه؟ برای چشم و هم‌چشمی؟ برای عقب‌نماندن از قافله اسراف؟^۳ بعضی‌ها لباس عروس گران قیمت می‌خرند. نه، چه لزومی دارد. حالا لباس عروس می‌خواهند، بعضی‌ها لباس عروس را می‌روند کرایه می‌کنند. چه مانعی دارد؟ ننگ دارد؟ نه، چه ننگی؟ چه مانعی دارد؟ بعضی‌ها این را ننگ می‌دانند. ننگ این است که انسان یک پول گزافی بدهد، یک چیزی بخرد که یک بار آن را مصرف کند، بعد بباندازد دور. یک بار مصرف، آن هم با این وضعی که

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۴/۵/۲۴، دسترسی در fars.khamenei.ir.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۳/۱۰/۲۷، دسترسی در fars.khamenei.ir.

۳. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۲/۱/۵، دسترسی در fars.khamenei.ir.



بعضی مردم دارند.^۱ جهیزیه برای دختر مایه عزت نیست. عزت دختر به اخلاق او و رفتار و شخصیت خود اوست. بعضی از خانواده‌های عروس، خودشان را اذیت می‌کنند و به زحمت می‌اندازند و اگر پول هم ندارند به زحمت پول تهیه می‌کنند. اگر پول دارند خرج زیادی می‌کنند، برای اینکه یک جهیزیه مفصل پر زرق و برقی را مثلاً، در اختیار دخترشان بگذارند.^۲

۷-۳. سرعت در ازدواج فرزندان

شتاب در انجام دادن کار خیر، به‌ویژه ازدواج، کاری پسندیده است. البته، شتاب برای انجام پیوند زناشویی، منافی تأنی و تأمل نیست، بلکه منظور این است که انسان تعلل و تأخیر نداشته باشد، ولی درعین حال، این کار را از روی مطالعه و دقت کافی انجام دهد. امام رضا^{علیه السلام} فرمودند:

جبرئیل بر پیامبر^{صلی الله علیه و آله} فرود آمد و گفت: ای محمد، پروردگارت تو را سلام می‌رساند و می‌فرماید: دوشیزگان همچون میوه روی درخت هستند؛ میوه چون برسد برای آن دارویی جز چیدن نباشد، وگرنه بر اثر آفتاب و باد خراب می‌شود. دوشیزگان نیز هرگاه به مرحله زنان برسند، آنان را دارویی جز شوهر دادن نباشد، وگرنه از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود.^۳

بنابراین، والدین مسلمان وظیفه دارند زمینه ازدواج فرزندان خویش را فراهم کنند که این حق فرزندان است و سفارش به شتاب در این امر، یعنی نادیده گرفتن

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۴/۱۰/۴، دسترسی در farsi.khamenei.ir.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸، دسترسی در farsi.khamenei.ir.

۳. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، همان، ج ۲، ص ۵۷۸.



بسیاری از بهانه‌ها، مثل خرید خانه مستقل، سکونت در فلان منطقه شهر و فلان مدل ماشین و

۷-۴. مهریه معقول

مهریه در لغت به معنای صداق بوده^۱ و در اصطلاح، مالی است که مرد در ازای به دست آوردن همسرش می‌پردازد.^۲ در عصر جاهلیت نظر به اینکه برای زنان ارزشی قائل نبودند، غالباً مهر را که حق مسلم زن بود، در اختیار اولیای آن‌ها قرار می‌دادند، و آن را ملك مسلم آن‌ها می‌دانستند. گاهی نیز مهر زن را، ازدواج زن دیگری قرار می‌دادند؛ این گونه که، مثلاً برادری، خواهر خود را به ازدواج دیگری درمی‌آورد که او هم در مقابل، خواهر خود را به ازدواج وی درآورد، و مهر این دو زن همین بود. اسلام بر تمام این رسوم ظالمانه خط بطلان کشید، و «مهریه» را به عنوان حقی مسلم به زن اختصاص داد و در آیات قرآن کریم همواره مردان را به رعایت کامل این حق توصیه فرمود.^۳ خداوند متعال می‌فرماید:

وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا (نساء: ۴).

و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان يك بدهی (یا عطیه)، به آنان بپردازید (ولی) اگر آن‌ها چیزی از آن را با رضایت خاطر به شما ببخشند، حلال و گوارا مصرف کنید.

۱. محمد بن مکرم ابن منظور، همان، ج ۵، ص ۱۸۴.

۲. علی مشکینی، مصطلحات الفقه، قم، موسسه دارالحديث العلمیه و الثقافیه، مرکز للطباعة و النشر، ۱۳۹۲، ص ۵۲۵.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، همان، ج ۳، ص ۲۶۳.



اما در اسلام برای «مهر»، مقدار معینی تعیین نشده است و بسته به توافق طرفین دارد، ولی مستحب است که از مهریه‌های سنگین اجتناب شود.^۱ «نحله» به گفتهٔ راغب اصفهانی، از «نحل» به معنای زنبور عسل است، چون زنبور عسل به مردم عسل می‌بخشد و توقّعی هم ندارد، به هدیه ازدواج هم «نحله» گفته می‌شود.^۲ البته، برخی مفسران «نحله» را به معنای «دین» گرفته‌اند؛ یعنی مهریه، دین و بدهی قطعی مرد است. براساس این آیه کریمه و برخی از روایات مستحب است که زن مهریهٔ خویش را ببخشد یا گاهی می‌تواند از میزان آن کم کند،^۳ اما در صورتی که زن مهریه‌اش را نبخشید، به‌عنوان دینی (قرضی) به عهدهٔ مرد بوده و وی موظف است آن را بپردازد. بهتر است مرد پیش از اینکه زن مهریه‌اش را درخواست کند، آن را بپردازد، اما پس از درخواست زن، مانند دیگر بدهی‌ها، پرداختش فوری می‌شود.^۴

حضرت شعیب علیه السلام، میزان مهریهٔ دختر خود را اندک قرار داد.^۵ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز مهر همسران و دختران خود را پانصد درهم قرار داد که در روایات به‌عنوان حداکثر میزان مهر بیان کرده و به آن توصیه شده است. این مهریه حدود ۱۲۵۰ گرم نقره می‌شود که به آن «مهرالسنة» گفته می‌شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

برترین زنان امت من، خوش‌روترین و کم‌مهرترین آنان است.^۶

۱. همان، ج ۳، ص ۲۶۴.

۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق، ص ۷۵۹.

۳. وَ لَا جُنَاحَ عَلَیْكُمْ فِیْمَا تَرَاصَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِیضَةِ (نساء: ۲۴).

۴. یَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اؤْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده: ۱)؛ وَ اؤْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۴).

۵. «وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ (قصص: ۲۷)؛ من نمی‌خواهم کار سنگینی بر دوش تو بگذارم».

۶. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۸۶.



همچنین، امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

مهر زنان را زیاد قرار ندهید که موجب دشمنی می‌شود.^۱

امام خامنه‌ای رحمته الله فرمودند:

بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا علیها السلام بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بود. ببینید این‌ها چگونه ازدواج کردند؟ هزاران جوان زیبا و با اصل و نسب و قدرتمند و محبوب به یک تار موی علی بن ابیطالب علیه السلام نمی‌ارزند. هزاران دختر زیبا و با اصل و نسب هم به یک تار موی حضرت زهرا علیها السلام نمی‌ارزند. آن‌هایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم بزرگان زمان خودشان بودند. ایشان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. رئیس جامعه اسلامی، حاکم مطلق. او هم که سردار درجه یک اسلام بود. ببینید چطوری ازدواج کردند؟ چه جور مهریه کم، چه جور جهیزیه کم. همه چیز با نام خدا و با یاد او. اینها برای ما الگو هستند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دخترانشان بسیار زیاد بود. مثلاً، هزار شتر. آیا اینها از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر بودند؟ از آنها تقلید نکنید. از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله تقلید کنید، از امیرالمؤمنین علیه السلام تقلید کنید.^۲

خود آن کسی که مشرّع مهر است، که نبی اکرم صلی الله علیه و آله باشد، که از همه کائنات بالاتر است و دختر مطهره و عزیزه او که از همه زنان عالم از اولین و آخرین بالاتر است و شوهر او که امیرالمؤمنین علیه السلام باشد که از جمیع خلایق از اولین و آخرین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر است، برای

۱. لَا تُغَالُوا بِمُهِوْرِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً (محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۲۵۲).

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۵/۲/۱۷، دسترسی در: farsi.khamenei.ir.



این دو نفر که جوان بودند، زیبا بودند، عنوان داشتند، محترم بودند، اول شخص مدینه بودند، دیدید پیغمبر چقدر مهر قرار داد؟^۱

۱۲۹ خیال نکنید آن وقت‌ها مهریه زیاد و سنگین با جهیزیه زیاد سرشان نمی‌شد. چرا آقا، آن وقت‌ها هم بعضی، از این بی‌عقلی‌ها مثل بی‌عقلی‌های زمان ما را داشتند که مثلاً، ۱ میلیون مثقال طلا مهریه دخترشان بکنند. درست مثل همین بی‌عقلی‌هایی که امروزه بعضی‌ها دارند. این کارهای مبالغه‌آمیز این طوری اصلاً کار جُهال است. اسلام آمد همه این‌ها را به هم ریخت. نه اینکه پیامبر ﷺ بلد نبودند بگویند دختر من هزار شتر سرخ موی با فلان شرایط باید مهریه‌اش باشد. چرا می‌شد؛ منتهی اسلام همه را به هم ریخت.^۲

۷-۵. پرهیز از گناه و آلودگی

جشن عروسی یکی از بهترین و خاطره‌انگیزترین مراسم‌ها در تمام دوران زندگی به‌شمار می‌رود. جوانان دوست دارند که در شب عروسی آنان جشن گرفته شود و دیگران نیز در شادی‌شان شریک باشند. دین مبین اسلام به این آرزوی جوانان جواب مثبت داده و جشن عروسی را کاری پسندیده دانسته است؛ همان‌گونه‌که، پیامبر ﷺ در شب ازدواج دخترش با امیرمؤمنان ﷺ به بانوان دستور می‌دهد که به جشن و شادی بپردازند. ایشان در آن شب به دختران عبدالمطلب و زنان مهاجرین و انصار فرمودند که دخترشان را همراهی کنند. همچنین، در آن شب به زنان دستور دادند که شادی کرده و رجز بخوانند. البته، به آنان یادآوری کردند که دقت

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۱/۹/۲۴، دسترسی در farsī.khamenei.ir.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، خطبه عقد، ۱۳۷۲/۱۱/۱۲، دسترسی در farsī.khamenei.ir.



کند آنچه مورد رضای پروردگار نیست، بر زبان جاری نکنند، بلکه تکبیر و تحمید خداوند را بگویند.^۱

همان‌طور که از روایت برمی‌آید، جشن و شادی در شب عروسی کاری پسندیده است، اما جوانان عزیز و خانواده‌های محترم باید به این نکته توجه کنند که مجالس آنان نباید با گناه آلوده شود، زیرا مراسم عروسی و ازدواج امری معنوی است و با گناه و معصیت خداوند سازگاری ندارد. در ادامه، به چند نمونه از کارهایی که در مجالس عروسی پسندیده نیست و آن را با گناه و معصیت آمیخته می‌کند، اشاره می‌شود.

۷-۵-۱. رقص و برهنگی

یکی از آسیب‌هایی که در برخی از جشن‌های عروسی وجود داشته و آن را از مجلسی معنوی به محلی برای فساد و گناه تبدیل می‌کند، رقص و پوشش نامناسب افراد است. شادبودن و شادی کردن در جشن عروسی برای خود یا دیگران، بسیار امر پسندیده‌ای است، اما این مسئله نباید به انجام گناه و ترویج آن در سطح جامعه منجر شود. متأسفانه، برخی افراد با بیان این مطلب که یک شب هزار شب نمی‌شود، بر عملکرد خویش پوشش گذاشته و سعی در موجه نشان دادن رفتار خود دارند، اما جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که شادی کردن به هر قیمتی مطابق با موازین اسلامی نیست. اسلام با نشاط و شادی در جشن عروسی مخالف نبوده، بلکه آن را لازمه مجلس خوب می‌داند، اما آنچه از نظر اسلام

۱. أَمَرَ النَّبِيُّ ٩ بَنَاتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ نِسَاءَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ أَنْ يَمْضِينَ فِي صُحْبَةِ فَاطِمَةَ وَ أَنْ يَفْرَحْنَ وَ يَرْجُزْنَ وَ يُكَبِّرْنَ وَ يَحْمَدْنَ وَ لَا يَقْلْنَ مَا لَا يُرْضِي اللَّهَ (محمد بن علی ابن شهر آشوب، المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق، ج ۳، ص ۳۵۴).



پذیرفتنی نیست، معصیت در مراسم عروسی است. بنابراین، از آنجاکه بار کج به منزل نخواهد رسید، جوانان و خانواده‌های محترم بهتر است که فرامین اسلام را سرلوحه کار خویش قرار دهند و زندگی را از ابتدا با گناه و معصیت شروع نکنند. اسلام به هیچ عنوان رقص و برهنگی را نمی‌پذیرد؛ به‌طوری‌که، رسول خدا ﷺ فرمودند:

شما را از رقص و وسایل لهو منع می‌کنم.^۱

امام خامنه‌ای دامنه‌ای فرمودند:

رقص مرد، بنا بر احتیاط واجب، حرام است و رقص زن برای زنان، اگر عنوان لهو بر آن صدق کند، مثل اینکه جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود، محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است؛ درغیراین‌صورت هم اگر به‌گونه‌ای باشد که باعث تحریک شهوت شده و یا مفسده‌ای بر آن مترتب شود و یا همراه با فعل حرام (مانند موسیقی و آواز حرام) باشد یا مرد نامحرمی حضور داشته باشد، حرام است و در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست و شرکت در مجالس رقص هم اگر به‌عنوان تأیید کار حرام دیگران محسوب شود و یا مستلزم کار حرامی باشد، جایز نیست و درغیراین‌صورت، اشکال ندارد.^۲

۱. أَنَّهُائُمْ عَنِ الزَّوْفِ وَالْجُزْمَارِ وَعَنِ الْكُؤُبَاتِ وَالْكَبَرَاتِ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۴۳۲).

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، س ۱۱۶۷، ص ۲۴۷.



در باره رقص سؤالات متعددی کرده‌اند که در ادامه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. رقص در مجالس زنانه، بدون آهنگ موسیقی، حرام است یا حلال؟ و

در صورتی که حرام باشد، آیا ترک مجلس بر شرکت کنندگان واجب است؟

رقص زن برای زنان، اگر عنوان لهو بر آن صدق کند، مثل اینکه جلسه زنانه تبدیل به مجلس رقص شود، محل اشکال است و احتیاط واجب در ترك آن است؛ درغیراین صورت هم، اگر به گونه‌ای باشد که شهوت را تحریک کند و یا مستلزم کار حرام یا ترتب مفسده‌ای باشد، حرام است و ترك آن مجلس به عنوان اعتراض بر کار حرام، چنانچه مصداق نهی از منکر محسوب شود، واجب است؛

۲. رقص محلی مرد برای مرد و زن برای زن و یا مرد در بین زنان و زن در بین مردان، چه حکمی دارد؟

رقص مرد بنا بر احتیاط واجب، حرام است و رقص زن برای زنان، اگر عنوان لهو بر آن صدق کند، مثل اینکه جلسه زنانه به مجلس رقص تبدیل شود، محل اشکال است و احتیاط واجب در ترك آن است؛ درغیراین صورت، اگر به گونه‌ای باشد که باعث تحریک شهوت شده یا مفسده‌ای بر آن مترتب شود و یا همراه با فعل حرام (مانند موسیقی و آواز حرام) باشد یا مرد نامحرمی حضور داشته باشد، حرام است؛^۱

۳. اگر رفتن به عروسی به خاطر احترام به عادت‌های اجتماعی باشد آیا به علت احتمال وجود رقص اشکال شرعی دارد؟

اصل شرکت در عروسی‌هایی که احتمال رقص در آنها وجود دارد تا زمانی که

۱. همان، س ۱۱۶۸ و ۱۱۶۹، ص ۲۴۷.



به‌عنوان تأیید مرتکب کار حرام محسوب نشود و موجب ابتلا به حرام هم نشود، اشکال ندارد؛^۱

۱۳۳

۴. آیا رقصیدن در جشن عروسی فرزندان جایز است، هرچند توسط پدران یا مادران در مجالس عروسی فرزندانشان باشد؟

اگر از نوع رقص حرام باشد، حرام است، هرچند توسط پدران و مادران در مجالس عروسی فرزندانشان باشد؛

۵. زن شوهرداری در عروسی‌ها بدون اطلاع شوهرش در برابر نامحرمان می‌رقصد و این عمل را چندین بار تکرار کرده و امر به معروف و نهی از منکر شوهرش در او اثر نمی‌کند، تکلیف چیست؟

رقص زن در برابر بیگانگان مطلقاً حرام است و خارج شدن از منزل بدون اجازه شوهر هم فی‌نفسه حرام است و موجب نشوز و محرومیت از استحقاق نفقه نیز می‌شود.

۶. رقص زنان در برابر مردان در مجالس عروسی روستایی، که آلات موسیقی در آن‌ها به‌کار می‌رود، چه حکمی دارد؟ تکلیف ما در برابر آن چیست؟

رقص زنان در برابر بیگانگان و همچنین، هر رقصی که موجب مفسده و برانگیخته‌شدن شهوت گردد، حرام است و به‌کارگیری آلات موسیقی و گوش‌دادن به آن‌ها هم اگر به‌صورت لهوی و مطرب باشد، حرام است و وظیفه مکلفین در این موارد نهی از منکر است.

۷. رقص کودک ممیز در مجالس زنان یا مردان، اعم از اینکه پسر باشد یا دختر، چه حکمی دارد؟

۱. همان، س ۱۱۷، ص ۲۴۸.



کودک غیربالغ چه پسر و چه دختر تکلیفی ندارد، ولی سزاوار نیست افراد بالغ او را تشویق به رقص کنند.^۱

۸. رقص مردان در برابر زنانی که از محارم آنان هستند و همچنین، رقص زنان در برابر مردانی که از محارم آنان هستند، اعم از اینکه سببی باشند یا نسبی، چه حکمی دارد؟

در رقص حرام فرقی بین مرد یا زن نیست و همچنین، فرقی نمی‌کند که در برابر محرم باشد یا در برابر نامحرم.^۲

۹. «دبکه»^۳ چه حکمی دارد؟

اگر عرفاً رقص محسوب شود، حکم رقص را دارد.^۴

۷-۵-۲. شاباش

امروزه، یکی از سنت‌های اشتباهی که در میان برخی از خانواده‌ها مرسوم است، دادن شاباش می‌باشد. شاباش مبلغی است که در ازای رقصیدن عروس، از سوی خانواده داماد به وی داده می‌شود. جوانان متدین به‌خوبی می‌دانند که زشتی شاباش دوچندان است، زیرا از یک‌سو، حرمت رقصیدن را در بردارد و از سوی دیگر، دادن مبلغ برای کار حرام که خود این عمل نیز حرام می‌باشد. برخی از مراجع

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، س ۱۱۷۳-۱۱۷۶، ص ۲۴۸.

۲. همان، س ۱۱۷۸، ص ۲۴۹.

۳. نوعی رقص محلی است که در آن افراد دست‌ها را به هم انداخته و به گونه‌ای هماهنگ پای‌های خود را همراه با پرش و حرکات بدنی به زمین می‌کوبند که صدای شدید و منظمی ایجاد می‌کند.

۴. سیدعلی خامنه‌ای، همان، س ۱۱۸۰، ص ۲۴۹.



تقلید به صراحت، حکم به حرمت شاباش داده‌اند.^۱ بنابراین، جوانان عزیز علاوه بر اینکه خودشان از این کار پرهیز می‌کنند، موظفند که دیگران را نیز از این کار بازدارند. البته، پولی که در عروسی بر سر عروس و داماد و دیگر مردم می‌ریزند، اشکالی نداشته و در اصطلاح، به آن نثار گفته می‌شود.^۲ نثار در عروسی‌ها قدمت دیرینه دارد، چنان‌که رسول خدا ﷺ هنگام ازدواج دخترش با علی ﷺ فرمودند:

خداوند به شجره طوبی فرمان داده تا در و یاقوت خود را به پای ملائک بریزد و او نیز چنان کرده و حوری‌های بهشتی از آن جواهرات بهشتی در طبق‌های مختلف جمع کرده‌اند و برای داشتن آنها تا روز قیامت به یکدیگر مباحثات می‌کنند و به یکدیگر می‌گویند: اینها تحفه ازدواج بهترین زنان است.^۳

هنگامی که رسول خدا ﷺ فاطمه ﷺ را به همسری علی ﷺ درآورد، عده‌ای از قریش نزد پیامبر ﷺ آمدند و گفتند که دخترت را با مهریه اندکی به علی ﷺ دادی. رسول خدا ﷺ فرمود:

۱. ناصر مکارم شیرازی، استفتانات جدید، قم، مدرسة الإمام علی ابن ابیطالب ﷺ، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۵۷، س ۴۶۶.

۲. محمد بن حسن بن یوسف حلّی، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ق، ج ۳، ص ۴؛ محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت، دار التراث، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۷۳؛ مفلح بن حسن (حسین) صمیری، غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳، ص ۶؛ علی بن حسین کرکی، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۱۴ ق، ج ۹، ص ۱۴۱ و ج ۱۲، ص ۲۰؛ زین الدین بن علی عاملی (شهید ثانی)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۹۳؛ سید محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، قم، دار التفسیر، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۲، ص ۲۰۱؛ محمد تقی بهجت، استفتاءات، قم، دفتر آیه الله بهجت، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۳۵.

۳. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۰۹.



من فاطمه را به ازدواج علی درنیاوردم، بلکه خداوند این کار را انجام داد. خداوند به مناسبت این شب دستور داد که بر سر حورالعین درفشانی کنند. آنان درّها را به یکدیگر نشان می‌دادند و می‌گفتند: این‌ها نثار فاطمه، دختر محمد ﷺ، است.^۴

۷-۵-۳. موسیقی‌های مبتذل

برخی از خانواده‌ها برای ایجاد تنوع و شادی در مجلس عروسی‌شان موسیقی‌های غیرشرعی پخش می‌کنند که علاوه بر کاهش معنویت و آلوده شدن مراسم به گناه گاهی باعث آزار همسایه‌ها و حق‌الناس نیز می‌شود. حال آنکه از راه‌های مختلفی می‌توان به جلسه شادی بخشید و آن را به گناه آلوده نکرد. امروزه، برخی از خانواده‌ها از مداحان اهل بیت برای خواندن مولودی استفاده می‌کنند. این کار علاوه بر معرفت‌بخشی و معنویت در جلسه، آن را از حالت یکنواختی خارج می‌کند. برخی خانواده‌ها نیز از افراد هنرمندی که مهارت خاصی در خنداندن مردم دارند، استفاده می‌کنند. این افراد گاهی در بین فامیل نیز یافت می‌شوند و نیازی به صرف هزینه اضافی نیز نیست. بنابراین، می‌توان جلسه‌ای شاد و بدون گناه و معصیت برگزار کرد. همان نکته‌ای که بارها از جانب معصومان علیهم‌السلام بدان تأکید شده است. به‌عنوان نمونه، امیرمؤمنان علیه‌السلام خطاب به نوف فرمودند: ازجمله افرادی که دعای‌شان مستجاب نمی‌شود، اهل موسیقی هستند.^۵

در برخی از مجالس عروسی مشاهده می‌شود که صاحبان مجلس تنها به

۴. محمدبن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۰۱؛ محمد بن حسن طوسی، الأمالی، همان، ص ۲۵۷.

۵. حسن دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۰.



پخش موسیقی اکتفا نکرده و از گروه‌های موسیقی و ارکستر دعوت می‌کنند. طبق فتوای امام خامنه‌ای دامنه‌ای موسیقی‌ای که در این نوع مجالس نواخته می‌شود اگر جلسه را به سمت گناه و بی‌بندوباری و بیهودگی سوق دهد، حرام است. ایشان در این باره فرمودند:

هر نوع خوانندگی و نوازندگی که انسان را از خداوند متعال و معنویات و فضایل اخلاقی دور نموده و به سمت گناه و بی‌بندوباری و بیهودگی سوق دهد، لهوی بوده و حرام می‌باشد و همچنین، شرکت در این مجالس و کسب درآمد از طریق آن.^۱

استفتائاتی از امام خامنه‌ای دامنه‌ای

۱. آیا زدن بر ظرف‌ها و دیگر وسایلی که جزء آلات موسیقی نیستند، در عروسی‌ها توسط زنان جایز است؟ اگر صدا به بیرون از مجلس برسد و مردان آن را بشنوند چه حکمی دارد؟

جواز این عمل بستگی به کیفیت نواختن دارد. اگر به شیوه متداول در عروسی‌های سنتی باشد و لهو محسوب نشود و فسادى هم بر آن مترتب نگردد، اشکال ندارد.

۲. دف زدن توسط زنان در عروسی‌ها چه حکمی دارد؟

استفاده از آلات موسیقی برای نواختن موسیقی لهوی مضل عن سبیل الله جایز نیست.^۲

۱. نعمت الله یوسفیان؛ علی اصغر الهامی‌نیا، احکام خانواده، قم، عقیدتی و سیاسی سپاه، ۱۳۸۵، ص ۲۷.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، ص ۲۴۰، س ۱۱۳۴ و ۱۱۳۵.



۷-۴-۵. اختلاط زن و مرد

در مکتب انسانساز اسلام، پاکدامنی از ارزش‌های والای انسانی به‌شمار می‌رود و درمقابل، بی‌عفتی و بی‌بندوباری جنسی محکوم شده است. اسلام نخست با راهنمایی و هدایت، مسائل جنسی و شهوانی را کنترل و تعدیل می‌کند، مسلمانان را به عفاف و پاکدامنی فرامی‌خواند، سپس، با تدابیر حکمت‌آمیز و اصولی زمینه‌های انحراف را از میان برمی‌دارد. هم به پیروان خویش دستور می‌دهد بی‌عفتی نکنند و هم از آنان می‌خواهد که اسباب لغزش و گناه دیگران را فراهم نکنند. در مجالسی که زنان و مردان نامحرم، به‌طور مختلط، در کنار هم قرار می‌گیرند، عفت آنان دچار آسیب می‌شود؛ مخصوصاً اگر وضعیت حجاب و پوشش زنان مناسب نباشد و نگاه‌های آلوده نیز به مانند تیرهای مسموم شیطانی به سمت آنان پرتاب شود.^۱ گاه برخی از خانواده‌ها فیلم و عکس عروس و داماد را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارند و علاوه بر آن، عروس را با آرایش و لباس نامناسب در میان مردان نامحرم عبور داده و حتی او را با همان وضعیت در میان شهر می‌گردانند که این امر با عفت اسلامی در تضاد است. دین مبین اسلام همگان را به رعایت عفت عمومی فراخوانده و دستور می‌دهد که چشم خویش را از افراد نامحرم فروبندند. در دوران پیامبر ﷺ جوانی از انصار در مدینه، با زنی برخورد کرد، در آن زمان، مقنعه زن‌ها تا پشت گوش‌شان را می‌پوشاند (گوش‌ها، گردن و صورت حجاب نداشت) جوان به آن زن خیره شد و چشم از او برنداشت تا عبور کرد. همین‌طور که با نگاه به پشت سرش آن زن را تعقیب می‌کرد، وارد کوچه تنگی شد. در این هنگام، صورتش به استخوانی که از دیوار بیرون زده بود برخورد و شکافت. وقتی آن زن

۱. النَّظَرُ سَهُمٌ مِّنْ سِهَامِ ابْلِيسَ (محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰۱، ص ۳۸).



رفت، جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است. با خود گفت: به خدا سوگند، نزد رسول خدا ﷺ می‌روم و این ماجرا را با او در میان می‌گذارم. جوان نزد پیامبر ﷺ رفت و جریان را نقل کرد. در این هنگام، توسط جبرئیل آیه نازل شد^۱ و فرمود:

به مؤمنان بگو چشمان خود را فروبندند و دامن خود را حفظ کنند، این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است و خدا به آنچه می‌کنند، آگاه است. به زنان با ایمان بگو چشمان‌شان را (از نامحرم) فروبندند و دامن خود را حفظ کنند.^۲

پس، خواست قرآن رعایت عفت عمومی برای زن و مرد است و این کار ضروری و واجب شمرده شده است. بنا به فتوای امام خمینی^۳، نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، چه با قصد لذت و چه بدون آن، حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها، اگر با قصد لذت باشد، حرام است، بلکه احتیاط واجب آن است که بدون قصد لذت هم نگاه نکنند و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است.^۴

در برخی از مجالس داماد برای خوشامدگویی و تشکر میان زنان حضور پیدا می‌کند که این امر نیز اگر دارای مفسده باشد، از دیدگاه امام خامنه‌ای^۵، حرام است. ایشان در جواب سؤالی مبنی بر اینکه آیا ورود داماد نزد عروس در مجلس زنانه (درحالی‌که بسیاری از زنان و دختران نامحرم‌اند و معمولاً زنان با آرایش

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۵۲۱.

۲. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ (نور: ۳۰-۳۱).

۳. سیدروح‌الله موسوی خمینی، توضیح المسائل، قم، روح، ۱۳۷۵، مسئله ۲۴۴۰.



خود را آراسته‌اند) جایز است یا نه؟ می‌فرمایند: اگر به نامحرم نگاه می‌کند، جایز نیست.^۱

۷-۵-۵. کف‌زدن

جشن عروسی بدون شادی و نشاط، تقریباً بی‌معنا و مفهوم است، زیرا لازمهٔ جشن گرفتن شادی‌کردن در آن است. یکی از راه‌های شادی کردن دست‌زدن، شعرخواندن و ... است، اما نکته‌ای که اهمیت دارد اینکه شادی کردن نباید عاملی برای آلوده شدن مجلس عروسی به گناه باشد. شوخی کردن، با صدای بلند خندیدن و کف و سوت زدن و ... نباید به گونه‌ای باشد که تحریک‌آمیز باشد، به‌ویژه در جشن‌هایی که فاصلهٔ میان مجلس زنان با مردان زیاد نیست و امکان شنیدن صدای زنان توسط مردان وجود دارد، اما اگر شادی کردن و کف‌زدن به گونه‌ای مفسده‌برانگیز نباشد؛ در این صورت، حتی با شنیدن نامحرم نیز اشکالی ندارد. فردی از امام خامنه‌ای (مدظله) می‌پرسد: آیا دست‌زدن برای زنان در مجالس شادی زنانه، مانند ولادت‌ها و عروسی‌ها، جایز است؟ و بر فرض جواز اگر صدای آن به بیرون از مجلس برود، به‌طوری‌که به گوش مردان بیگانه برسد، چه حکمی دارد؟ ایشان در جواب فرمودند: «دست‌زدن به نحو متعارف، اگر مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد. حتی اگر اجنبی صدای آن را بشنود.»^۲

۷-۵-۶. عکس گرفتن و فیلم‌برداری

جوانان دوست دارند یکی از زیباترین و پرخاطره‌ترین شب‌های زندگی آنان به

۱. محمد وحیدی، همان، ص ۲۸.

۲. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، س ۱۱۸، ص ۲۵۰.



صورت فیلم و عکس درآید تا در آینده از مشاهده آن‌ها لذت ببرند و خاطرات شب عروسی‌شان را مرور کنند. جوانان متدین معمولاً، در این کار زیاده‌روی نکرده و موازین شرعی را در عکس و فیلم رعایت می‌کنند. افراد مؤمن می‌کوشند تمام جوانب عفت و حیا را رعایت کنند و با تمام وجود بکوشند که خدای ناکرده، عکس یا فیلم آنان به دست افراد بیگانه و نامحرم نیفتد. اما برخی از جوانان عکس نیمه‌عریان خود را در تالار میان جمعیت قرار داده و اولین شب زندگی خود را به گناه آلوده می‌کنند. کارهایی از این دست تحریک‌کننده جوانانی است که به سن ازدواج رسیده‌اند و چه‌بسا برخی از آن‌ها با دیدن این‌گونه عکس‌ها به گناه افتاده و گمراه شوند. ازسوی دیگر، افرادی گوشی به دست از همین عکس‌ها و فیلم‌ها، فیلم‌برداری می‌کنند که در آینده امکان انتشار و تکثیر آن‌ها وجود داشته و زمینه فساد و تباهی را در جامعه اسلامی فراهم می‌کند. فردی از امام خامنه‌ای داماد می‌پرسد: اگر عروس در شب جشن عروسی روپوش روشن و نازکی بر سرش بیندازد، آیا جایز است مرد اجنبی از او عکس بگیرد؟ ایشان در جواب می‌فرمایند: اگر مستلزم نگاه حرام به زن اجنبی باشد، جایز نیست، وگرنه اشکال ندارد. ^۱همچنین، سؤال شده است که آیا جایز است زن در جشن‌های عروسی بدون اجازه شوهرش عکس بیندازد؟ و بر فرض جواز، آیا مراعات حجاب کامل در آن واجب است؟ ایشان در جواب فرمودند: اصل عکس‌گرفتن منوط به اجازه شوهر نیست، ولی اگر احتمال بدهد که اجنبی عکس او را ببیند و عدم رعایت حجاب کامل منجر به مفسده‌ای شود، مراعات آن واجب است. ^۲

۱. همان، س ۱۱۹۱، ص ۲۵۳.

۲. همان، س ۱۱۸۹، ص ۲۵۲.



۷-۶. رعایت آداب اسلامی

۷-۶-۱. ولیمه دادن

ولیمه از سنت پیامبران الهی بوده و در شب عروسی مستحب است که این کار انجام شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

تنها در پنج مورد باید ولیمه داد: عروسی، ولادت فرزند، ختنه، خریدن خانه و بازگشت از مکه.^۱

همچنین، در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که تنها یک روز یا دو روز ولیمه مستحب است. ایشان فرمودند: ولیمه در روز اول حق و در روز دوم کرامت است و ولیمه در سه روز ریا و سمعه است. و سزاوار است که مؤمنین برای ولیمه دعوت شوند و برای آنها مستحب است که آن را اجابت نمایند و از ولیمه بخورند، اگرچه دعوت شده، به روزه مستحبی، روزه باشد و سزاوار است که هم اغنیا و هم فقرا را دعوت نمایید و دعوت را خاص اغنیا قرار ندهید، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: بدترین ولیمه‌ها ولیمه‌ای است که اغنیا به آن دعوت شده، ولی فقرا دعوت نشوند.^۲ از این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله فهمیده می‌شود که در ولیمه نباید زیاده‌روی کرد. متأسفانه، در برخی از جشن‌های عروسی مشاهده می‌شود که افراد دچار زیاده‌روی می‌شوند و چندین نوع غذا، میوه و شیرینی سفارش داده و گاهی بهای بسیار سنگینی را برای برگزاری جلسه در هتل یا باغ یا تالارهای پذیرایی خاص می‌پردازند. این گونه رفتارها هیچ‌گونه جایگاهی در اسلام ندارد و بیشتر جنبه

۱. محمدبن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۰۲.

۲. سیدروح‌الله موسوی خمینی، تحریرالوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، کتاب النکاح، مسئله ۶.



چشم‌وهم چشمی دارد؛ در صورتی که، ولیمه دادن امری مستحب بوده و خوشنودی الهی را در پی دارد و نباید امر مستحب را با حرام الهی درآمیخت. برخی از مردم جلسه عروسی را با حفظ شئون اسلامی در مسجد برگزار کرده و شام را نیز همان‌جا به میهمانان می‌دهند. به نظر می‌رسد که این کار امری پسندیده است. فردی از امام خامنه‌ای دامنه‌الرحمة می‌پرسد: در بعضی از مناطق، به خصوص روستاها، مجلس عروسی را در مساجد برگزار می‌کنند؛ به این صورت که، مجلس رقص و آواز در خانه برپا می‌شود، ولی ناهار یا شام را در مسجد تناول می‌کنند. آیا این کار شرعاً جایز است یا خیر؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «غذا دادن به دعوت‌شدگان در مسجد فی نفسه اشکال ندارد.»^۱

۷-۶-۲. زمان عروسی

عروسی از امور مبارک بوده و شایسته است که در ایام خجسته انجام پذیرد. خوشبختانه، امروزه بسیاری از جوانان می‌کوشند مراسم‌شان را در شب میلاد یکی از معصومان علیهم‌السلام برگزار کنند، اما عده محدودی نیز وجود دارند که بدون توجه به مناسبت‌ها و موقعیت‌های زمانی ازدواج می‌کنند که این امر از دیدگاه روایات پسندیده نیست. امام علی علیه‌السلام فرمودند: جمعه روز خواستگاری و ازدواج است.^۲ برخی از روایات عروسی در شب، به جز شب چهارشنبه، را خوب و نیکو برشمرده‌اند. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

شب بیداری روا نیست، مگر در سه کار: تهجد و عبادت شب به همراه تلاوت قرآن، برای علم‌آموزی یا برای عروسی که به خانه

۱. سیدعلی حسینی خامنه‌ای، همان، ص ۸۴، س ۳۹۵.

۲. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، همان، ج ۲، ص ۵۹۸.



شوهر فرستاده می‌شود.^۱ عروس را شب به خانه داماد ببرید و ولیمه عروسی را روز بدهید.^۲

امام باقر علیه السلام خطاب به میسر بن عبدالعزیز فرمود:

ای میسر در شب ازدواج کن که خداوند شب را مایه سکون و آرامش قرار داده است.^۳

امام رضا علیه السلام فرمود:

ازدواج در شب از سنت است.^۴

البته، باید توجه داشت که برپایی مراسم ازدواج در برخی از ایام نهی شده است. عروسی در شب چهارشنبه مکروه است.^۵ همچنین، ازدواج نباید در شب قمر در عقرب صورت پذیرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هرکس هنگام قمر در عقرب ازدواج کند، خیری نخواهد دید.^۶

۱. لَا سَهْرَ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَّتَهَجِدُ بِالْقُرْآنِ أَوْ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ أَوْ عُرُوسٍ تُهْدَى إِلَى زَوْجِهَا (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، الخصال، همان، ج ۱، ص ۱۱۲).

۲. رُفُوا عَرَائِسَكُمْ لَيْلًا وَ أَطْعِمُوا صُحْبَى (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۶۶؛ محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۰۱؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۷، ص ۴۱۸).

۳. يَا مُيسِرُ تَزَوَّجْ بِاللَّيْلِ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَهُ سَكَنًا (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۶۶).

۴. مِنَ السَّنَةِ التَّزْوِيجُ بِاللَّيْلِ (همان، ج ۵، ص ۳۶۶؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۷، ص ۴۱۸).

۵. سید محمد کاظم یزدی، العروة الوثقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، کتاب النکاح، مسئله ۸.

۶. مَنْ تَزَوَّجَ وَالْقَمَرُ فِي الْعُقُوبِ لَمْ يَرِ الْحُسْنَى (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۳۹۴؛ محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، علل الشرائع، همان، ج ۲، ص ۵۱۴).



۷-۶-۳. آداب زفاف

۱۴۵

زفاف معمولاً در شب عروسی انجام می‌گیرد و آدابی دارد که اگر انجام گیرد، زندگی بهتری را برای زوجین رقم خواهد زد. اما متأسفانه، امروزه تنها افراد کمی با این آداب آشنایی دارند و ناآگاهی به آداب زفاف گاهی صدمات جبران‌ناپذیری به زوجین خواهد زد. برخی از آداب زفاف به شرح زیر است:

(الف) نظافت: مستحب است وقتی عروس داخل خانه شد، داماد کفش‌های او را از پاهایش بیرون آورده و پس از شستن پاهای او آب‌های جمع‌شده در ظرف را در میان اتاق پاشد.^۱ پیامبر ﷺ در سفارشی به امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

هنگامی که عروس را به خانه خود می‌آوری کفش‌هایش را درآور و پایش را با آب بشوی و آن آب را از در خانه تا آخرین نقطه حیاط خانه بریز، زیرا اگر چنین کنی خداوند عزوجل هزار نوع تنگدستی را از آن خانه ببرد و عزوجل هزار نوع برکت وارد کند و هفتاد رحمت نازل کند که بالین سر عروس بگردند تا اینکه برکتش به همه زوایای خانه تو برسد، و عروس از دیوانگی و مرض جذام و برص ایمن باشد تا آن برکات و رحمت‌ها در خانه هست.^۲

(ب) با وضو بودن: مستحب است که انسان در همه شرایط، به‌ویژه در شب زفاف، با وضو باشد. امام باقر علیه السلام فرمودند:

در شب زفاف، سفارش کن تا عروس خانم قبل از ورود به حجله وضو بگیرد، تو نیز موقع ورود به حجله وضو بگیر.^۳

۱. سیدمحمدکاظم یزدی، همان، ج ۲، کتاب النکاح، مسئله ۲۳.

۲. محمدبن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۵۵۱.

۳. إِذَا دَخَلْتَ فَمَرْهُمْ قَبْلَ أَنْ تَصِلَ إِلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مُتَوَضِّئًا ثُمَّ أَنْتَ لَا تَصِلُ إِلَيْهَا حَتَّى تَتَوَضَّأَ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۳، ص ۴۸۱).



پ) خواندن دو رکعت نماز: شب عروسی و زفاف، همراه با شادی و نشاط است، اما این امر منافی معنویت نیست. برخلاف تصور برخی از مردم در این شب نیز نباید ارتباط مخلوق با خالق قطع شود؛ از این رو، توصیه شده که در این شب و به هنگام ورود به حجله دو رکعت نماز خوانده شود و پس از تمجید و حمد الهی، بر پیامبر و خاندان او درود فرستاده شود. امام باقر علیه السلام فرمودند:

دو رکعت نماز بخوان و خدا را به مجد و کرامت ستایش کن و بر محمد و آل محمد صلوات بفرست.^۱

ت) دعا: مستحب است در حالی که زوجین رو به قبله اند، مرد دستش را روی پیشانی زن قرار دهد و بگوید:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي إِيَّهَا وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا بِي وَأُزْنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ
اجْتِمَاعٍ وَأَنْفُسٍ اِئْتِلَافٍ فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ.^۲

خدایا، الفت و محبت و رضایت این عروس را نصیبم کن و او را مورد رضا و علاقه من قرار بده و سرانجام من و او را با بهترین وجه ممکن و شادمانی کامل فراهم آور، چراکه تو معاشرت حلال را دوست داری و از معاشرت حرام نفرت داری.

یا بگوید:

اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ تَزَوَّجْتُهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ
فَرْجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَدًا فَأَجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شِرْكَ
شَيْطَانٍ.^۳

۱. تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ مَجِدِ اللَّهَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (همان).

۲. همان؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، همان، ج ۷، ص ۴۱۰.

۳. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، همان، ج ۷، ص ۴۰۷.



خداوند، مطابق کتاب تو او را تزویج نمودم و به عنوان امانت تو او را گرفتم، و با کلمات تو اندام او را بر خود حلال نمودم، پس اگر از این زن فرزندی بر من قرار دادی او را فرزندی سالم و مسلمان قرار ده و برای شیطان در او سهم و نصیبی نباشد.

۱۴۷

یا بگوید:

اللَّهُمَّ بِأَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَأَجْعَلْهُ مُبَارَكًا تَقِيًّا مِنْ شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاً وَ لَا نَصِيباً.^۱

پروردگارا به امانتت او را پذیرفتم و با کلمات تو او را بر خود حلال ساختم، پس اگر فرزندی برای من نصیب کرده‌ای او را مبارک و پرهیزکاری از خاندان محمد ﷺ قرار ده و شیطان را در او با من شریک مساز و نصیبی برای آن قرار مده.

ث) پرهیزهای غذایی: عروس از خوردن لبنیات، سرکه، گشنیز و سیب ترش مزه پرهیز کند.^۲ امیرمؤمنان علیه السلام علت منع این چهار چیز را از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند. حضرت فرمودند: «زیرا زن را عقیم و نازا می‌کند و علاوه بر آن استفاده از سرکه ممکن است سبب خون‌ریزی‌های زیاد شود و استفاده از گشنیز اگر بچه‌دار شود، زایمان را بر او دشوار می‌سازد و استفاده از سیب ترش مزه سبب قطع عادت ماهیانه و بیمار شدن آن زن خواهد شد.»^۳

۱. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۵۰۱: محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۰۳.

۲. سید محمد کاظم یزدی، همان، ج ۲، کتاب النکاح، مسئله ۲۴.

۳. محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۵۵۲: محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۰، ص ۲۸۰: محمد بن محمد شعیری، همان، فصل ۶، ص ۱۲۱.



۷-۶-۴. آداب آمیزش

از آنجاکه دین اسلام آئین زندگی است، برای همه جنبه‌های زندگی انسان برنامه‌هایی ارائه داده است، از جمله درباره آمیزش و مسائل زناشویی که رعایت آداب و برنامه‌های آن در بهداشت فردی و اجتماعی، آرامش روحی و جسمی زن و شوهر، بچه‌دار شدن و سالم بودن آنان، ازدیاد محبت و غیره تأثیر دارد. گاه ندانستن یا رعایت نکردن آداب آمیزش، زندگی زناشویی را با چالش‌هایی عمیق مواجه کرده و زوجین را تا پایان عمر با حسرت و پشیمانی مواجه می‌کند. در بسیاری از موارد اختلافات زندگی، به وجود آمدن فرزندان ناقص‌الخلقه، ناراحتی‌های روحی و روانی، ... ناشی از رعایت نکردن این آداب است. پس، کوتاهی در این آداب در مرحله نخست، خانواده و سپس جامعه را درگیر می‌کند. برخی از جوانان به اشتباه تصور می‌کنند معنویت تنها در نماز و روزه و ... خلاصه شده و دیگر مسائل زندگی از جمله مسائل زناشویی و آداب آمیزش جزو موضوعات دنیوی بوده و اسلام بدان نپرداخته است. حال آنکه اسلام ارضای صحیح و متعادل نیاز جنسی را در مسیر تعالی روحی و معنوی می‌داند. از این رو، در منابع اسلامی مفصل به آداب آمیزش پرداخته شده و روایات فراوانی در این باب بیان شده است که برای سهولت و راحتی جوانان عزیز این آداب به صورت جدول تنظیم شده که در ادامه، به آن می‌پردازیم.^۱

۱. این جدول بر اساس توصیه پیامبر ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام تنظیم شده است (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۵۵۱).



زمان	بایدها	نبایدها	توضیحات
ماه		شب عید فطر	تولد فرزند بسیار شرور
		شب عید قربان	تولد فرزند شش یا چهار انگشت
		نیمه شعبان	تولد فرزند شوم و با خال چهره
		اول، وسط و آخر هر ماه	سبب دیوانگی و خوره و گیجی فرزند
		دو روز مانده به آخر ماه	کمک کننده به ظالم
هفته	شب دوشنبه		فرزند حافظ قرآن و رضایت او به آنچه خدا نصیبش کرده
	شب سه‌شنبه		روزی شدن شهادت به فرزند
	شب پنجشنبه		حاکم یا عالم شدن فرزند
	ظهر پنجشنبه		دوری شیطان از فرزند
	شب جمعه		سخنور و گویا و زبان‌آور شدن فرزند
	شب جمعه بعد از عشاء		قرار گرفتن فرزند در زمره رجال الهی
	عصر جمعه		معروف و مشهور و دانشمند شدن فرزند



شبانه روز		بعد از ظهر	چپ چشم شدن فرزند
		میان اذان و اقامه	خونخوار شدن فرزند
		ساعت اول شب	جادوگر و دنیا طلب شدن فرزند
مکان	بایدها	نبایدها	توضیحات
		زیر درخت میوه	جلاد و آدمکش شدن فرزند
		مقابل آفتاب و نور	پیوسته در سختی و فقر بودن فرزند
		بر سر پشت بام	منافق، ریاکار و بدعت گذار شدن فرزند
حالت	بایدها	نبایدها	توضیحات
سفر		شب پیش از سفر	ولخرج شدن فرزند
		سه شب اول سفر	کمک فرزند به ظالم علیه خودت
همه حال		ایستاده	شب اداری فرزند
		بی وضو (پس از بارداری)	فرزند کوردل و بخیل شدن فرزند
		عریان	دور شدن ملائکه از ایشان
		نگاه	نابینا شدن فرزند
		سخن	گنگ و لال شدن فرزند
		قرآن خواندن	عذاب الهی
		استفاده از پارچه مشترک	دشمنی، جدایی و طلاق
		فکر کردن به شخصی دیگر	مخنث، خودفروش و زن مآب شدن فرزند



گاه فردی به‌طور سهوی، ممکن است که این آداب را رعایت نکند که در این صورت، نباید ناامید از رحمت الهی بود و تصور کرد که حتماً، فرزند او معیوب شده یا در آینده برایش مشکل یا سختی‌ای پیش خواهد آمد. رعایت آداب زفاف برای پیشگیری از مشکلاتی است که احتمال به‌وجود آمدن آن در آینده وجود دارد و احتمال وقوع چیزی دلیل بر حتمی بودن آن نیست. مثلاً، فردی که ورزش نمی‌کند احتمال نارسایی قلبی و عروقی یا دیگر بیماری‌ها در او بیشتر وجود دارد، اما این‌گونه نیست که با او ورزش نکردن حتماً به بیماری‌های مختلف دچار شود، اما چون احتمال فراوانی برای بیماری در چنین افرادی وجود دارد، عقل هر انسانی حکم می‌کند که برای جلوگیری از ابتلا به بیماری‌های مختلف روزی چند ساعت ورزش در برنامه روزانه قرار داده شود. از این‌رو، پزشکان همگان را به ورزش روزانه دعوت می‌کنند. حال، درباره آداب آمیزش نیز مطلب به‌همین صورت است. خداوند متعال به‌عنوان خالق و سازنده انسان و دیگر موجودات دستورهایی را یادآور شده که رعایت آن‌ها امکان ابتلا به بسیاری از مشکلات پیش‌رو را از بین خواهد برد. بنابراین، تمام افراد خردمند برای پیشگیری از آسیب رسیدن به جسم و جان‌شان باید این آداب را رعایت کنند و در صورت اشتباه یا نسیان سهوی از خداوند متعال درخواست کنند که ان‌شاءالله برای‌شان مشکلی به‌وجود نیاید.



ازدواج کاری بسیار پسندیده است، اما برخی امور ناپسند می‌تواند چهره آن را زشت و دستیابی به آن را مشکل کند. توصیه پیامبر اسلام ﷺ این است که باید ازدواج را تا حد ممکن ساده و آسان برگزار کرد. ایشان نشانه برکت و مبارک بودن زن را آسان‌گیری در امر ازدواج معرفی کردند.

از دیدگاه اسلام اسراف کاری ناپسند است و باید در برگزاری مراسمات نامزدی و ازدواج از این رفتار ناشایست خودداری کرد. شتاب برای ازدواج، کاری پسندیده است. البته، شتاب برای پیوند زناشویی منافی تأنی و تأمل نیست، بلکه منظور از آن سرعت بخشیدن به ازدواج جوانان است. به بیان دیگر، شتاب در ازدواج بدان معناست که انسان تعلل و تأخیر نداشته باشد، نه اینکه بی‌مطالعه و بدون دقت کافی، کاری را انجام دهد.

مهریه در لغت به معنای صداق بوده و در اصطلاح، مالی است که مرد در ازای به‌دست آوردن همسرش می‌پردازد. اسلام «مهریه» را به عنوان يك حقّ مسلم به زن اختصاص داد و در آیات قرآن کریم همواره مردان را به رعایت کامل این حق توصیه فرمود. از سوی دیگر، در روایات تأکید فراوانی شده که نباید مهر را سنگین قرار داد.

جشن عروسی یکی از بهترین و خاطره‌انگیزترین مراسم‌ها در تمام دوران زندگی به‌شمار می‌رود. جوانان دوست دارند در شب عروسی آنان جشن گرفته شود و دیگران نیز در شادی‌شان شریک باشند. دین مبین اسلام به این آرزوی جوانان جواب مثبت داده و جشن عروسی را کاری مطلوب و پسندیده دانسته

درس هفتم: بایسته‌های نامزدی و ازدواج



است. البته، جوانان عزیز و خانواده‌های محترم باید به این نکته توجه کنند که مجالس آنان نباید با گناه آلوده گردد، زیرا مراسم عروسی و ازدواج امری معنوی است و با گناه و معصیت خداوند سازگاری ندارد. همچنین، پیوند زناشویی آدابی دارد که از سوی زوجین و والدین باید رعایت شود.



۱. فایده آسان‌گیری در امر ازدواج چیست؟
۲. دیدگاه امام خامنه‌ای دامنه‌ای درباره اسراف در مراسم نامزدی یا ازدواج چیست؟
۳. چرا باید مهریه دختران کم باشد؟ دیدگاه امام خامنه‌ای دامنه‌ای در این باره چیست؟
۴. حکم شرعی رقصیدن زنان و مردان در مراسم عروسی چیست؟



درس هشتم

عوامل تحکیم پیوند زناشویی

امید است دانش‌آموختگان در پایان این درس:

- عوامل تحکیم پیوند زناشویی را بدانند؛
- انگیزه لازم برای اجرای این عوامل را در زندگی زناشویی پیدا کنند؛
- این عوامل را در زندگی زناشویی خویش به کار گیرند.

دین مبین اسلام آمد تا همگان را به درستی تربیت کند و به سوی کمال الهی رهنمون سازد. از این رو، تعالیمی را که بشریت در تمام دوران زندگی خویش بدان نیازمند است، در اختیار او قرار داد. از جمله این تعالیم می‌توان به عوامل استحکام خانواده اشاره کرد که نقش به‌سزایی در تربیت انسان‌ها و تعالی جامعه دارد. در این درس به برخی از عواملی که سبب تحکیم پیوند زناشویی می‌گردد، اشاره می‌شود.

۸-۱. تعالیم اسلامی

آموزه‌های اسلامی از جمله عواملی است که تأثیر مستقیمی در استحکام خانواده ایفا می‌کند. بنابراین، افرادی که آگاهی بیشتری به تعالیم دینی دارند و آن را در زندگی خویش به کار می‌بندند، زندگی پایدار و مستحکمی خواهند داشت. یکی



از آموزه‌های اسلامی که از آیات قرآن برمی‌آید، توجه به تدین و دینداری فرد مقابل هنگام تشکیل خانواده است. قرآن کریم به مسلمانان آموزش می‌دهد که هنگام تشکیل خانواده به جای توجه به زیبایی فرد مقابل، قوه ایمان وی را ملاک گزینش خویش قرار دهند و فریفته زیبایی و ثروت و ... فرد مقابل نشوند، زیرا زن یا مردی که تدین پایینی دارد، به راحتی، در برابر وسوسه‌های شیاطین و هوای نفس خواهد لغزید. در نتیجه، آموزه‌های اسلامی روی اصل کلیدی و مهم دین‌داری تأکید می‌ورزد و به همگان دستور می‌دهد که به هنگام تشکیل خانواده روی این موضوع دقت بیشتری به خرج دهند. در قرآن کریم می‌خوانیم:

و با زنان مشرك و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید (اگرچه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید، زیرا) کنیز باایمان، از زن آزاد بت‌پرست بهتر است، هرچند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید (اگرچه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان درآورید، زیرا) يك غلام باایمان، از يك مرد آزاد بت‌پرست بهتر است، هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند و خدا دعوت به بهشت و آموزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد، شاید متذکر شوند.^۱

آیه بالا بیانگر این نکته است که گرچه برخی از افراد دارای زیبایی ظاهری یا دارایی فراوان و ... هستند و این دارایی یا زیبایی آنان ممکن است در مرحله اول

۱. وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا أَمَةً مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَا أَعَجَبِيكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَا أَعَجَبِيكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره: ۲۲۱).



برخی از جوانان را به شدت شیفته و علاقه‌مند کند، اما چون این‌گونه از پیوندها درنهایت، به انحراف و گمراهی فرد باایمان منجر شده و استحکام خانواده را به چالش می‌کشد، نباید بدان تن داد. بنابراین، یکی از بنیانی‌ترین و ریشه‌دارترین مبانی تحکیم پیوند زناشویی این است که بینش زن و مرد به خانواده، بینشی توحیدی باشد. پیشینه ازدواج، خواستگاری، ملاک‌های همسرگزینی، مهر، جهاز و... همه و همه در زندگی باید براساس آموزه‌های الهی و اسلامی باشد. یکی از افرادی که می‌توان او را الگوی جوانان امروزی معرفی کرد و موفقیت او را در اجرای تعالیم اسلامی به جوانان گوشزد نمود، دخت نبی مکرم اسلام است. زندگانی حضرت زهرا[ؑ] سرشار از رعایت تعالیم اسلامی است و کانون خانواده او در پرتو رعایت تعالیم اسلامی، از بالاترین استحکام برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که، سراسر زندگانی حضرت فاطمه[ؑ] توحیدی است و نور الهی سراسر عناصر و شاخصه‌های زندگی خانوادگی حضرت را دربرگرفته و این پیام را به همه همسران می‌رساند که استوارترین عامل در استحکام زندگی خانوادگی را می‌بایست در عرصه بینش توحیدی جستجو کرد.

فاطمه[ؑ] جز خدا را نمی‌دید و در همه لحظات حیات پاکش، جز خدا و رضایت وی را طلب نمی‌کرد. شئونات زندگی او نیز در سایه‌سار خدادوستی و خداپرستی بالنده می‌شد. درباره احوال توحیدی و عرفانی‌شان فرمودند:

لذتی که از خدمت حضرت حق می‌برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است و حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم.^۱

۱. شَغَلَنِي عَنْ مَسْئَلَتِهِ لَذَّةُ خِدْمَتِهِ لَا حَاجَةَ لِي غَيْرُ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِهِ الْكَرِيمِ (محمد دشتی، نهج‌الحیاء، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین[ؑ]، ۱۳۷۵، ص ۹۹).



این چنین محبت خداوند، نهانی ترین لایه های دل لاهوتی فاطمه علیها السلام را سرشار کرده بود و حب همسر و فرزند در پرتو محبت خدا برای وی تفسیر می شد؛ چنان که اصل انتخاب علی علیه السلام به همسری نیز، جز داعیه اخلاص نبود. از این رو، هنگامی که به واسطه انتخاب علی علیه السلام، در معرض طعن زنان قریش قرار گرفت، عرض حالی به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم برد و آن گاه سر به آسمان بلند کرد؛ لبخند زد و فرمود: راضی شدم به آنچه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آن راضی اند.^۱

و روزی که علی علیه السلام از وی پرسید که چرا از رنج گرسنگی و بی طعام ماندن خانه، وی را باخبر نکرده است؛ آن بانو در پاسخ فرمود که علی جان من از تو شرم می کنم، بلکه فرمود:

ای اباالحسن، من از خدای خود شرم می کنم که به تو تکلیفی کنم که تو قادر بر انجام آن نیستی.^۲

۸-۲. اخلاق

بخش مهمی از خوشبختی دختران و پسران در گرو ازدواج با فرد خوش اخلاق است. ازدواج با فرد بد اخلاق زندگی را تلخ و گاهی ادامه زندگی را ناممکن می کند.^۳ از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان معصوم علیهم السلام به یاران خود اجازه ازدواج با افراد بد اخلاق را نمی دادند. امام باقر علیه السلام فرمودند:

۱. رَضِيتُ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ (محمد باقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۱۵۰).

۲. يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ إِلَهِي أَنْ أَكْلَفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ (همان، ج ۴۳، ص ۵۹).

۳. قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: سُوءُ الْخُلُقِ نَكْدُ الْعَيْشِ وَ عَذَابُ النَّفْسِ؛ بد اخلاقی زندگی را تلخ و سبب عذاب روح می شود (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ح ۵۷۰۲، ص ۲۶۴).



با کسی که از اخلاق و دینش رضایت دارید ازدواج کنید و خودداری شما از وصلت با او باعث فساد و فتنه بزرگ در جامعه خواهد شد.^۱

۱۵۹

یکی از مسلمانان به نام حسین بن بشّار باسطی، در نامه‌ای به امام رضا علیه السلام درباره خواستگاری دخترش، از ایشان کسب تکلیف کرد. وی در نامه‌اش نوشته بود: فردی از خویشاوندانم به خواستگاری دخترم آمده که اخلاق خوبی ندارد. اکنون چه کنم؟ دخترم را به او بدهم یا نه؟ شما چه می‌فرمایید؟ امام علیه السلام در جواب نامه‌اش نوشتند: «اگر بد اخلاق است دخترت را به او نده.»^۲

بنابراین، خوش‌خلقی یک رکن اساسی در ازدواج و پیوند زناشویی به‌شمار می‌رود و همان‌گونه که باید در مبانی اعتقادی و دینی فرد مقابل دقت کنیم، از اخلاق او نیز نباید غافل شویم. زید بن حارثه، پسرخوانده و دست‌پرورده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، با زینب، دخترعمه پیامبر صلی الله علیه و آله، ازدواج کرد. این زن و شوهر از نظر تدین و ایمان در مقام بالایی قرار داشتند، اما از لحاظ اخلاقی با هم تفاهم نداشتند و به اصطلاح، اخلاق‌شان با هم جور در نمی‌آمد و اختلاف و نزاع شدیدی بر زندگی‌شان حاکم بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها آنان را سفارش به تفاهم و سازش فرمود، اما این زوج جوان توان تحمل یکدیگر را نداشتند و درنهایت، کار آنان به طلاق انجامید.

۱. عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الِهَمْدَانِيِّ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي التَّرْوِيجِ فَأَتَانِي كِتَابُهُ بِخَطِّهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۴۷).

۲. كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع أَنَّ لِي قَرَابَةً قَدْ خَطَبَ إِلَيَّ ابْنَتِي وَ فِي خُلُقِهِ سُوءٌ فَقَالَ لَا تُرَوِّجْهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ (محمد بن علی ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، همان، ج ۳، ص ۴۰۹).



در اینکه هر دوی این زن و شوهر انسان‌های شایسته‌ای بودند تردیدی نیست. در شایستگی زید همین بس که رسول خدا ﷺ او را به‌عنوان فرزند خود برگزیده بودند و به او محبت فراوانی می‌کردند. گاهی او را با لفظ «زیدالحبيب» صدا می‌زدند و در شایستگی زینب نیز همین بس که پیامبر ﷺ او را به همسری خویش برگزید. گوشه‌ای از این داستان در قرآن کریم آمده است.^۱

۸-۳. پدر و مادر همسران

احساس نیاز به پدر و مادر در تمام دوران زندگی وجود دارد. انسان از زمانی که دیده به جهان هستی می‌گشاید و به مانند نهالی نوپا نیاز به مراقبت‌های ویژه پدر و مادری دلسوز دارد، تا زمانی که به سنین نوجوانی و جوانی رسیده و به درختی سرسبز و تنومند تبدیل می‌شود، و همچنین، دوران انتخاب همسر و تشکیل خانواده و نیز دوران به ثمر رسیدن میوه‌های زندگی، نیازمند دستان پرعطوفت و محبت پدر و مادری مهربان و از خودگذشته است. پدر و مادری که مانند مشعلی فروزان، مسیر راه‌های پر پیچ و خم زندگی را برای فرزندان نمایانده و آنها را از افتادن در مسیرهای اشتباه آگاه می‌کنند. بنابراین، نقش پدر و مادر در تحکیم

۱. وَ إِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَخْفَى فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَ تَخْشَى النَّاسَ وَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا (احزاب: ۳۷)؛ و آن گاه به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی، می‌گفتی: همسرت را پیش خود نگاهدار و از خدا پروا بدار و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود، در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی. پس، چون زید از آن [زن] کام برگرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو درآوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنانِ پسرخواندگانِشان، چون آنان را طلاق گفتند، گناهی نباشد و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد.



روابط زوجین انکارناپذیر است. آنان گاهی خود را در تنگناهای اقتصادی قرار می‌دهند و از آرامش و آسایش خویش صرف‌نظر می‌کنند تا بتوانند غبار غم از صفحه دل فرزندان‌شان برگرفته و به مثابه عمودی آهنین، خیمه زندگی آنان را استوار و پایدار نگه‌دارند. آنان، در حد امکان، برای خرید مسکن و پرداخت بدهکاری‌ها، خرید لوازم مورد نیاز و ... به فرزندان‌شان کمک می‌کنند و گاهی نقش یک قاضی پخته و باتجربه را ایفا کرده و بدون سوگیری خاصی، حکمی را صادر می‌کنند که به نفع طرفین و پایداری زندگی آنان است، اما روی دیگر سکه این است که متأسفانه، برخی از خانواده‌ها، داماد یا عروس را به عنوان عضوی از خانواده خویش نمی‌پذیرند و پیوسته در صدد ایرادگیری و مقابله با او بر می‌آیند؛ غافل از اینکه، این امر زندگی فرزند خود آنان را با چالش مواجه می‌کند و استحکام خانوادگی آنها را متزلزل خواهد کرد. گاهی والدین به جای تحکیم پایه‌های زندگی فرزندان‌شان، به اختلافات و ناسازگاری‌های آنان دامن می‌زنند و باعث کشمکش و نزاع و حتی جدایی آنان می‌شوند. خانواده عروس برای جذب و سلطه بر داماد، مستقیم و غیرمستقیم، در کار آنها دخالت می‌کنند. دخترشان را به ایراد و بهانه‌جویی و توقعات بی جا تشویق می‌نمایند. عیوب کوچک داماد را بزرگ و تحمل‌ناپذیر جلوه داده و به او احترام نمی‌گذارند. در موارد اختلاف و نزاع بدون تحقیق از دخترشان جانب‌داری کرده و داماد را مورد تحقیر، توهین، تهدید و خشونت قرار می‌دهند. دخترشان را به قهر و دعوا و ترک منزل و ادامه لجبازی و احياناً، تقاضای طلاق تشویق می‌کنند و برای سرکوب کردن داماد تا سرحد مراجعه به دادگاه و تقاضای طلاق لجبازی را ادامه می‌دهند. از طرف دیگر، خانواده داماد برای سلطه بر عروس و حفظ وابستگی و عدم استقلال پسرشان، مستقیم و غیرمستقیم، در زندگی آنها دخالت می‌کنند. می‌کوشند به هر طریق ممکن عروس را از چشم داماد بیندازند،



از او عیب‌جویی و انتقاد می‌کنند، عیوب کوچک او را بزرگ جلوه می‌دهند و حتی گاهی به تهمت و افترا متوسل می‌شوند. با حيله و نیرنگ پسر را به اذیت و آزار همسرش ترغیب می‌نمایند. به عروس‌شان بی‌اعتنایی و توهین می‌کنند، در حضور او از زنان دیگر و دختران خودشان تعریف و تمجید می‌کنند و خوبی‌های آنها را به رخ او می‌کشند. در موارد نزاع، بدون تحقیق و رعایت حق، از پسرشان جانب‌داری می‌کنند، و او را به ادامهٔ نزاع و لج‌بازی و اذیت و آزار تشویق می‌نمایند و احیاناً، او را به طلاق و ترک همسر وادار می‌کنند.

خانواده‌هایی از این دست باید توجه داشته باشند که با این‌گونه از رفتارها نه تنها دربارهٔ فرزندشان دلسوزی نکرده‌اند، بلکه مرتکب گناه بزرگی شده‌اند، زیرا ازسویی نوه‌های خویش را از نعمت پدر یا مادر محروم می‌کنند و اگر هم دارای نوه نباشند، باز هم خود طلاق نزد خداوند کاری ناپسند شمرده شده و تنها در موارد ضرورت رضای الهی را در پی دارد. رسول اکرم ﷺ در این باره فرمودند:

نزد خداوند چیزی محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که به وسیلهٔ ازدواج آباد شود و هیچ چیز نزد خداوند منفورتر از خانه‌ای نیست که با جدایی ویران شود.^۱

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

ازدواج کنید و طلاق ندهید که از طلاق عرش به لرزه درمی‌آید.^۲

۱. مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ بُعِمَ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْإِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقَ (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۲۸).

۲. تَزَوَّجُوا وَلَا تُطَلِّقُوا فَإِنَّ الطَّلَاقَ يَهْتَزُّ مِنْهُ الْعَرْشُ (حسن بن فضل بن حسن طبرسی، همان، ص ۱۹۷).



به همین دلیل، وجود خانواده فهمیده و خیرخواه برای عروس و داماد، نعمتی بزرگ محسوب می‌شود که هنگام خواستگاری نیز باید به آن توجه شود. پس، پدر و مادری که علاقه‌مند به ادامه زندگی فرزندان‌شان هستند، باید داماد یا عروس را مانند فرزند حقیقی خویش در نظر بگیرند و با جان و دل به او کمک کنند. مسائل و مشکلات او را کامل بشنوند و با تصور خویش در جایگاه او، به حل مشکلات و مسائل او بپردازند. والدین عزیز می‌بایست با صبر و متانت از خطاها و ناپختگی‌های عروس یا داماد خود عبور کنند و تجربه‌های باارزش زندگی‌شان را در اختیار آنها قرار دهند. دستان نوازش خویش را بر سر زندگی‌شان بکشند تا کانون زندگی آنان گرم‌تر از گذشته شده و علاقه طرفین به یکدیگر بیشتر شود. بسیاری از مسائل در ارتباط با شیوه همسررداری وجود دارد که عروس و دامادها از آن بی‌اطلاعند. این امر، در برخی موارد، ممکن است روابط خانواده را تیره و تار کند و اساس آن را در معرض خطر قرار دهد، به‌ویژه دوران آغاز زندگی که زن و شوهر در صدد شناخت یکدیگر و غالباً خواهان نوعی سلطه‌جویی هستند که گاهی به لج‌بازی و کشمکش می‌انجامد و بنیاد خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد. به همین دلیل، آنها به یک مشاور عاقل و باتجربه و خیراندیش نیاز دارند. بهترین افرادی که می‌توانند این نقش مهم را ایفا کنند خانواده عروس و داماد هستند. اگر آنها عاقل و باتدبیر باشند، می‌توانند بزرگ‌ترین خدمت را به این خانواده جدید انجام دهند و در حل مشکلات به یاری‌شان بشتابند. خانواده پسر باید توجه داشته باشند که عروس با صدها امید و آرزو به خانه پسرشان آمده تا در کنار او زندگی مستقل و آرامی داشته باشد و به این نکته باور داشته باشند که خوشبختی فرزند آنان نیز به همین امر بستگی دارد. خانواده دختر نیز اگر خواهان خیر و سعادت دخترشان هستند، باید به او سفارش کنند که با تمام مشکلات شوهرش کنار



آمده و به او احترام بگذارد. خانواده‌ها نباید در زندگی فرزندان دخالت کنند و بگذارند که آنان با رفتار، اخلاق و خواسته‌های یکدیگر آشنا شوند، و در تنظیم برنامه زندگی و حل مشکلات تفاهم کنند. به داماد یا عروس‌شان احترام بگذارند و شخصیت آنان را گرامی دارند و هیچ‌گاه و در هیچ‌حالی به آنها توهین نکنند. عیب‌جویی و خرده‌گیری نکنند و عیوب کوچک آنان را بزرگ و تحمل‌ناپذیر جلوه ندهند. هیچ‌گاه فرزندشان را به توقعات بی‌جا و بلندپروازی و ایراد و بهانه‌جویی تشویق نکنند. اگر در بین آنها نزاع و کدورتی به‌وجود آمد، به قصد اصلاح به منزل‌شان بروند یا آنها را به منزل دعوت کنند و با خونسردی و اخلاق خوش در موضوع نزاع تحقیق کنند، ولی خود را درگیر نزاع نکنند، بلکه همانند یک قاضی عاقل و باتدبیر و دلسوز در حل اختلاف‌شان بکوشند. اگر تقصیر با یکی از آنها بود با نرمی و مدارا او را پند و اندرز دهند؛ از طرف دیگر، دلجویی کنند و او را به صبر و گذشت دعوت نمایند. از تنیدی و خشونت و لج‌بازی و تهدید و توهین و تویخ جداً خودداری کنند و به هر صورت ممکن، در بین‌شان صلح و آشتی برقرار نمایند و روانه منزل‌شان گردانند. در حضور فرزندشان از همسرش تعریف کنند و درباره‌اش سفارش نمایند. همچنین، در مواقع لازم مدافع او باشند. در حضور دیگران از عروس یا دامادشان تعریف کنند. اگر خانواده‌ها چنین رفتار عاقلانه‌ای داشته باشند، بنیاد خانواده فرزندشان را روز به روز مستحکم‌تر و استوارتر از گذشته می‌کند.

۴-۸. نظم‌پذیری

اسلام در همه زمینه‌های فردی و اجتماعی، خواستار نظم و انضباط است و همگان را از هرج و مرج و بی‌نظمی باز می‌دارد. از جمله مواردی که اهمیت



نظم‌پذیری دوچندان می‌شود، انضباط در زندگی زناشویی است که تأثیر شگرفی در استحکام کانون خانواده ایفا می‌کند. مرد منظم برای تمام کارهای خویش برنامه‌ریزی می‌کند و براساس دستورالعمل از پیش تعریف‌شده به تمام آنها رسیدگی می‌کند. سروقت در محل کار حاضر می‌شود و به‌موقع، در منزل حضور دارد. وضعیت پوشش، تغذیه، تفریح و ... همسر و فرزندانش در زمان درست و مناسب انجام می‌گیرد. به لحاظ اقتصادی، نه بر خانواده خویش سخت می‌گیرد و نه بیش از حد ولخرجی می‌کند، بلکه در دخل و خرج خود نیز انضباط را رعایت می‌کند و از هرگونه افراط و تفریطی پرهیز می‌کند. او مصداق این آیه است که می‌فرماید:

و کسانی که هرگاه اتفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو، حدّ اعتدالی دارند.^۱ هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن (و ترك انفاق و بخشش منما) و بیش از حدّ (نیز) دست خود را مگشای، تا مورد سرزنش قرارگیری و از کار فرومانی.^۲

در چنین وضعیتی، هیچ کاری از قلم نیفتاده و همه‌چیز درست و به موقع انجام می‌شود. خانواده و فرزندانش از او راضی بوده و به وجودش بر خود می‌بالند. زن منظم نیز به همین‌گونه است. رسیدگی به شوهر و فرزندان، شستن لباس‌ها و ظروف، پختن غذا، نظافت منزل و ... در سروقت انجام گرفته و همه‌چیز درست و مرتب است. زندگی این‌گونه از زنان و مردان روز به روز گرم‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌شود، زیرا با نهادینه‌شدن نظم در وجود زن و مرد، اختلافات به حداقل رسیده

۱. وَ الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان: ۶۷).

۲. وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (اسراء: ۲۹).



و بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد. بسیاری از بی‌توجهی‌ها و مشکلات خانوادگی ناشی از دوری از نظم و انضباط است. مردی که به دلیل بی‌نظمی بخشی از کارهای خویش را به خانه آورده و از وقت خانواده خویش برای کوتاهی در کارش می‌زند. یا اینکه به موقع از همسرش تشکر و قدردانی نکرده و به مسائل عاطفی او در زمان مناسب پاسخ نمی‌دهد. یا رسیدگی به کارهای خانه مانند تعویض شیر و لوله‌های آب فرسوده، تعویض یا تعمیر وسایل خراب، و... را به تأخیر می‌اندازد. یا به وضعیت تفریح، مسافرت و... خانواده‌اش توجهی ندارد، نمی‌تواند زندگی موفق‌تری داشته باشد. در چنین زندگی‌ای همسر و فرزندان یا باید در آتش بی‌نظمی شوهر بسوزند و بسازند و در بسیاری از موارد با مشکلات و کمبودهای روحی و روانی، ناراحتی‌های عصبی و... مواجه شوند یا اینکه طناب زندگی مشترک‌شان را پاره کرده و با مشکلات پس از جدایی دست و پنجه نرم کنند. از آن طرف، زنی که انضباط کاری ندارد، زندگی را به دنیایی آشفته بدل می‌کند که هیچ‌گونه آسایش و راحتی‌ای برای شوهر و فرزندان در خانه وجود ندارد. به‌عنوان مثال، منزلی را تصور کنید که آشغال‌ها و زباله‌ها از وسط خانه جارو نشده و وضعیت مشمئزکننده‌ای به خود گرفته است. لباس‌های شوهر و فرزندان به موقع شسته نشده و اتو ندارد. ظروف از روزهای گذشته در آشپزخانه روی هم تلمبار شده و بوی بد آن خانه را فراگرفته است. شب‌ها تا دیروقت پای تلویزیون با برنامه‌های مختلف وقتش را سپری می‌کند و صبح تا دیروقت خواب است. صبحانه، نهار و شام را در وقت معین آماده نمی‌کند. وضعیت ظاهری مناسبی ندارد و استحمام و آرایش سر و صورتش را انجام نمی‌دهد و بیشتر اوقات از او بوی عرق یا غذا می‌آید. برای حضور در میهمانی‌ها و مجالس مختلف با



تأخیر آماده می‌شود. حال، صورتی را تصور کنید که با چنین شرایطی میهمانی ناخوانده از راه برسد، اعضای خانواده چه حس و حالی به آنها دست خواهد داد؟ آیا ظلمی بزرگ‌تر از این‌همه بی‌نظمی و کوتاهی و از بین بردن حقوق شوهر و فرزندان وجود دارد؟ واقعاً، حتی تصور چنین زندگی‌ای حتی برای یک لحظه نیز دشوار است؛ چراکه چنین زنی نه تنها نقش همسری و مادری‌اش را به درستی ایفا نمی‌کند، بلکه برای دیگران نیز وبال بوده و مایه آزار و اذیت آنان است. از این رو، بسیاری از مردان سختی‌های پس از جدایی، پرداخت مهریه یا گذراندن عمر در پشت میله‌های زندان را به ماندن در چنین زندگی‌ای ترجیح و فرار را بر قرار ترجیح می‌دهند. به همین دلیل، دین مبین اسلام تا این اندازه به مسئله نظم و نظم‌پذیری اهمیت داده و در برخی موارد نظم را در کنار تقوا قرار داده است. در جایی که امیرمؤمنان علیه السلام به هنگام وفات به امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام وصیت کردند: «أَوْصِيكُمَا بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ^۱؛ شما را به رعایت تقوای الهی و نظم در کارها توصیه می‌کنم.» نظم‌پذیری پایه‌های زندگی را محکم و زن و مرد را به ادامه زندگی دلگرم‌تر از گذشته می‌کند. پس، خانواده‌های محترم باید نظم‌پذیری را سرلوحه کار خویش قرار دهند و بدانند که بی‌نظمی در نهایت، به ضرر خودشان تمام خواهد شد. همسر و فرزندان نعمت‌های الهی هستند که خداوند آنها را به دستان ما سپرده است. پس، با نظم‌پذیری بکوشیم حق و حقوق این نعمت‌های خدادادی را ضایع نکرده و زندگی را بر آنان و خود سخت و تلخ نگردانیم.

۱. محمد بن حسین سیدرضی، همان، ص ۴۲۱.



۸-۵. حسن معاشرت و درک متقابل

حسن معاشرت در لغت به معنای خوش رفتاری است^۱ و در اصطلاح، به مجموعه‌ای از رفتارهای پسندیده (مانند خوش اخلاقی، احترام، گشاده‌رویی و ...) گفته می‌شود که اعضای خانواده باید آنها را درباره یکدیگر رعایت کنند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های خانواده اخلاقی و پویا، حسن معاشرت افراد آن خانواده است. قرآن کریم با عبارت «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) به طور صریح، از معاشرت خوب و نیکو سخن به میان آورده و همگان را به این فضیلت نفسانی دعوت کرده است. نظر اسلام بر این است که زن و مرد با تشکیل خانواده شانه به شانه و دوش در دوش یکدیگر در تمام خوشی و ناخوشی‌های زندگی همراه یکدیگر بوده و این همراهی را به نیکی انجام دهند.

تمام ما انسان‌ها در زندگی روزمره خود با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو هستیم و اگر مشکلات زندگی به اندازه‌ای در روابط خانوادگی ما اثرگذار بود که حسن معاشرت با افراد خانواده را به دست فراموشی سپردیم، قطعاً، با خانواده‌ای مواجه خواهیم شد که استحکام کافی را نخواهد داشت. زنی که مشکلات اقتصادی خانواده را پیوسته به همسر خویش گوشزد می‌کند و از این طریق، موجبات آزار و رنجش وی را فراهم می‌نماید، از فرموده خدا غافل است که می‌فرماید:

به خاطر آنچه از دست داده‌اید، ناامید نگردید و به خاطر آنچه به دست آورده‌اید، زیاد شادمان نباشید.^۲

یا مردی که به دلیل مشکلات کاری، با کوچک‌ترین چیزی از کوره در رفته و

۱. علی اکبر قرشی، همان، ج ۵، ص ۱.

۲. لَکَیْلَا تَأْسَوْا عَلٰی مَا فَاتَکُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاکُمْ (حدید: ۲۳).



با خانواده خویش رفتاری پرخاشگرانه دارد، از سخن رسول اکرم ﷺ غافل شده که فرمودند:

۱۶۹

هرچه ایمان انسان کامل تر باشد، بیشتر به همسرش اظهار محبت می کند و ارزش هم نشینی مرد در کنار زنش، بیشتر از اعتکاف و عبادت در مسجد است.^۱

مصادیق و چالش هایی از این دست در زندگی ما انسان ها فراوان بوده و می توان آنها را با حسن معاشرت از سر راه برداشت و پایه های زندگی را استحکام بخشید. در چنین زندگی ای درک متقابل افراد نیز به درستی، صورت خواهد گرفت و رنگ و بوی محبت و عشق در سراسر زندگی سریان پیدا خواهد کرد، زیرا فردی که تصمیم دارد با همسرش معاشرت و همراهی خوبی را در طول دوران زندگی به نمایش بگذارد، باید خصلت ها و ویژگی های فرد مقابل را به خوبی درک کند؛ از این رو، درک متقابل تأثیر عمیقی در حسن معاشرت و تحکیم کانون خانواده خواهد داشت. درک موقعیت و مشکلات همسر موجب می شود که انسان به نیکی های همسر توجه بیشتری کند، قدردان زحمات وی باشد. برعکس، کسی که همسر خود را درک نمی کند، تمام تلاش های او را نادیده می گیرد و عیب ها و کاستی های همسر در نظرش بسیار جلوه می کند و نه تنها قدردان و مشوق همسرش نیست، بلکه با زخم زبان های خود، نشاط زندگی را از او سلب می کند.

۸-۶. گذشت

گذشت یکی از صفات ارزشمند در زندگی فردی و اجتماعی انسان است که

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸.



نقش مهمی را در استحکام نظام خانواده ایفا می‌کند. با عفو و گذشت، زندگی رنگ صفا و صمیمیت به خود می‌گیرد، اما با انتقام‌جویی و کینه‌توزی، نفرت و دشمنی حاکم می‌شود. زن و مردی که با یکدیگر زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، به‌طور طبیعی، با یکدیگر تفاوت‌های فراوانی از نظر جسمی، جنسی، روحی و روانی، خانوادگی، فرهنگی و ... دارند. این تفاوت‌ها اگر به‌درستی مهار نشود، به اختلاف و درگیری تبدیل شده و استحکام کانون خانواده را با خطر جدی مواجه می‌کند. یکی از مهم‌ترین عناصری که می‌تواند زن و مرد را با تمام تفاوت‌ها در زیر یک سقف نگه داشته و به زندگی آنان شیرینی و رونق بخشد، گذشت از خطاهای فرد مقابل است. فردی که با جان و دل به زندگی‌اش علاقه‌مند است و این مسئله را به‌درستی می‌داند که تمام انسان‌ها از خطا و اشتباه مصون نیستند، از لغزش‌های همسرش گذشته و عذرش را می‌پذیرد و به این وسیله، بذر محبت را در دل همسرش می‌نشانند. به عقیده پیامبر اسلام ﷺ فردی که در زندگی زن‌اشویی روحیه گذشت ندارد، بدترین افراد محسوب می‌شود. ایشان در این زمینه فرمودند: بدترین زنان زنی است که عذر شوهرش را نمی‌پذیرد و خطاهایش را نمی‌بخشد.^۱

امام علی علیه السلام فرمودند:

بدترین مردم کسی است که از لغزش دیگران گذشت نمی‌کند و عیوب آنان را نمی‌پوشاند.^۲

۱. أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَرِّ رِجَالٍ نِسَائِكُمْ ... لَا يَقْبَلُ مِنْهُ عَذْرًا وَلَا تَغْفِرُ لَهُ ذَنْبًا (محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۵، ص ۳۲۵).

۲. شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَغْفُو عَنِ الزَّلَّةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۴۵).

خلاصه درس

با مراجعه به متون دینی، می‌توان عواملی را استخراج کرد که نقش به‌سزایی در تحکیم پیوند زناشویی دارند. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: تعالیم اسلامی، اخلاق، پدر و مادر همسران، نظم‌پذیری، حسن معاشرت و درک متقابل، عفو و گذشت.





۱. چند نمونه از عوامل استحکام پیوند زناشویی را نام ببرید.
۲. نقش تعلیم اسلامی در زندگانی حضرت زهرا^{علیها السلام} را توضیح دهید.
۳. پدران و مادران به چه صورتی می‌توانند پایه‌های زندگی فرزندان‌شان را استحکام بخشند؟
۴. نقش نظم‌پذیری در استحکام پیوند زناشویی به چه صورتی است؟ مثال بزنید.



کتابنامه

قرآن کریم.

سید رضی، محمد بن حسین. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۵.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق). الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ق.

----- علل الشرائع، تهران، مؤسسه دارالجمعه، ۱۴۱۶ق.

----- کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.

----- عیون أخبار الرضا (ع)، تهران، جهان، ۱۳۷۸ق.

----- من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۶۱.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی. المناقب، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.

ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر. البداية و النهاية، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.

احسائی، محمد بن علی بن ابراهیم بن ابی جمهور. عوالی اللآلی، قم، سید الشهداء (ع)، ۱۴۰۵ق.

استادان طرح جامع آموزش خانواده، جوان و تشکیل خانواده، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۶.

اصولی، احسان. توضیح المسائل مراجع، قم، جامعه مدرسين حوزه علمیه، ۱۳۷۶.

امینی، ابراهیم. انتخاب همسر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.



- آذربایجانى، مسعود و احمد ديلمى. اخلاق اسلامى، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۵.
- آريان پور، امير حسين. فروديسم، تهران، شركت سهامى كتاب‌هاى جيبى، ۱۳۵۷.
- آل‌غازى، عبدالقادر ملاحويش. تفسير القرآن العظيم المسمى ببيان المعانى على حسب ترتيب النزول، دمشق، مطبعة الترقى، ۱۳۸۲ق.
- ألوسى، محمود. روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
- انجيل متى، ترجمه مصطفى قدوسى، ايران، بى‌تا.
- بهجت، محمدتقى. استفتانات، قم، دفتر آيه الله بهجت، ۱۳۸۶.
- پاينده، ابوالقاسم. نهج الفصاحة، تهران، جاويدان، ۱۳۷۶.
- تميمى آمدى، عبدالواحد بن محمد. غرر الحكم و درر الكلم، قم، دفتر تبليغات اسلامى، ۱۳۶۶.
- تميمى مغربى، نعمان بن محمد. دعائم الإسلام، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۵ق.
- جزائرى، نعمت الله بن عبدالله. النور المبين فى قصص الأنبياء والمرسلين، قم، نشر آيت الله مرعشى، ۱۴۰۴ق.
- حر عاملى، محمد بن حسن. وسائل الشيعة، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- حكيم، سيدمحسن. مستمسك العروة الوثقى، قم، دار التفسير، ۱۴۱۶ق.
- حكيم پور، محمد. حقوق زن در كشاكش سنت و تجدد، تهران، نغمه نوآنديش، ۱۳۸۴.
- حلى، محمد بن حسن بن يوسف. إيضاح الفوائد فى شرح مشكلات القواعد، قم، مؤسسه اسماعيليان، ۱۳۸۷ق.
- خامنه‌اى، سيد على. اجوبة الاستفتانات، ترجمه احمد رضا حسینی، تهران، الهدى، ۱۳۸۰.
- دورانت، ويليام جيمز. تاريخ تمدن، ترجمه حسين كامياب، محمداامين عزيزاده، ليلا زارع، تهران، بهنود، ۱۳۹۱.
- ديلمى، حسن. إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شريف رضى، ۱۴۱۲ق.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد. المفردات فى غريب القرآن، بيروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
- راوندى، فضل الله بن على. النوادر، قم، دارالحديث، ۱۳۷۷.
- رسول‌زاده، عباس و جواد باغبانى. شناخت مسيحيت، قم، مؤسسه امام خمينى، ۱۳۸۹.



- ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۸۹.
- سپهر، محمدتقی. ناسخ التواریخ، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. گلستان، تهران، الهدی، ۱۳۷۱.
- شریفی، احمد حسین. آیین زندگی، قم، معارف، ۱۳۸۵.
- شعیری، محمد بن محمد. جامع الأخبار، قم، رضی، ۱۴۰۵ق.
- صمیری، مفلح بن حسن (حسین). غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۰ق.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
- طبرسی، حسن بن فضل بن حسن. مکارم الأخلاق، قم، صبح پیروزی، ۱۳۹۰.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الاحکام، بیروت، مؤسسه الاعلمی للطبوعات، ۱۴۲۶ق.
- طوسی، محمد بن حسن. الأمالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، قم، کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ق.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت، دارالتراث، ۱۴۱۰ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ترجمه و تحشیه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، ۱۳۶۶.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فقیهی، علی نقی. تربیت جنسی، قم، دارالحديث، ۱۳۷۸.
- فلسفی، محمدتقی. جوان و بزرگسال، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. محجة البیضاء فی احیاء الاحیاء، تهران، اسلامیة.
- قرشی، علی اکبر. قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
- کتاب مقدس: نامه اول قرن‌تینان، انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۷۵م.



- کرکی، علی بن حسین. جامع المقاصد في شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافي، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
- متقی هندی، حسام الدین. کنز العمال، تحقیق شیخ بکری، بیروت، مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مشکینی، علی. مصطلحات الفقه، قم، مؤسسه دارالحديث العلمیه و الثقافیه، مرکز للطباعة والنشر، ۱۳۹۲.
- مطهری، مرتضی. اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا، ۱۳۷۴.
- جاذبه و دافعه علی علیه السلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۷.
- نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
- مکارم شیرازی، ناصر. استفتانات جدید، قم، مدرسه الإمام علی ابن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۹.
- تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
- مورگان، مارابل. زن کامل، ترجمه پریسا علی نیا، تهران، خجسته، ۱۳۷۶.
- موریش، ایور. درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله. تحریر الوسیله، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی علیه السلام، ۱۳۷۹.
- توضیح المسائل، قم، روح، ۱۳۷۵.
- صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷.
- محمدی‌ری‌شهری، محمد. میزان‌الحکمه، قم، دارالحديث، ۱۳۸۴.
- نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
- وحیدی، محمد. احکام خانواده، قم، قدس، ۱۳۸۵.
- یزدی، سیدمحمدکاظم. العروة الوثقی، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰ق.
- یوسفیان، نعمت‌الله و الهامی‌نیا، علی اصغر. احکام خانواده، قم، عقیدتی و سیاسی سپاه، ۱۳۸۵.